



مطالعات حدیث پژوهی

دو فصلنامه علمی - تخصصی

سال ششم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز:

مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث (وابسته به جامعه المصطفی العالمیه)

انجمن علمی دانش پژوهان علوم حدیث

مدیر مسؤل: حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید حیدر طباطبایی

سردبیر: محمد نظیر عرفانی

هیئت تحریریه

محمد ایلیا یعقوبی	دکتر سید حیدر طباطبایی
دانش پژوه دکتری حدیث تطبیقی	هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
سید حسین نقوی	دکتر محمد اعجاز نگری
دانش پژوه سطح چهار حوزه	دانش آموخته دکتری حدیث تطبیقی
عادل حسن مظاهری	ذوالفقار علی (فصیحی)
دانش پژوه دکتری قرآن و تربیت	دانش پژوه سطح چهار حوزه
حسین علوی مهر	دکتر محمد جواد اسکندرلو
دانشیار جامعه المصطفی العالمیه	دانشیار جامعه المصطفی العالمیه
دکتر علی آقا صفری	محمد نظیر عرفانی
دانش آموخته دکتری قرآن و مدیریت	دانش آموخته دکتری قرآن و علوم اجتماعی

دبیر اجرایی: محمد ایلیا یعقوبی

ویراستار: ذوالفقار علی (فصیحی) گرافیک: محمد جواد یعقوبی

مترجم چکیده انگلیسی: سید حسین نقوی

نشانی: قم/فلکه جهاد/مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث / ساختمان آموزشی طبقه دوم / اتاق انجمن علمی

تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۱۰۵۳۵ پست الکترونیک: mna8181@yahoo.com

وب سایت نشریه: <http://mhp.journals.miu.ac.ir>

این مجله با همکاری کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث سامان یافت.

شیوه نامه مقالات

دو فصلنامه علمی - تخصصی «مطالعات حدیث پژوهی» با هدف گسترش مطالعات در زمینه علوم حدیث و نشر نتایج پژوهش‌های نظام‌مند و مسئله محور در حوزه دانش حدیث، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران را منتشر می‌کند، لذا بدیهی است که مقاله باید دارای اصالت و نوآوری تحلیلی و نتیجه‌کاوش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد و در نگارش آن، روش‌های تحقیق علمی رعایت شده و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده گردد. همچنین مقالات ارسالی از لحاظ نگارش باید دارای شرایط زیر باشد.

الف: شرایط عمومی

مقالات تناسب کامل با محورها یا موضوع داشته باشد.

مقالات از صبغه تحقیقی تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی برخوردار باشد.

آرا و دیدگاه‌های مطرح شده در مقالات مستند و مستدل باشد و با قلمی روان و ساده نگارش یافته باشد. مقالات ارسالی قبلاً در نشریات یا به عنوان بخشی از یک کتاب چاپ نشده باشد و نیز هم‌زمان برای سایر همایش‌ها و یا مجلات ارسال نشده باشد.

مقاله حداکثر در ۲۰ صفحه (صفحه‌ای ۲۵۰ کلمه‌ای) تنظیم شود.

مشخصات کامل نویسنده، نشانی پستی، نشانی صندوق الکترونیکی (Email)، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار و مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.

ب: نحوه‌ی تنظیم مقالات

مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشد، یعنی دارای عنوان، مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه‌ی اصلی، نتیجه‌گیری و فهرست منابع (در انتهای مقاله) باشد. در تنظیم هر یک از مؤلفه‌های ساختاری یادشده، لازم است ویژگی‌های ذیل رعایت شود:

عنوان: عنوان مقاله گویا، رسا و ناظر به محتوای مقاله باشد.

چکیده: چکیده فارسی در ۲۰۰ کلمه تنظیم شود.

چکیده باید شامل بیان مسئله، هدف پژوهش و اشاره به چگونگی روش پژوهش و یافته‌های مهم پژوهش در حد اختصار باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آن‌ها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ خودداری شود.

کلید واژه‌ها: شامل حداکثر هفت واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.

مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله بیان شود؛ به پیشینه پژوهش در مسئله اشاره شود؛ ضرورت پژوهش در مسئله بیان گردد؛ به هدف و نیز روش تحقیق اشاره شود و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.

بدنه اصلی: در بدنه اصلی مقاله لازم است، نکات ذیل رعایت شود:

- ۱) پیکره مطالب در قالب محورهای مشخص تقسیم‌بندی و سامان داده شود.
- ۲) نکات مقدماتی، میانی و پیش فرض‌های مسئله، در حد ضرورت بیان گردد.
- ۳) امانت‌داری در نقل قول‌ها کاملاً رعایت شود.
- ۴) نقل قول‌های مستقیم داخل گیومه گذاشته شود و در پاورقی به مأخذ مربوط مستقیماً (بدون ر.ک): ارجاع داده شود.
- ۵) نقل‌های مضمونی و محتوایی در گیومه نیاید، اما به منبع مربوطه ارجاع داده شود.

پاورقی

کلیه ارجاعات در پاورقی ذکر شود و نحوه ارجاع به صورت زیر باشد:
کتاب: نام و نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، (نام مترجم)، شماره جلد، شماره صفحه یا صفحات.
مقاله: نام و نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، (نام مترجم)، عنوان مجله، سال و شماره، شماره پیاپی، شماره صفحه یا صفحات.

نشانی آیات: نشانی آیات پس از ذکر آیه در داخل متن، به صورت «(نام سوره/شماره آیه)» ذکر شود.
نتیجه‌گیری: نتیجه بیانگر یافته‌های تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری مختصر بیان می‌گردد.

فهرست منابع

اطلاعات کتاب شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی و لاتین) در انتهای مقاله برحسب نوع منبع به صورت زیر تنظیم گردد.

کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، عنوان کتاب، نام مترجم، مصحح یا محقق، محل نشر، ناشر، نوبت چاپ، تاریخ انتشار.

مجله: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، عنوان مقاله، نام مترجم، نام مجله، سال و شماره، شماره پیاپی.

د: یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله «مطالعات حدیث پژوهی» محفوظ است.
۲. مقالات پذیرفته شده، در مجله علمی- تخصصی «مطالعات حدیث پژوهی» مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث با اولویت طرح و در صورت تأیید چاپ خواهد شد.
۳. مطالب مقالات مبین آرای نویسندگان آن‌هاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آن‌هاست.
۴. مقالات دریافتی و فایل‌های نرم‌افزاری در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.
۵. نقل مطالب دو فصلنامه مطالعات حدیث پژوهی فقط با ذکر مأخذ مجاز است.

فهرست مطالب

- مستندات روایی مؤلفه‌های جامعه منتظر در بیانیه گام دوم ۱
(محمد نظیر عرفانی)
- تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی با توجه به نهج البلاغه و سخنان مقام معظم رهبری .. ۲۵
(کلثوم تیماس، زینب خسروی نیا، آسیه گلستانی)
- جستاری بر سبک زندگی حضرت فاطمه (س) با تأکید بر بند هفتم بیانیه گام دوم
انقلاب اسلامی ۴۶
(محمد علی نجفی)
- بررسی و تحلیل راهکارهای قرآنی و روایی تولید انبوه و باکیفیت ۶۴
(افشین سلیمی وردنجانی)
- آسیب‌شناسی نهادهای آموزشی در تربیت نوجوانان از منظر احادیث ۸۶
(سید حسین نقوی)
- موانع درونی خود تربیتی در تحقق کمال انسانی در جامعه اسلامی از منظر امام علی(ع)
..... ۱۰۷
(محسن خوشفر، هدیه مهری)

مستندات روایی مؤلفه‌های جامعه منتظر در بیانیه گام دوم

محمد نظیر عرفانی*

چکیده

تعالی و پیشرفت هر جامعه‌ای مرهون بازنگری و پالایش مؤلفه‌های اجتماعی آن جامعه می‌باشد تا در پرتو آن به اهداف و آرمان‌هایش دست یابد که این امر نیازمند تبیین این مؤلفه‌ها از سوی مرجعی حکیم و دانا به امور جامعه می‌باشد، رهبر حکیم انقلاب که محور وحدت و همدلی جامعه اسلامی به شمار می‌رود با درک والا از تحولات جامعه در بیانیه گام دوم علاوه بر تشریح دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی ایران، به تبیین مؤلفه‌های اجتماعی جامعه پرداخته‌اند که به کارگیری آنها از جمله مواردی است که در روایات معصومین (ع) از مؤلفه‌های جامعه‌ی منتظر به شمار رفته است، به همین جهت هدف این مقاله در پاسخ به این سؤال که مستندات روایی مؤلفه‌های جامعه منتظر در بیانیه گام دوم چیست؟ تبیین مستندات روایی این مؤلفه‌ها می‌باشد، نتایج این پژوهش که به شیوه توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری کتابخانه‌ای مطالب انجام شده، حاکی از آن است که در روایات مؤلفه‌هایی همچون علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی را برای جامعه منتظر برشمرده‌اند که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم بر این مؤلفه‌ها تأکید نموده‌اند.

واژگان کلیدی: مستندات روایی، مؤلفه، جامعه منتظر، رهبر معظم انقلاب، بیانیه گام دوم

* دانش آموخته دکتری قرآن و علوم (گرایش اجتماعی)، جامعه المصطفی العالمیه،



مقدمه

بدون تردید ظهور حضرت مهدی (ع)، قیام، انقلاب و پیروزی‌های ایشان، نیاز به وجود مؤلفه‌هایی در جامعه دارد و در این زمینه تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی در پیروزی همه پیامبران و اولیای خدا نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. از این رو در بخشی از روایات مربوط به حضرت مهدی (ع) از مؤلفه‌های اجتماعی جامعه منتظر سخن به میان آمده و تصریح شده است که با به وجود آمدن چنین مؤلفه‌هایی در جامعه، آن حضرت ظهور می‌کند و به پیروزی می‌رسد لذا این مؤلفه‌های اجتماعی زمینه‌های قیام را فراهم کرده و جامعه را مهیای پذیرش امام و همراهی با ایشان می‌نماید.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم ضمن بیان پیشینه وقوع انقلاب و دشواری‌های آن، به دستاوردهای چهل‌ساله انقلاب اسلامی ایران پرداخت و چشم‌انداز آینده انقلاب را در بخش‌های مختلفی از جمله علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد تبیین نموده‌اند که در این تحقیق به تبیین مبانی روایی مؤلفه‌های اجتماعی که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم برای جامعه اسلامی ترسیم و بیان نموده‌اند، خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. جامعه

واژه جامعه از نظر لغوی اسم فاعل مؤنث از مصدر جمع به معنای گردآورنده، گردکننده، اجتماع، حوزه، گروهی از مردم یک شهر، یک کشور، جهان یا صنفی از مردم آمده است. (معین، ۱۳۶۰ ش، ج ۱، ص ۱۲۰۸)

در اصطلاح، تعاریف مختلفی برای جامعه بیان شده که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. دورکیم در تعریف «جامعه» می‌گوید: جامعه عبارت است از افرادی که گرد هم جمع آمده‌اند و مناسبات و روابطی در میان آنها به وجود آمده و این روابط به وسیله مقررات، مؤسسات یا نهادهای اجتماعی مستحکم شده و همچنین برای اجرای این مناسبات و حفظ روابط، مکافات یا ضمانت اجرایی وجود دارد.

۲. مارسل موس در این باره می‌نویسد: «جامعه عبارت است از اجتماع گروه‌های کوچک و بزرگ و نسل‌های متعدد که معمولاً در سرزمین معینی زندگی می‌کنند».

۳. رابرت مک بور در تعریف جامعه می‌نویسد: «جامعه عبارت است از دسته‌ای از مردم که مجموعه‌ای از منافع بسیار وسیع مشترک هست که همه زندگی آنها را در بر می‌گیرد».



۴. ادوارد وسترو مارک^۱، جامعه‌شناس انگلیسی می‌نویسد: «جامعه دسته‌ای از مردم هستند که به حال تعاون زندگی می‌کنند».

۵. هنری گیدنینگز^۲، جامعه‌شناس آمریکایی جامعه را دسته‌ای از مردم می‌داند که برای نیل به هدف عام‌المنفعه در حال تعاون به سر می‌برند.

۶. از نظر کارکردگرایان جامعه نوعی نظام است زیرا دارای قسمت‌های مستقل، اما دارای ارتباط درونی است همچون اتومبیل که اگر شمع آن جرقه نزند موتور کار نمی‌کند. (درسلر، ۱۳۹۵ ش، ص ۲۷۹)

۷. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «جامعه یعنی مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و بستن آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند و جامعه را تشکیل می‌دهند.» و در جای دیگری می‌نویسد: «جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده‌اند و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند» (مطهری، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۸ - ۱۹)

در تعاریفی که بیان شد، عللی همانند روابط انسانی، سرزمین، تضمین سود مشترک، تعاون و همکاری، تأمین بقا، باعث ایجاد جامعه و اختلاف بین جوامع از یکدیگر می‌گردند.

لذا با توجه به این تعاریف مشخص می‌شود که تعریف جامع و مشترکی بین جامعه‌شناسان درباره این واژه وجود ندارد جز اینکه به همه عوامل تأثیرگذار در تعریف «جامعه» اشاره شود و طبق آن می‌توان گفت، «جامعه» مجموعه‌ای از انسان‌هاست که بر اثر جبر یا تحت تأثیر عقاید و آرمان‌های مشترک در کنار هم جمع شده‌اند و برای تأمین نیازهای خود، مقید به اجرای قوانین خاص هستند.

۲-۱. اجتماع

در لغت اجتماع به معنای گردآمدن، فراهم آمدن، نزدیکی جسمی به جسم دیگر یا چندین جسم به همدیگر و ساز کاری کردن می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۳ ش، ج ۵، ص ۷۳۹۸) در اصطلاح به هیئت و ترکیب اشخاص موجود اجتماع گفته می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۶) برخی دیگر اجتماع را عبارت دانسته‌اند از: گردهمایی آگاهانه مردم با یک فهم پسینی که به صورت غریزی شکل می‌گیرد. (وبر ماکس، ۱۳۹۳ ش، ص ۷۳)

^۱ Edward westermarch.

^۲ F.H. Giddings.



۳-۱. تفاوت جامعه و اجتماع

با توجه به این تعریف جامعه و اجتماع با یکدیگر تفاوت دارند و هر یک از دیگری مجزا هستند زیرا:

۱. جامعه به وضع و حالت انسان‌ها یا حیواناتی گفته می‌شود که بر اساس قانونی مشترک زندگی می‌کنند اما اجتماع صرف گردآمدن و نزدیکی دو یا چند چیز می‌باشد.
۲. «اجتماع» عبارت است از گردهمایی آگاهانه مردم با یک فهم پسینی که به صورت غریزه شکل می‌گیرد و در مقابل جامعه عبارت است از گردهمایی آگاهانه مردم برای یک زندگی مشترک که دارای فهمی پسینی نیستند. (همان)
۳. جامعه از اعضای شکل گرفته و دارای هدف مشخصی است، لیکن جمع شدن افراد مختلف و اجتماع کردن آنان، چه بسا هدف معینی نداشته باشد.
۴. مطابق تعریف جامعه‌شناسان، جامعه ابداعی انسان‌ها است که بر اساس قراردادهای جمعی شکل می‌گیرد اما لازم اجتماعی بودن گروه، این چنین نیست. (جوادی آملی، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۷)
۵. جامعه انسانی می‌تواند بر اساس اراده انسان‌ها، حالت و اقسام متعددی داشته باشد اما اجتماع لزوماً چنین نیست.

۴-۱. بیانیه گام دوم

بیانیه گام دوم انقلاب بیانیه‌ای از سوی رهبر انقلاب اسلامی ایران، آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (دام عزه) است که به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر گردیده است. ایشان در این بیانیه علاوه بر «استمرار راه انقلاب اسلامی» به تبیین دستاوردهای چهل سال گذشته می‌پردازند. رهبر معظم انقلاب در این بیانیه با هدف «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی» توصیه‌هایی مهمی را به مردم و به ویژه جوانان ارائه نموده و به توضیح و روشن کردن مسئله برداشتن «گام دوم» به سوی «آرمان‌های انقلاب اسلامی» در هفت فصل می‌پردازند. (سید علی خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷ ش)

۲. علم و پژوهش

رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم می‌فرماید: «دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و



اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم.» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷ ش)

۱-۲. علم‌گرایی در جامعه مهدوی

در روایات تأکید شده که یاران قائم (عج) همچنان که در بالاترین درجه تقوا و پرهیزکاری قرار دارند از نظر کمال علمی نیز در بالاترین درجه قرار گرفته و از جام حکمت الهی و معرفت دینی چنانکه باید سیراب گشته‌اند. امام علی (ع) مراتب فضل و کمال علمی یاران حضرت قائم (عج) را چنین توصیف کرده است:

«ثُمَّ لِيُشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ، تُجَلَى بِاللَّنَزِيلِ أَبْصَارُهُمْ، وَيُرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ، وَيُغَبَّقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ؛ پس گروهی در آن فتنه‌ها صیقل داده شوند؛ مانند صیقل دادن آهنگر، پیکان تیر را؛ چشمانشان با قرآن، جلا یابد و تفسیر در گوش‌هایشان جای گیرد و پس از جام‌های صبحگاهان، در پایان روز، جام حکمت به آنان نوشانیده شود.» (ابن ابی حدید، ۱۴۰۲، خطبه ۱۵۰)

اصحاب امام مهدی (ع) از جایگاه فوق‌العاده‌ای در اداره دنیا برخوردار هستند؛ و چنین جایگاهی بر پایه‌های مستحکمی از جمله وضعیت علمی ممتاز استوار است. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «آنها انسان‌های نجیب، فقها، قضات و حکام دین هستند که دست امام (ع) قلب آنها را نوازش داده و هیچ حکمی برای آنها مشتبه نخواهد شد.» (طبری، ۱۴۰۸، ص ۵۶۲)

اخبار فوق بخشی از اخبار فراوانی هستند که ویژگی علمی یاران مهدی (ع) را بیان می‌کنند و در حقیقت به علم‌آموزی رهنمون می‌شوند.

۲-۲. تلاش برای پیشرفت علمی

یکی از مسائلی که به صورت قطعی در دوره ظهور امام زمان (ع) رخ خواهد داد و به وقوع خواهد پیوست، پیشرفت‌های علمی و فناوری است؛ اما این پیشرفت نه به خاطر قدرت اعجازی است که از سوی امام (ع) امکان به‌کارگیری دارد بلکه به خاطر تلاش مفید دانشمندان دوران غیبت و منتظران ظهور آن حضرت می‌باشد که توانسته‌اند با تلاش علمی خود زمینه بهره‌وری بیشتر را فراهم کنند، البته امام (ع) با ظهور خود علوم بیشتری را در میان مردم منتشر خواهند کرد که با وضعیت موجود قابل مقایسه نیست:



پیامبر (ص) می‌فرماید: «... وَ تَعِيشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشاً لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ؛ امت من در زمان حضرت مهدی (ع) از زندگی برخوردار خواهند شد که هرگز قبل از آن پیشینیان به مانند آن برخوردار نبوده‌اند.» (صنعانی، المصنف، ج ۸، ص ۶۷۸)

لذا یکی از شاخصه‌های اجتماعی برای جامعه منتظر این است که برای پیشرفت علمی جامعه تلاش نمایند.

۳. معنویت و اخلاق

از دیدگاه رهبر انقلاب «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷ ش)

۱-۳. فضیلت مداری جامعه منتظر

اصلاح جامعه و زمینه‌سازی سعادت اخلاقی از جمله مواردی است که در ذیل مؤلفه فضیلت مداری بدان دست می‌یابیم؛ بنابراین در سیره ائمه (ع)، نخستین هدف تغییر جامعه جاهلی به جامعه اسلامی و بسط زمینه‌های تکامل اخلاقی در جامعه بوده است؛ و به همین دلیل روایات بر فضیلت مداری اخلاقی جامعه اسلامی و جهت‌گیری دولت کریمه مهدوی تأکید کرده‌اند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند کینه‌های بندگان نسبت به یکدیگر از دل‌هایشان زوده می‌گردد.» (صدوق، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۱۰۶۲۵۴)

در حدیث دیگری از امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: «خداوند در آخرالزمان مردی را برمی‌انگیزد که کسی از منحرفان و فاسدان نمی‌ماند مگر آنکه اصلاح گردد.» (طبرسی، ۱۳۸۳ ش، ج ۲، ص ۲۹۱)

از امام صادق (ع) نیز نقل شده است: «ایمانتان کامل نمی‌گردد مگر آنکه قائم ما ظهور کند در آن هنگام خداوند در شما بردباری و شکیبایی پدید می‌آورد و آنگاه مؤمن کامل خواهید شد.» (همان)

۲-۳. تهذیب نفس، خودسازی و اصلاح رفتار

یکی دیگر از وظایفی که در حوزه فردی برای منتظران قابل بیان است اینکه در عصر غیبت توجه به خودسازی و تهذیب نفس و تربیت روح و روان نماید، چرا که ظهور آن حضرت برای تحقق همه خوبی‌ها و تشکیل دولت خوبی‌ها و حکومت شایسته‌سالار است که در آن خوبان دخالت خواهند داشت و حکومت امام با انسان‌های خود ساخته آغاز خواهد شد و نمایندگان و

اصحاب و یاران وی را نیز انسان‌هایی تشکیل خواهند داد که از خوبی‌های اخلاقی و دین بهره‌مند شده باشند.

شکی نیست که دین‌داری و خوب بودن در عصر غیبت حضرت مهدی (عج) از هر زمان دیگری مشکل‌تر و طاقت‌فرساتر است.

«عن هانی التمار قال: قال لی أبو عبد الله علیه السلام: ان لصاحب هذا الامر غيبة المتمسک فیها بدینه کالخارط للقتاد بیدیه، ثم قال: هكذا بیده، فأیکم یمسک شوک القتاد بیده؟ ثم قال: ان لصاحب هذا الامر غيبة فلیتق الله عبد ولیتمسک بدینه» (طوسی، ۱۳۸۲ ش، ص ۴۵۵)

هانی تمار در روایتی از حضرت امام صادق (ع) سختی این دوران را این‌گونه تصویر نموده است: صاحب امر غیبتی دارد که در آن هر کس که از دین خود دست بردارد، همانند کسی است که با کشیدن دستهای خود به ساقه بوته‌ای تیغ و خاردار، خارهای آن را بکند. پس کدام یک از شما با دست‌های خود تیغ‌ها را نگه می‌دارد؟ سپس آن حضرت مدتی سر به زیر افکنده و فرمودند: صاحب امر دارای غیبتی است، پس بنده خدا باید پرهیزکاری و تقوا پیشه کند و به دین خود تمسک جوید.

حضرت امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ، وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ هر کس می‌خواهد در زمره یاران و اصحاب امام زمان قرار گیرد، باید منتظر باشد و با تقوا و پرهیزکاری و اخلاق نیک رفتار کند و او منتظر حقیقی خواهد بود.» (نعمانی، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۰۰)

۴. اقتصاد

در بیانیه گام دوم تأکید شده است که «اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید.» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷ ش)

۱-۴. کاهش اختلاف طبقاتی

آنچه مطلوب دین اسلام و سیره حضرات معصومان (ع) است. ایجاد روحیه درک متقابل در میان طبقات جامعه می‌باشد؛ یعنی اینکه اغنیاء بتوانند وضعیت فقیران جامعه را درک کنند و بدانند رنج آنها چیست و به چه اندازه رنج می‌کشند و چنانچه این درک صورت گرفت به خودی خود احسان



و نیکی به طبقات پایین جامعه ایجاد خواهد شد و اغنیاء احساس می کنند که خداوند روزی فقیران را در زندگی آنان قرار داده است و به همین جهت توصیه شده که اغنیاء با فقیران همنشین شوند، حضرت امام باقر علیه السلام درباره وظایف شیعیان در دوران غیبت امام عصر می فرماید: «لیعن قویکم ضعیفکم و لیعطف غنیکم علی فقیرکم، توانمندان شما به ضعیفان کمک کنند و ثروتمندان به فقیران مهربانی نمایند.» (مجلسی، ۱۳۶۶ ش، ج ۷۱، ص ۲۲۵)

۲-۴. تلاش برای پیشرفت صنعتی

برخلاف برخی پندارها، رسیدن به مرحله تکامل اجتماعی و جهانی آکنده از صلح و عدالت همراه نابودی تکنیک جدید نیست و وجود این صنایع پیشرفته، نه تنها مزاحم حکومت عادلانه جهانی نخواهد بود، بلکه شاید، رسیدن به چنین هدفی بدون آن امکانپذیر نباشد. ایجاد و کنترل نظام جهانی، تقاضاها و امکانات خاص خود را لازم دارد که با آن بتوان جهان را اداره کرد، پیامها و اطلاعات و آگاهیهای موردنیاز را در کمترین مدت به همه نقاط دنیا رسانید. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲ ش، ص ۸۳)

روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که در آن نکات جالبی درباره بکارگیری صنعت در زمان حکومت امام مهدی (عج) عنوان شده است: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛ در زمان دولت قائم اگر یک فرد با ایمان در مشرق باشد برادرش را در مغرب می بیند و آن کس که در مغرب است برادرش را که در مشرق است، می بیند.» (مجلسی، ۱۳۶۶ ش، ج ۵۲، ص ۳۹۱)

اصولاً دنیایی که می خواهد به چنین مرحله ای برسد، باید آنچنان وسایل آموزشی و تربیتی در آن وسیع و گسترده و همگانی باشد که بیشتر برنامه های اصلاحی را با خودآگاهی و خودیاری مردم پیاده کند. بی تردید زنده کردن روح خودآگاهی و خودیاری عمومی آنها در سطح جهان نیازمند نیرومندترین مراکز فرهنگی و وسایل ارتباط جمعی و جامعترین رسانه، مطبوعات و مانند آن است. اگر بنا بود همه کارها با معجزه تحقق پذیرد، حضرت امام مهدی (عج) در پی ۳۱۳ یار شجاع و مطیع و فرمانبردار نبود و می توانست با قدرت الهی و بدون تکیه بر سرباز خود، جهان را فتح کند؛ بنابراین، به فرموده ی امام صادق (ع): «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ؛ خداوند ابا دارد از این که چیزها (امور) را جز از طریق اسباب فراهم آورد» (کلینی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۱۸۳)

امور دنیا باید طبق روال طبیعی از مسیر علت و معلول حرکت کند و معجزه، در نظام جاری طبیعت قاعده‌های استثنایی است که برای اثبات حقانیت ادعای نبوت یا امامت بکاربرده می‌شود.

۵. عدالت و مبارزه با فساد

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم تأکید فرموده اند که: «عدالت در صدر هدفهای اولیّی همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است.» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷ ش)

۱-۵. رعایت حقوق دیگران

از مهم‌ترین امور در زندگی محبّان و منتظران قائم (عج) رعایت حقوق برادران و مسلمانان و کمک به آنان است. انسان منتظر، نمی‌تواند به گونه‌ای زندگی کند که حقوق دیگران بر عهده اش باشد و در عین حال خود را دوستدار و منتظر مهدی موعود بداند؟! حضرت امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود: «ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع می‌کند، برای او این قول که دوست اهل بیت هستم، کافی است؟! سوگند به خدا، شیعه ما نیست، مگر کسی که پرهیزگار بوده و اطاعت از خداوند کند. شیعیان ما را به این صفات بشناسید: تواضع، خشوع، امانت‌داری، بسیار در یاد خدا بودن... . ای جابر! به ولایت و دوستی ما، جز از راه عمل و پرهیزگاری نمی‌توانی برسی.» (کلینی، ۱۳۷۶ ش، ج ۳، ص ۷۴) به همین جهت امام صادق علیه السلام وظایف شیعیان را در رابطه با برادران مسلمان خود، چنین معرفی می‌کند: «آنچه را برای برادر مسلمانان دوست‌بداری که برای خودت دوست می‌داری؛ از خشمگین کردن برادر مسلمان دوری کنی و آنچه را که مورد رضایتش است، انجام دهی و اوامرش را اطاعت کنی؛ چشم و راهنما و آئینه او باشی و... وقتی چنین کردی، دوستی خود را، به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده‌ای.» (کلینی، ۱۳۷۶ ش، ج ۲، ص ۱۶۹)

نتیجه اینکه علاقه‌مندان و یاران امام مهدی (عج)، باید کاملاً خود را وظیفه‌شناس و پاینده به اسلام و متعهد و مسؤول بدانند و همواره مراقب احوال و کارهای خود باشند و از انحرافات دوری جسته و پناه به خدا ببرند و موبه مو احکام اسلام را عمل نمایند تا شایستگی سربازی آن حضرت را پیدا کنند. (محمدباشتهاردی، ۱۳۹۶ ش، ص ۲۵۹)



۲-۵. حق خواهی و حق مداری

تاریخ، صحنه حضور و نزاع دو گروه حق و باطل و دو اندیشه طغیان گری و حق گرایی است؛ راه حق و صلاح، راه پیامبران و صالحان و راه باطل و کفر، راه شیاطین و سردمداران زر و زور و تزویر است. این دو گروه و نبرد میان آنها، همیشه در جامعه بوده و همه منتظران واقعی امام زمان (عج)، باید پیرو و طرفدار حق و مخالف و دشمن باطل باشند. با ظهور حضرت مهدی (عج)، جهان شاهد مصاف نهایی حق و باطل و پیروزی و غلبه حق به رهبری آن حضرت خواهد بود و منتظران ظهور نیز در هر حال باید برای چنین مصافی آماده باشند و خود نیز باید حق و حق خواهی را محور و مدار برنامه ها و فعالیت هایشان قرار دهند.

رسول خدا (ص) در این زمینه می فرماید: «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ، گروهی از امت من همواره حق را آشکار می کنند تا فرمان خدا (امر ظهور) فرا رسد.» (پاینده، ۱۳۸۳ ش، ج ۲، ص ۵۱۶)

حضرت امام علی (ع) نیز می فرماید:

«والله ما يكون ما تأملون حتى يه لك المبطلون و يضمحل الجاهلون و يأمن المتقون، به خدا سوگند! آنچه آرزو می کنید، تحقق نمی یابد، مگر هنگامی که باطل از بین رود و نادان ها نابود شوند و پرهیزگاران، آرامش خود را باز یابند.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۲ ق، ج ۱، ص ۱۹۸)

۶. استقلال و آزادی

در بیانیه گام دوم انقلاب تأکید شده است که «استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه گر جهان است؛ و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ی ارزشهای اسلامی اند و این هر دو عطیه ی الهی به انسانهاست و هیچ کدام تفضل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظف به تأمین این دو اند... بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود.» (خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷ ش)

۱-۶. سازش ناپذیری و سلحشوری

از روایات مربوط به حضرت مهدی (ع) کاملاً استفاده می شود که نهضت و انقلاب آن حضرت گام به گام نیست بلکه به طور انقلابی است و در میان صفات یاران مهدی (ع) پس از ایمان و معرفت بیشتر سلحشوری و جهاد و اراده قوی آنها سخن به میان آمده است و این حکایت از آن

می‌کند که برای برقراری حکومت جهانی امام مهدی (ع) باید جهاد کرد و هرگز از راه سازش با دشمنان اسلام برخوردار ننمود.

پیامبر اکرم (ص) درباره مهدی یاوران فرموده است: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ، مردمی از مشرق خروج (قیام) می‌کنند و زمینه حاکمیت مهدی را فراهم می‌آورند.» (متقی هندی، ۱۴۲۴، ص ۱۸۶)

تعبیر خروج که در فارس معادل نهضت، شورش و انقلاب است. (معین، ۱۳۶۰، ش، ص ۱۴۱۵) دلیل بر حرکت انقلابی یاران مهدی (ع) در مشرق زمین هستند. قیام حضرت مهدی یک حرکت عمیق انقلابی در کل جهان است. آری مهدی یاوران در نهایت صلابت و سخت‌کوشی هستند. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «وَإِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ، وَلَوْ مَرَوْا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَلَعَوْهَا، وَلَا يَكْفُونَ سُبُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ و دلش از پاره‌آهن محکم‌تر است و اگر بر کوه‌های آهن بگذرند، آنها را از جا می‌کنند و شمشیرهایشان را غلاف نمی‌کنند تا آنجا که خدای عز و جل راضی شود.» (قندوزی، ۱۴۱۸، ص ۵۰۹)

استواری و صلابت یاوران حضرت مهدی (ع) ره‌آورد ایمان و یقین قلبی ایشان است. ایشان به عمق معرفت خداوند دست پیدا کرده‌اند؛ و در دل‌هایشان ذره‌ای شک درباره خداوند متعال راه ندارد. از همین روست که قلوب نورانی آنها از پاره‌ای فولاد نیز محکم‌تر و استوارتر گشته است.

هیبت، صلابت بی‌نظیر یاوران مهدی (ع) نتیجه بندگی و عبودیت حق است. امام باقر (ع) فرمود: «هرگاه مهدی ما ظهور کرد و قدرت و کاربرد یک مرد از شیعیان ما راسخ‌تر و از نیزه برآن تر است. دشمن ما را زیر پاهایش پایمال می‌کند و با دست‌های او را سرکوب می‌نماید» (مجلسی، ۱۳۶۶، ش، ج ۵۲، ص ۳۱)

امام صادق (ع) می‌فرماید: «گویی قائم ما و یارانش را می‌بینم که خطر از هر طرف بر سرشان سایه انداخته، توشه‌های آنها تمام شده، جامه‌هایشان فرسوده گشته، سجده بر پیشانی آنها اثر گذارده، روزها همچون شیر ژیان و شب‌هنگام نیایش گر حق، دل‌هایشان چون پاره‌های آهن؛ اما به هر حال این فداکاری‌ها و رنج‌ها سرانجامی نیکو دارد.» (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۵۲، ص ۳۸۶) پیامبر گرامی اسلام نیز اجر مهدی یاوران را همچون اجر امت اول اسلام می‌داند زیرا آنان با اهل فتنه می‌جنگند. (بیهقی، ۱۴۲۳، ج ۶ ص ۵۱۳)



۲-۶. قاطعیت و پایمردی

قاطعیت و پایمردی شاید مهم‌ترین مؤلفه جامعه منتظر باشد که با اعتقاد و شناخت کامل از مسیر صحیح، بدون هول و هراس و توجه به استهزاء دیگران در آن حرکت می‌کنند. امام سجاد (ع) درباره منتظران می‌فرماید: «مردمی که در زمان غیبت امام زمان (ع) به سر می‌برند و معتقد به امامت و پیروی آن حضرت بوده و منتظر ظهور و قیامش هستند از مردم هر زمانی برترند چرا که خداوند آنها را از عقل، فهم و شناخت برخوردار کرده که غیبت امام زمان (ع) برای آنان همچون ظهور آن حضرت است. خداوند آنها را در این زمان همچون مجاهدانی قرار داده که با شمشیر پیشاپیش رسول خدا با دشمن می‌جنگیدند. در حقیقت مردان خالص و شیعیان راستین ما چنین افرادی هستند که در آشکار و پنهان به سوی خدا دعوت می‌کنند.» (صدوق، ۱۴۲۲ ق، ص ۳۲۰)

۷. عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

طبق فرمایش رهبر حکیم انقلاب «عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند.» (خامنه‌ای، بیانه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷ ش)

۱-۷. وحدت و یکپارچگی

از دیگر مؤلفه‌های مهم جامعه منتظر، وحدت و یکپارچگی آنان است که رمز عزت ملی آنها و تکیه گاه جامعه در روابط خارجی به شمار می‌رود. از روایات مختلف استفاده می‌شود که اصحاب حضرت مهدی (ع) از نژادها و مناطق مختلف گیتی هستند، امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید: «فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ، تُطَوَّى لَهُمْ طَيًّا حَتَّى يُبَايِعُوهُ، يَارَانِ أَوْ مِنْ أَطْرَافِ زَمِينٍ بِه سُوَيْشِ حَرَكْتِ مِي كَنْدُ وَ زَمِينِ بَرَايشَانِ پِيچِيدِه [و حرکتشان سریع] می‌شود تا با او بیعت کنند.» (مفید، ۱۴۱۳ ق ج ۲، ص ۳۷۹)

از سویی دیگر همه آنان جز تعداد اندکی، جوان، پر قدرت و بانشاط هستند. با اینکه این ویژگی‌ها زمینه بسیار مساعدی برای بروز اختلاف و پراکندگی است ولی هیچ تأثیر منفی در همدلی و برادری یاران آن حضرت نخواهد داشت و چنان وقاری برادرانه باهم دارند که گویا فرزندان یک پدر و مادر می‌باشند، «إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَلْقَى بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَأَنَّهُمْ بَنُو أَبِي وَأُمِّ؛ يَارَانِ قَائِمٍ، هَمْدِيكِر رَا هَمچُون بَرَادِرَانِ تَنِي دِيدَارِ مِي كَنْدُ.» (بحرانی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۲۴)

هدف واحد در یکدلی و وحدت آنان تأثیر می‌گذارد. از آنجایی که هواهای نفسانی و خودخواهی‌ها از یاران امام مهدی (ع) رخت بر بسته و بجای آن خداخواهی و خداپرستی نشسته است آنان یکرنگ و یکدل هستند «قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ بِالمَحَبَّةِ وَ النَّصِيحَةِ، قلب‌های ایشان جمع شده بر محبت و خیرخواهی» (کامل سلیمان، ۱۴۲۴ ق، ص ۲۲۶) امام علی (ع) بدین ترتیب وحدت‌گرایی یاران حضرت مهدی (ع) زمینه تحقق و گسترش نهضت آن حضرت را فراهم می‌کنند.

۲-۷. متواضع در برابر مؤمنان و سرسخت در برابر دشمنان

در این آیه شریفه برای یاران امام زمان (عج) یک ویژگی بیان شده است: «أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ، در برابر مؤمنان خاضع و مهربان هستند و در برابر کافران سختگیر» (مائده/ ۵۴)

«أَعِزَّةٌ» به معنای سرسخت، شکست ناپذیر و پر قدرت است. (قریشی، ۱۳۷۱ ش، ماده عزت)

یاران امام زمان (عج) از هرگونه خود برتری و تکبر و غرور نسبت به مؤمنین پرهیز می‌کنند و متواضعانه با آنان برخورد می‌کنند. تواضعی که از درون جان انسان برخیزد و برای احترام به مؤمنی از مؤمنان و بنده ای از بندگان خدا از این جهت که مومن و بنده خدا هستند باشد و مصادیق بارز آنکه از لفظ «اذلة» به دست می‌آید، خواری و ذلت در برابر اهل بیت علیهم السلام و امام زمان (عج) و فرمانبرداری از ایشان است؛ اما یاران حضرت در برابر دشمنان قاطع و سختگیر هستند. نمونه آن برخورد قاطع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تفنگداران آمریکا بود که پیامی قاطع به دشمنان اسلام بود. هنگامی که تفنگداران نیروی دریایی آمریکا به مرزهای آبی ما تجاوز کردند، چند نفر افسر جوان و مؤمن محکم در مقابل آن‌ها ایستاده و این ایستادگی به نحوی بود که دشمن را به زانو درآورد. اینکه یک ارتش ابر قدرت این طور آرام در دست سربازان امام زمان (عج) قرار گرفت، قدرت نمایی بسیار بالایی بود و خیلی از فضا سازی های دشمنان را به حاشیه برد و توانمندی نیروهای مقتدر جمهوری اسلامی را نشان داد.

ابن عباس می‌گوید: «اینان (یاران امام زمان) کسانی هستند که برای اهل ایمان بسان پسر نسبت به پدر و فرمانبردار واقعی نسبت به سرور و سالار خویش اند، اما برای کفرگرایان تجاوزکار و بیداد پیشه و خودکامه بسان صیاد نسبت به صید خویش تا آنان را از ستم و تجاوز بازدارند.» (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۳۲۱)

قرآن به توصیف یاران پیامبر پرداخته و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ، کسانی که با او هستند در برابر کفار، شدید و محکم هستند.» (فتح/ ۲۹) و در دومین وصف می‌گوید: «اما



در میان خود، رحیم و مهربانند؛ (رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ)»

آری آنها کانونی از عواطف و محبت نسبت به برادران و دوستان و هم کیشان خود هستند و آتشی سخت و سوزان و سدی محکم و پولادین در مقابل دشمنان خویش می باشند. ولی عجیب است که بعضی از سران کشور های اسلامی و بعضی از افراد جاهل و به ظاهر مسلمان، امروز از رهنمودهای مؤثر این آیات و ویژگی هایی که برای مؤمنان راستین و یاران رسول الله (ص) نقل می کند، فاصله گرفته اند و بازیچه کفار و مستکبران قرار گرفته که گاه آن چنان به جان هم می افتند و کینه توزی و خونریزی می کنند که هرگز دشمنان اسلام آن چنان نکردند. مصداق بارز این آیات شعار هیئات من الذله ابا عبدالله الحسین (ع) در مقابل دشمنان خداست.

۳-۷. بینش و توسعه سیاسی

ارائه الگوی مناسب توسعه سیاسی نیز می تواند یکی از عوامل فراهم کننده زمینه ظهور حضرت مهدی (ع) باشد، الگوی توسعه سیاسی در جامعه منتظر عبارت است از همکاری و مشارکت سیاسی فعال و متعهدانه، مردم به رهبری امام معصوم (ع) بر اساس شریعت و هدایت الهی برای زمینه سازی سعادت و فضیلت اخلاقی در عرصه جهانی. (بهر روز لک، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۰۵)

این تعریف بر اصول زیر مبتنی است: در جامعه مهدوی مشارکت سیاسی فعال از طریق بیعت و همراهی با امام معصوم (ع)، آگاه و عادل خواهد بود که با رهبری خود زمینه انتخاب احسن را برای انتخاب افراد در جامعه فراهم خواهد ساخت بیعت با امام معصوم نیز از سر روابط ناآگاهانه و تبعیت کورکورانه نیست بلکه یک وظیفه و مسئولیت الهی است. در نتیجه کاملاً آگاهانه و انتخاب شده خواهد بود. (همان، ص ۱۰۹)

یکی دیگر از ویژگی های توسعه سیاسی جامعه منتظر گسترش قلمرو سیاسی به عرصه جهانی است. دولت آخرالزمان دولتی جهانی خواهد بود. مردم جهان با پذیرش اسلام دیگر هیچ مرزی (در بین خود) نخواهند داشت. از این رو گستره توسعه سیاسی نیز به مرزهای ملی محدود نبود و انسان ها دغدغه های مشترک داشته و در مصائب و ناملایمات کنار هم خواهند بود. (همان)

۴-۷. جهاد و تلاش

روایات مربوط به انتظار نشان گر نوعی ارتباط و همراهی انتظار با مقوله جهاد و تلاش است. همانگونه که پیامبر (ص) فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ» (صدوق، ۱۴۲۲ ق، ج ۲، ص ۶۴۴) ایشان در روایت دیگری درباره انتظار فرج، قالب این عمل را جهادی معرفی نموده و می فرماید: «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۷)

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: نظرتان درباره کسی که ولایت ائمه را داشته و در انتظار ظهور حکومت حق بوده و در این حال از دنیا می رود چیست؟ ایشان در پاسخ فرمود: «هو بمنزله من كان مع القائم في فسطاطه ثم سكت هنيئاً ثم قال هو كمن كان مع رسول الله؛ او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه او (ستاد ارتش او) بوده باشد- سپس اندکی سکوت کرد- و فرمود: مانند کسی است که با پیامبر اسلام در «مبارزاتش» همراه بوده است.» (برقی، ۱۳۶۶ ش، ج ۱، ص ۱۷۳)

این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی داشتن همیشه توأم با یک جهاد وسیع و دامنه دار است. انتظار، معمولاً به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می کند؛ بنابراین مسأله انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است، عنصر «نفی» و عنصر «اثبات». عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است و اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه دار حلول کند سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد.

این دو رشته اعمال عبارتند:

۱. از ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو،

۲. خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی های جسمی و روحی و مادی و معنوی - برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی- و مردمی که می بینیم هر دو قسمت آن سازنده و عامل تحرک و آگاهی و بیداری است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۷، ص ۳۷۹-۳۸۳)

«انتظار فرج، یعنی زنده نگه داشتن روح انقلابی در خودمان و تلاش برای گسترش جهانی و آماده باش جهانی. انتظار فرج، یعنی من همیشه یک چریکی و مبارز خواهم ماند. انتظار فرج، یعنی من یک مجاهد هستم و مجاهد خواهم ماند.» (رحیم پور ازغدی، ۱۳۹۰ ش، ص ۳۰)

۸. سبک زندگی

در بیانیه گام دوم تأکید شده است که «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه میطلبد» (خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷ ش)



۱-۸. پیروی از ارزش‌ها

برخی روایات اشاره دارند که در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مانده/۵۴) ویژگی‌های یاران مهدی (ع) بیان شده است. آنها با این اوصاف در برابر مرتدین و کارشکنان می‌ایستند و برای برقراری حکومت عدل جهانی حضرت مهدی (ع) تلاش می‌کنند.

یمان تمار می‌گوید: «نزد امام صادق (ع) نشسته بودیم که به ما فرمود: صاحب‌الامر غیبتی خواهد داشت که کسی که بخواهد در آن دوره دین‌دار بماند سخت در مشقت و در معرض مشکلات است و سپس فرمود: صاحب‌الامر غیبتی دارد و بنده خدا برای حفظ دینش باید تقوای الهی را پیشه کند و محکم به دین خود بچسبد.» (حرعاملی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۴۴۲)

ابو بصیر می‌گوید: «امام صادق (ع) فرمود: هر کس خوشنود است به اینکه از اصحاب قائم باشد باید منتظر بماند در عین حال پایبند پرهیزگاری و اخلاق نیکو باشد و در آن صورت اگر از دنیا برود و امام قائم بعد از مردم او قیام نماید پاداش او مثل کسی است که امام قائم را درک کرده است.» (حرعاملی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۵۳۶)

محمی‌الدین عربی در کتاب الفتوحات المکیه در ادامه حدیثی طولانی در رابطه با حضرت مهدی (ع) می‌گوید: «عامه مسلمانان بیش از خواص به وجود او شاد می‌گردند و عارفان اهل حقیقت که به سبب معرفت الهی به کشف و شهود حقایق نائل شده‌اند با وی بیعت می‌کنند.» (فقیه ایمانی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۰۶)

شاید بتوان گفت در میان همه ویژگی‌هایی که برای یاران منتظر برشمرده شده است، بااهمیت‌ترین و بارزترین ویژگی، اخلاق‌گرایی است. به طوری که آنها را مصداق کامل اولیاءالله دانسته‌اند. به گونه‌ای که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است. آنجا که می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، آگاه باشید که بر دوستان خدا بیمی نیست و غمگین نمی‌شوند.» (یونس/۶۲)

امام صادق (ع) از جمله صفات شیعیان قائم آل محمد (ص) را این گونه تبیین نموده‌اند: «طوبی لشیعة قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبتة و المطیعین له فی ظهوره اولئک اولیاء الله الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون، خوشا به حال شیعیان قائم که در زمان غیبتش منتظر ظهور او

هستند و در هنگام ظهورش فرمان بردار او. آنان اولیاء خدا هستند. همان‌ها که نه ترس آنها را فرا می‌گیرد و نه اندوهگین می‌شوند» (صدوق، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۵۲)

اینکه انسانی از هیچ چیز ترسی به دل راه ندهد و از هیچ چیز اندوهگین نشود تنها زمانی امکان پذیر است که جز خدا نبیند و جز به خدا نی اندیشد و این اوج کمال آدمی و بالاترین مرتبه‌ای است که یک انسان می‌تواند بدان دست یابد.

در نتیجه جامعه منتظر در چنان مرتبه‌ای از زهد و تقوا هستند که همه کائنات در برابر آنها سر تسلیم فرود می‌آورند و زمین و آسمان به وجود آنها افتخار می‌کنند.

یاران امام عصر (ع) مؤمنان واقعی هستند. کسانی که هم در اعتقاد وهم در عمل اهل ایمان‌اند، اینها هیچ چیز را بر اطاعت از خدا و دستورات امامان (ع) ترجیح نمی‌دهند و در مقابل خواست ایشان که همان دین صحیح و شرع مطهر است تسلیم محض می‌باشند.

امام صادق (ع) در توصیف یاران حضرت بقیه‌الله می‌فرمایند: «اطوع له من الامة لسیدها، این‌ها در برابر امام (ع) از کنیز در مقابل آقای خود مطیع‌ترند.» (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۵۲، ص ۳۰۸)

و امام علی (ع) درباره ایشان فرموده‌اند: «عرفوا الله حق معرفته وهم انصار المهدی فی آخر الزمان، شناخته‌اند خداوند را به حق معرفتش و آنها یاوران مهدی در آخر زمان می‌باشند» (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۵۱، ص ۸۷) لذا یاوران حضرت مهدی (ع) که حق معرفت خدا را دارند بیشترین و عمیق‌ترین ترس را از او دارند و به همین جهت به طور جدّ اهل تقوا و ورع هستند.

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «ها، ها، طوبی لهم علی صبرهم علی دینهم فی حال هدیتهم، ویا شوقاه الی رؤیتهم فی حال ظهور دولتهم، وسیجمعنا الله وایاهم فی جنات عدن، ومن صلح من آبائهم وأزواجهم وذریاتهم، وه! خوشا به حال آنان و شکیبشان بر دین خود در حال متارکه جنگ [با حاکمان ستمکار]! چه قدر مشتاق دیدنشان به گاه پدیدار شدن حکومتشان هستیم و خداوند به زودی، ما و ایشان و نیز افراد صالح از پدران و همسران و فرزندان‌شان را در باغ‌های جاویدان، گرد هم می‌آورد» (مجلسی، ۱۳۶۹، ش، ج ۴، ص ۲۵)

آنچه در این حدیث بیش از همه مورد تأکید امام (ع) قرار گرفته صبر و استقامت منتظران بر دین‌داری می‌باشد.

۲-۸. امید به آینده

تنها راه درمان معضلات اجتماع، بازگشت به خدا، معنویت و پای بند بودن به دین و مذهب است، دین و مذهب امید آفرین است، موهبت امید، امیدی پر برکت و سازنده ایمان زا و جهت بخش که در جای جای قرآن به آن اشاره شده است: «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ و خواستیم بر مستضعفان منت نهیم و آنان را پیشوایان مردم گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم.» (قصص/۵)

و نیز: «و لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و بی تردید در زبور پس از تورات نوشتیم، که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.» (انبیاء/۱۰۵)

امیرالمؤمنین علی (ع) در تأویل این آیه شریفه می‌فرماید: «دنیا پس از چموشی و سرکشی، بسان شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می‌کند و آن را برای بچه‌اش نگاه‌داری می‌کند به ما روی خواهد آورد.» (دستی، ۱۳۸۵، ص ۴۸۰)

پس به تلاوت آیه مذکور پرداخت، ابن ابی الحدید می‌نویسد: «بزرگان دینی و همفکران ما بر این واقعیت تصریح می‌کند که این بیان امیر مومنان علی (ع) نوید از آمدن امام و پیشوای بزرگی است که فرمان روای زمین می‌گردد و همه کشورها در قلمرو قدرت او قرار می‌گیرند.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۲، ق، ص ۲۹)

امام سجاد (ع) بعد از تلاوت آیه پنجاه و پنج سوره نور فرمود: «به خدای سوگند که این مؤمنان شایسته کردار، شیعیان ما اهل بیت هستند و خداوند این نوید و وعده شکوه بار را به دست بزرگ مردی از ما متحقق خواهد بخشید، او مهدی این امت است.» (عیاشی، ۱۴۲۱، ق، ج ۳، ص ۱۳۵)

مهدی برای طوفان زدگان کشتی شکسته و غریقان گرداب‌های فتنه در دوران بربریت مدرن، به ساحل امن امید است و این امید بزرگ‌ترین هدیه‌ای است که جامعه بشری در این دوران دریافت داشته است؛ و هدیه کننده آن حق بس عظیمی بر گردن آدمیان دارد.

۳-۸. آمادگی و بسترسازی

خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکیبا باشید و [در برابر دشمنان] شکیبایی ورزید و نگهبان مرزها باشید و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، باشد که شما رستگار شوید» (آل عمران/۲۰۰)

امام باقر (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: «إِصْبِرُوا عَلَىٰ آدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُتَنَتِّرَ (علیه السلام)، بر انجام واجبات صبر کنید و در مقابل دشمنانتان پایدار باشید و از امام منتظر (عج) دفاع کنید.» (حر عاملی، ۱۳۶۴ ش، ج ۳، ص ۴۵۹)

بر انجام واجبات و عبادات بردبار باشید، در برابر دشمن شکیبایی از خود نشان دهید و خود را برای یاری امام منتظر خود آماده و مجهز سازید. شاید بتوان یکی از جنبه‌های آماده‌سازی برای یاری امام (ع) را فراهم آوری زمینه‌ها و مقدمات ظهور دانست.

اینکه زمان ظهور و پایان یافتن غیبت حضرت مهدی (ع) از امور غیبی شمرده شده است و اینکه خداوند امر فرج او را به ناگهان در یک شب امضا خواهد فرمود، همگی در جهت حفظ آمادگی همیشگی در جهت پاسخگویی به ندای یاری‌خواهی آن حضرت باشد؛ و هرگز بدون آمادگی سر بر بستر نگذارند و همیشه آماده باشند. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ، هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده‌سازید» (انفال/۶۰)

یاوران حضرت مهدی (ع) به دلیل آگاهی و معرفت بالایی که از آن برخوردار هستند غیبت امام زمان (ع) را همچون حضور او دانسته و تلاش، فکر و هدفشان بر این اساس است، نه اینکه دست روی دست بگذارند و بگویند که از ما کاری بر نمی‌آید و باید به انتظار بنشینیم تا امام زمان (ع) ظهور کند و خود ایشان کارها را اصلاح نماید.

امام عصر (ع) در یکی از بیانات خود به چنین جمعیتی این‌گونه بشارت داده است: «اگر شیعیان ما که خداوند آنان را در راه اطاعتش یاری دهد در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده، یکدل و مصمم باشند البته نعمت دیدار از آنان به تأخیر نمی‌افتد و سعادت ملاقات ما برای آنها با معرفت کامل و راستین نسبت به ما تعجیل می‌گردد.» (طبرسی، ۱۳۸۳ ش، ج ۲، ص ۶۰۰)

و آن عهد و پیمان همان است که در کتاب خدا و سخنان نمایندگان خدا آمده است که مهم‌ترین آنها را بیان می‌کنیم:

الف) تلاش در جهت پیروی از امامان و دوستی با دوستان ائمه و بیزاری جستن از دشمنان آنها.

امام باقر (ع) از پیامبر خدا (ص) روایت کرد که فرمودند: «خوشا به حال آنکه قائم خاندان مرا درک کند در حالی که پیش از قیام از او پیروی کرده باشد با دوستان او دوستی و با دشمنانش دشمنی نموده باشد. آنها رفیقان من و اهل دوستی و محبت من و گرامی‌ترین امت من نزد من در روز قیامت هستند.» (صدوق، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۳۱۹)



ب) صورت دیگر عهد و پیمان این است که جمعیت منتظر در مقابل بدعت‌ها و انحرافات در دین و رواج منکرات و زشتی‌ها در سطح جامعه بی‌تفاوت نیستند؛ و نیز در برابر فراموش شدن سنت‌های نیکو و ارزش‌های اخلاقی از خود واکنش نشان می‌دهند.

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمود: «البته در پایان این امت در دوره آخرالزمان گروهی خواهند بود که پاداش آنها همانند اجر امت اول اسلامی خواهد بود. آنها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و با اهل فتنه می‌جنگند.» (بیهقی، ۱۴۲۳ ق، ج ۶، ص ۵۱۳)

ج) جامعه منتظر در برخورد با دیگران وظیفه دارد که تعاون و همکاری را سرفصل برنامه‌های خود قرار دهد و افراد این جامعه به دور از تنگ‌نظری و خودمحوری پیوسته حال فقرا و نیازمند آن جامعه را پیگیری می‌کنند و از آنان بی‌خبر نمی‌مانند.

گروهی از شیعیان امام باقر (ع) از ایشان درخواست نصیحت کردند حضرت فرمودند: «از میان شما آنکه نیرومند است ضعیف را یاری کند و آنکه بی‌نیاز است با نیازمندان مهربانی ورزد و هر یک از شما نسبت به دیگری خیرخواهی کند.» (مجلسی، ۱۳۶۶ ش، ج ۵۱، ص ۱۲۳)

گفتنی است که دایره این همکاری و همیاری محدود به محیطی که در آن زندگی می‌کنند نباید باشد بلکه خیر و نیکی منتظران به محیط‌های دورتر و نیازمندان شهرهای دیگر نیز می‌رسد. زیرا که در پرتو روح انتظار هیچ جدائی و دوگانگی بین افراد احساس نمی‌شود.

۴-۸. بصیرت و آگاهی

شناخت مقصد چراغ راه است راه را بر رونده آشکار می‌سازد. در دو راهی‌ها، او را از سرگردانی رهایی می‌بخشد. مردان حقیقت آشنا از دوری راه نا امید نمی‌گردند و در بحران‌ها، کمر خم نمی‌کنند. پیچ و خم‌های زندگی و کژئی‌ها، آنان را به بیراهه نمی‌کشاند. چرا فرا روی دارند و بردبارانه به سوی آن راه می‌گشایند. (دشتی، ۱۳۸۵ ش، خطبه ۸۶)

یاران مهدی، در بصیرت، درایت و خردمندی سر آمدند. در فتنه‌های زیرکانه فرو می‌مانند، هوشیارانه راه جویند و حق را از باطل باز شناسند چنانکه از جام‌های حکمت سیرابند و آماده کار که: «حتی اذا وافق القضاء انقطاع مده البلاء حملوا بصائرهم علی اسیافهم ودنوا لربهم بامروا عظیم» (دشتی، ۱۳۸۵ ش، خطبه ۱۵۰)

بصیرت و آگاهی عمیق از هدف‌ها و راه‌ها و شناخت دوستان و دشمنان اسلام، سبب می‌شود که در احیای سنت و مبارزه با بدعت درنگ نکنند و در پی رسالت شرکت‌زدایی، به همراه امام خود، تیر بردارند و بت شکنی کنند، پیرایه‌های که به اسم دین در ذهن‌ها جای گرفته و گذشت زمان تقدس یافته اند نابود سازند و اسلام را در صفا و خلوص نخستین خود را عرضه بدارند.

۵-۸. ویژگی‌های جسمانی

جامعه منتظر از نظر صفات جسمی و نیروی بدنی نیز سرآمد روزگار هستند و کسی را یارای مقابله با آنها نیست. امام صادق (ع) در وصف توان جسمی و قدرت بدنی یاران قائم (ع) می‌فرماید: «لوط (ع) که می‌فرمود: کاش در برابر شما قدرت می‌داشتم یا می‌توانستم به تکیه‌گاهی استوار پناه ببرم، در آرزوی نیرو و توان قائم (ع) و به یاد قدرت و استواری یاران او بود. زیرا به هرکدام از آنها قدرت چهل مرد داده‌شده و قلب آنها محکم‌تر از پاره‌های آهن است اگر به کوه‌هایی از آهن برخورد کنند آنها را از جا می‌کنند و شمشیرها آنها از حرکت باز نمی‌ایستد مگر زمانی که خداوند عزوجل خشنود شود.» (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۵۲، ص ۳۲۷)

آری آنان در اوج نیروی روحی و بدنی هستند که با تعداد اندک خود بر ارتش فراوان ظلم و جور فائق می‌آیند.

از این رو تلاش برای حفظ سلامت روح و روان و تکاپو برای به دست آوردن انرژی و قدرت بالای روحی و بدنی از جمله وظایف منتظران و زمینه‌سازان ظهور آن حضرت می‌باشد.

امام سجاد (ع) در وصف نیرو و توان یاران قائم (ع) می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنِ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا؛ زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند آفت را از شیعیان ما می‌زداید و دل‌های آنان را چون پاره‌های آهن [سخت و تزلزل‌ناپذیر] می‌کند و هر مرد آنان را قدرت چهل مرد می‌دهد. آنان فرمانروا و سالار جهان خواهند بود.» (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۵۲، ص ۳۶۴)

نتیجه

از مراحل مهم در فرایند انقلاب اسلامی، جامعه پردازی می باشد که هدف از آن دستیابی به جامعه اسلامی منتظر است، فصول مختلف بیانیه گام دوم بر آرمانهای، اهداف و آرزوهای بزرگی که اسلام برای جامعه بشری ترسیم نموده اشاره دارد، جامعه ای علم گرا و پژوهش محور که به دنبال کسب فضائل اخلاقی و تهذیب نفس است و در راستای کاهش اختلاف طبقاتی با فساد و بی عدالتی مبارزه می نماید و حقوق آحاد جامعه رعایت گردیده و حق خواهی و حق مداری روش غالب افراد آن جامعه می باشد، این جامعه با اتحاد در مقابل استبداد و استعمار سازش ناپذیر بوده و با قاطعیت از حقوق و عزت ملی خویش در روابط خارجی با بیگانگان دفاع می نماید و سبک زندگی آن در پرتو بصیرت و آمادگی جسمانی مبتنی بر پیروی از ارزشها، امید به آینده و بسترسازی برای ظهور می باشد.



فهرست منابع

قرآن مجید

۱. ابن ابی الحدید، ۱۴۰۲ ق، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیة الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ دوم.
۲. ابن شعبه حرانی، علی بن حسین، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، چاپ سوم.
۳. وبر ماکس، ۱۳۹۳ ش، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری، تهران، سمت، چاپ سوم.
۴. رحیم پور ازغدی، حسن، ۱۳۹۰ ش، انتظار، انقلابی ماندن، همه جا، همه وقت، نشریه امان، ش ۳۰.
۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳ ش، لغت نامه، علی اکبر دهخدا، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، چاپ اول.
۶. برقی، احمد بن خالد، ۱۳۶۶ ش، المحاسن، دارالکتب اسلامیة، چاپ دوم.
۷. بهروز لک، غلام رضا، ۱۳۸۴ ش، سیاست و مهدویت، انتشارات حکمت رویش، چاپ اول.
۸. بیهقی، احمد بن حسین، ۱۴۲۳ ق، دلائل النبوة، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۶۴ ش، اثبات الهدی، قم، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ۳.
۱۰. حسینی بحرانی سید هاشم، ۱۴۲۱ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه البعثة.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰ ش، جامعه در قرآن، قم، اسراء، چاپ سوم.
۱۲. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷ ش، بیانیه گام دوم انقلاب، ۲۲ بهمن.
۱۳. دشتی، محمد، ۱۳۸۵ ش، ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات وجدانی.
۱۴. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، ۱۴۲۲ ق، کمال الدین و تمام النعمه، قم، مؤسسه النشر الاسلامیه، چاپ ۴.
۱۵. _____، ۱۳۶۲ ش، الخصال، ترجمه و شرح فارسی کمره‌ای، تهران، اسلامیه.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۸۳ ش، احتجاج، قم، مکتبه الحیدریه، چاپ ۱.
۱۸. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۸ ق، دلائل الامامة، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۲ ش، کتاب الغیبه، قم، مکتبه بصیرتی، چاپ ۲.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۴۲۱ ق، تفسیر العیاشی، قم، الدراسات الاسلامیه.



۲۱. فقیه ایمانی، مهدی، ۱۴۱۸ ق، الامام المهدی عند اهل السنه، تهران، المجمع العالمی لاهل البيت.
۲۲. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱ ش، قاموس قرآن، دار الکتب العلمیه، تهران، چاپ ششم.
۲۳. قندوزی حنفی، ابراهیم العینی البلخی، ۱۴۱۸ ق، ینابیع الموده، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۴. کامل سلیمان، ۱۴۲۴ ق، يوم الخلاص، ظل القائم، قم، چاپ نگین.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۶ ش، اصول کافی، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. متقی هندی، علاء الدین علی، ۱۴۲۴ ق، کنز العمال، دار الکتب العلمیه.
۲۷. محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۹۶ ش، حضرت مهدی (عج) فروغ تابان ولایت، قم، کتاب جمکران.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۶۶ ش، بحار الانوار، المکتبه الاسلامیه.
۲۹. _____، ۱۳۶۹ ش، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲ ش، قیام و انقلاب مهدی (ع)، قم، انتشارات صدرا.
۳۱. _____، ۱۳۷۷ ش، جامعه و تاریخ، قم، صدرا.
۳۲. مفید، محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ ق، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق: موسسه آل البيت قم: کانفرس جهانی هزامین سال شیخ مفید، چ اول.
۳۳. معین، محمد، ۱۳۶۰ ش، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۵. _____، ۱۳۹۲ ش، حکومت جهانی حضرت مهدی، قم، نسل جوان، چاپ نهم.
۳۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۷۶ ش، الغیبه، نشر صدوق، تهران.
۳۷. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۳ ش، نهج الفصاحه، مجموع سخنان و خطبه‌های حضرت رسول اکرم (ص)، اصفهان، خاتم الانبیاء.
۳۸. دیوید درسلر، ویلیام ویلیس، ۱۳۹۵ ش، جامعه‌شناسی «بررسی تعامل انسان‌ها»، ترجمه غلامرضا رشیدی، تهران، اطلاعات، چاپ دوم.

تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی با توجه به نهج البلاغه و سخنان مقام معظم رهبری

- * کلثوم تیماس
- ** زینب خسروی نیا
- ** آسیه گلستانی

چکیده

اقتصاد مقاومتی یک نیاز مهم برای برنامه‌ریزی راهبرد کلان نظام اقتصادی کشور است که در چند سال اخیر از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده است. نظام اقتصادی قدرتمند، به دلیل آن که می‌تواند زمینه مقابله با دشمنان را در سایر زمینه‌ها فراهم نماید، دارای اهمیت بالایی است. از آنجایی که سیره اقتصادی امام علی (علیه‌السلام) ارائه‌دهنده‌ی یک الگوی اقتصادی پویا است، در این تحقیق سعی شده است با استفاده از سخنان آن حضرت در نهج‌البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری این مسئله تبیین گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی، توانایی مقاومت در مقابل عوامل تهدیدزا، استفاده از ظرفیت‌های دولتی و مردمی، مدیریت جهادی، اصلاح الگوی مصرف، حمایت از تولید ملی و دانش‌محوری از مهم‌ترین مؤلفه‌ها

* دانش آموخته سطح ۳ رشته تفسیر و علوم قرآنی، موسسه آموزش عالی حوزوی فاطمه معصومه (س).

Timas_k@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (سلام‌الله‌علیها) قم.
yaemamreza@vatanmail.ir

** طلبه سطح ۴ رشته فقه خانواده موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (سلام‌الله‌علیها) قم.
Moud4۷۲۱۰۰@vatanmail.ir



و ارکان اقتصاد مقاومتی است. این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است و به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، رهبر معظم انقلاب، الزامات اقتصاد مقاومتی، ارکان اقتصاد مقاومتی، نهج‌البلاغه.

مقدمه

اقتصاد مقاومتی یکی از نظام‌های اقتصادی است که مبتنی بر آموزه‌های دینی و متکی بر ظرفیت‌های داخلی بوده، قدرت بازدارنده در مقابل تحریم‌های دشمن است. این اصطلاح طی چند سال اخیر از سوی مقام معظم رهبری مطرح و تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. وجود فشارهای بین‌المللی از یک‌سو و اعمال تحریم‌های همه‌جانبه اقتصادی از سوی دیگر، اهمیت پی‌ریزی اقتصاد مقاومتی را بیشتر نمایان می‌سازد. با توجه به تأکیدات مکرر مقام رهبری ضرورت ایجاب می‌کند در این زمینه تحقیقاتی انجام شود. حال این مسئله قابل طرح است که مفهوم اقتصاد مقاومتی چگونه تبیین می‌شود و بر چه ارکان و مؤلفه‌هایی استوار است؟

در مورد اقتصاد مقاومتی، تحقیقاتی در قالب کتاب، مقاله، پایان‌نامه یا مجلات انجام شده است از جمله مقالاتی با عنوان «تربیت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی» و «نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی» از محمود اصغری که در فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی چاپ شده است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «سهم سرمایه‌های انسانی و نیروی کار در تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی» از محمد خانباشی و غلامرضا بستان منش که در ماهنامه کار و جامعه به چاپ رسیده است. با تبعی که محقق در این زمینه داشت مقاله‌ای با عنوان تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی با محوریت نهج‌البلاغه و سخنان مقام معظم رهبری یافت نشد؛ بنابراین در این تحقیق، بعد از بیان مفهوم اقتصاد به تبیین اقتصاد مقاومتی در نهج‌البلاغه و سخنان مقام معظم رهبری در سه بخش مؤلفه‌ها، ارکان و الزامات اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است. داده‌پردازی در این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای است.

۱ - مفهوم اقتصاد

کلمه اقتصاد در لغت معانی متعددی دارد که این نوشتار به ذکر تعدادی از این معانی می‌پردازد: اقتصاد از ماده قصد گرفته شده است؛ این ماده در کتاب العین و المحيط فی اللغه به معنای: «استقامه الطریقه» (فراهیدی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۵، ص ۵۴) و در لسان العرب، تاج العروس و مفردات به معنای: «استقامه الطریق» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۳، ص ۳۵۳) آمده است و هر دو به معنای مستقیم نمودن و استوار داشتن راه است.

مفردات راغب در تعریف اَقْتِصَاد آن را به دو گونه تقسیم کرده است: اول - اقتصاد میانه‌روی که مطلقاً پسندیده است و آن در چیزهایی است که دو طرف افراط و تفریط دارد مانند جود یا بخشش که میان حالت اسراف و بخل قرار دارد و شجاعت که حالتی است مابین تهور و ترس. دوم - اقتصاد کنایه از حالتی است که میان پسندیده و ناپسند قرار می‌گیرد، مثل قرار گرفتن میان عدل و جور [که نه عدالت است و نه جور و ستم]. یا حالت و موقعیتی در میان نزدیک و دور. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۶۷۲)

«اقتصاد یعنی خرج و صرف مال به اندازه نیاز متعارف، که این خود باعث بی‌نیازی است؛ زیرا به مقدار حاجت از مال و مکتنت را خداوند بر عهده گرفته است که به طور مستمر تا زمانی که انسان زنده است، مرحمت کند و لازم‌هاش رعایت اقتصاد و میانه‌روی است». (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۳۹)

از این رو اقتصاد را می‌توان میانه‌روی در خرج و صرف مال به اندازه نیاز متعارف تعریف کرد.

۲ - مفهوم اقتصاد در قرآن

این ماده در ۶ آیه از قرآن کریم به کار رفته است: «وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ» (لقمان: ۱۹)، سَفَرًا قاصِدًا (توبه: ۴۲) و واژه (مُقْتَصِدٌ) که سه بار در سوره‌های (مائده: ۶۶، فاطر: ۳۲، لقمان: ۳۲) تکرار شده و در هر سه مورد به معنای میانه‌رو است.

۳ - تبیین اقتصاد مقاومتی در قرآن و نهج البلاغه

در قرآن کریم آیاتی هست که می‌تواند مبنای اقتصاد مقاومتی باشد و این معنا از آن استنباط شود: ۱- «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) «و خداوند

هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است».

یکی از آیاتی که اقتصاد مقاومتی ریشه در آن دارد، آیه نفی سبیل است؛ در این آیه شریفه راه هرگونه تسلطی از سوی کافران بر مؤمنان نفی شده است؛ به این معنا که مؤمنان حق ندارند برای کافران هیچ‌گونه راه تسلطی بر خود قرار دهند.

این سخن امیرالمؤمنین مؤید این مطلب است که می‌فرماید: «وَ اِنْ فِي سُلْطَانِ اللَّهِ عِصْمَةٌ لَامْرِكُمْ فَاعْطُوهُ طَاعَتَكُمْ غَيْرَ مَلُومَةٍ وَ لَا مُسْتَكْرَهٍ بِهَا وَ اللَّهُ لَتَفْعَلَنَّ اَوْ لَيَنْقُلَنَّ اللَّهُ عَنْكُمْ سُلْطَانَ الْاِسْلَامِ ثُمَّ لَا يَنْقُلُهُ اِلَيْكُمْ اَبَدًا؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹) و همانا حکومت الهی حافظ امور شماست؛ بنابراین زمام امور خود را بی آن‌که نفاق ورزید یا کراهتی داشته باشید به دست امام [حاکم الهی] خود بسپارید. به خدا سوگند اگر در پیروی از حکومت و امام، اخلاص نداشته باشید، خدا دولت اسلام را



از شما خواهد گرفت که هرگز به شما باز نخواهد گردانید و در دست دیگران قرار خواهد داد.» (شریف‌رضی، ۱۳۷۹، ص ۳۲۳) با این توضیح که خداوند راه تسلط قرار نداده «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹) ولی اگر ایمان مردم سست شود و از جبهه‌ی الهی خود عقب نشینند تا اهل فساد بر آنان مسلط شوند، خداوند به واسطه سستی ایمان و بلکه عدم ایمان این نعمت را از آنان خواهد گرفت؛ بنابراین تنها اقتصادی که راه تسلط بر مؤمنان را از دشمنان اسلام اعم از امریکا و ابادی‌اش می‌گیرد، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که هیچ گونه راه نفوذی برای دشمنان اسلام بر آن نباشد.

۲- «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ» (طه: ۱۳۱) و (حجر: ۸۸) «و [با حسرت] به آنچه که به اصنافی از کفار داده‌ایم خیره مشو.»

در این دو آیه، خداوند سبحان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را از خیره شدن به نعمت‌هایی که به کفار داده منع فرموده است. اقتصاد مقاومتی یعنی چشم‌پوشی از زرق و برق‌های موجود در دست ابرقدرت‌های دنیا در ابعاد خرد و کلان. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: انظروا إلى من دونکم و لا تنظروا إلى من هو فوقکم فإنه أجدر ألا تزدروا نعمة الله علیکم؛ (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۱۰، ص ۵۰) [در بهره‌مندی از نعمت‌های خدا] به آن که از شما پایین‌تر است بنگرید و به آن که از شما بالاتر است منگرید؛ زیرا بدین وسیله قدر نعمت خدا را بهتر می‌دانید.

۳- «وَلَا تَسْ نَصِيْبِكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ؛» (قصص: ۷۷) و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن.»

از این آیه شریفه استفاده می‌شود که اقتصاد مقاومتی به معنای زهد در روابط خارجی و اکتفا به پتانسیل‌های داخلی نیست؛ بلکه مراد عدم وابستگی و حفظ استقلال اقتصادی است که بر همه ابعاد روابط خارجی اثر می‌گذارد. همچنین اقتصاد مقاومتی به معنای زهد در دستگیری از کشورهای نیازمند نیست، بلکه خود باب دیگری از توسعه روابط خارجی و بهره‌برداری سالم از ثروت و استعداد‌های آن‌هاست.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَلَا تَطْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ وَ أَرْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ؛» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند، ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکوکار باش، آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند و آنچه را که برای

دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی».

۴- «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ... وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ؛ (فتح: ۲۹) محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان‌اند ... و توصیف آنان در انجیل همانند زراعتی است که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وا می‌دارد، این برای آن است که کافران را به خشم آورد».

در این آیه شریفه ترسیم وضعیت پیروان پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است که در برخورد با کفار سخت نفوذناپذیر و در میان خود و با دوستان مهربان و دلسوزند. اقتصاد مقاومتی نیز اقتصادی است که برای دشمنان اسلام و کفار نفوذناپذیر و مستحکم است و در میان خود ملت و برای کشورهای دوست و مسلمان دلسوز است. هرگونه پیشرفت اقتصادی و علمی دوستان را خوشحال می‌کند و دشمنان را به خشم می‌آورد.

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَمَنْ يَقْبِضْ يَدَهُ عَنِ عَشِيرَتِهِ فَإِنَّمَا تَقْبِضُ مِنْهُ عَنْهُمْ يَدٌ وَاحِدَةً وَ تَقْبِضُ مِنْهُمْ عَنْهُ أَيْدٍ كَثِيرَةٌ وَ مَنْ تَلَّنَ حَاشِيَتَهُ يَسْتَدِمُّ مِنْ قَوْمِهِ الْمَوَدَّةَ؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳) آن که از جود و کرم به قوم خود بخل نماید یک دست یاری او از آنان بازداشته شده و در عوض دست‌های بسیاری از آنان از یاری او قطع شده است؛ و آن که با اقوام خود نرمی کند از عشیره‌اش همیشه محبت و دوستی خواهد دید».

بنابراین می‌توان با توجه به بیانات خداوند متعال در قرآن کریم و سخنان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نتیجه گرفت اقتصاد مقاومتی در برابر دشمنان اسلام استقامت داشته و نفوذناپذیر است و تنفر و انزجار دشمن را به دنبال دارد. از این طرف در بین آحاد مردم و سرزمین خودی پیشرفت‌های اقتصادی و علمی خشنودی و شادی را برای مردم به همراه دارد.

۴ - تبیین اقتصاد مقاومتی در سخنان رهبری

مقام معظم رهبری در تعریف اقتصاد مقاومتی می‌فرماید:

«اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار،



در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین‌کننده‌ی رشد و شکوفایی یک کشور باشد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۱۶)

بنابراین اقتصاد مقاومتی که در مقابل اقتصاد تهاجمی مطرح است عبارت است از اقتصادی که به ملت اجازه شکوفایی و رشد را در شرایط فشار می‌دهد. معظم له اقتصاد مقاومتی را در سه بخش تبیین می‌فرماید:

۴-۱- مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ویژگی‌ها و مؤلفه‌های ده‌گانه اقتصاد مقاومتی را این‌چنین تبیین نموده‌اند:

۴-۱-۱- ایجاد پویایی در اقتصاد و بهبود شاخصه‌های کلان

ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی اولین مؤلفه اقتصاد مقاومتی است.

رهبر انقلاب اسلامی در این خصوص چنین نگرشی دارند:

«با اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، شاخص‌هایی همچون رشد اقتصادی، تولید ملی، عدالت اجتماعی، اشتغال، تورم و رفاه عمومی بهبود خواهد یافت و رونق اقتصادی به وجود خواهد آمد».

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این میان مولفه‌ی اجتماعی را مهم‌ترین شاخص معرفی نموده و تأکید کرده‌اند:

«عدالت اجتماعی، مهم‌ترین شاخص، در میان این شاخص‌ها است؛ زیرا نظام اسلامی رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی را قبول ندارد و در هرگونه پیشرفت اقتصادی کشور، باید وضع طبقات محروم به معنی واقعی کلمه، بهبود یابد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲).

در واقع عدالت اجتماعی مشوق و انگیزه‌ای برای تحرک و پویایی در اقتصاد مقاومتی است.

۴-۱-۲- استقامت در برابر عوامل تهدیدزا

دومین ویژگی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا است. نگاه ایشان در این زمینه عبارت است از:

«تکانه‌های اقتصادی دنیا، بلایای طبیعی و تکانه‌های تخاصمی همچون تحریم‌ها از جمله این عوامل تهدید زاست». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

بنابراین می‌توان از سخنان مقام معظم رهبری به این نتیجه رسید که وجود تحریم‌های مکرر و تمدید آنها از عوامل تهدیدی است که دشمن جهت به زانو در آوردن کشور ایران به آن تمسک

جسته که طبق بیانات مقام معظم رهبری استقرار و استمرار اقتصاد مقاومتی باعث استقامت و تقویت کشور در برابر عوامل تهدیدزاست.

۴-۱-۳- اتکاء بر ظرفیت های داخلی

تکیه بر ظرفیت های داخلی یکی از سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی محسوب می شود، این ظرفیت ها شامل ظرفیت های گسترده علمی، انسانی، طبیعی، مالی، جغرافیایی و اقلیمی است که باید برای اجرای سیاست ها، بر آن ها تکیه شود. حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه بیان داشته اند:

«تکیه بر ظرفیت های داخلی به معنای چشم بستن بر امکانات کشورهای دیگر نیست؛ بلکه نظام اسلامی در کنار اتکا به داشته های داخلی، از امکانات دیگر کشورها نیز استفاده حداکثری خواهد کرد». (خامنه ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

بنابراین از بیانات معظم له برداشت می شود که اتکاء به ظرفیت های داخلی در معنای اقتصاد مقاومتی نهفته است؛ اما این به معنای عدم ارتباط با سایر کشورها و عدم استفاده از امکانات آنان نیست.

۴-۱-۴- برنامه ریزی و مدیریت جهادی

برنامه ریزی، حرکت علمی، همت و مدیریت جهادی یکی دیگر از مؤلفه های اقتصاد مقاومتی محسوب می گردد. ایشان در این باره فرموده اند:

«اجرای این سیاست ها، با حرکت عادی و احیاناً خواب آلوده و بدون حساسیت امکان پذیر نیست و نیازمند برنامه ریزی، حرکت علمی، همت و مدیریت جهادی است». (خامنه ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

از این رو مدیریت های جهادی و برنامه ریزی های خرد و کلان در سطوح مختلف اقتصادی از سوی مدیران متعهد جزء سیاست های اقتصادی نظام است.

۴-۱-۵- مردم محوری

مردم محوری نیز یکی از مؤلفه هایی است که حضرت آیت الله خامنه ای برای اقتصاد مقاومتی بر شمرده اند:

«بر اساس معارف اسلامی و دینی و همچنین بر اساس تجربیات ۳۵ سال اخیر، در هر عرصه ای که مردم وارد میدان شوند، عنایت و پشتیبانی الهی نیز همراه می شود و کارها به پیش خواهد رفت. تاکنون در عرصه های اقتصادی، کمتر به حضور و امکانات مردم بها داده شده است، در حالی که باید زمینه استفاده از توان نیروهای بی پایان مردمی اعم از فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران،



صاحبان سرمایه و افراد صاحب مهارت فراهم و از آنان حمایت شود و مسئولیت عمده در این خصوص بر عهده دولت است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

اقتصاد مقاومتی بدون حضور مردم شکل نمی‌گیرد و حضور مردم در قالب کارآفرینی و ابتکار در کارها و سرمایه‌گذاری و به کارگیری مهارت می‌تواند باعث استدام آن شود.

۴-۱-۶- خودکفایی در تأمین اقلام راهبردی

طبق فرمایش مقام معظم رهبری تأمین امنیت اقلام راهبردی و اساسی به‌ویژه غذا و دارو و خودکفایی در این اقلام، ششمین مؤلفه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی شمرده می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲).

از این رو خودکفایی در اقلام راهبردی از جمله دارو و مواد غذایی و تأمین این اقلام و خودکفا شدن در این حیطة در عرصه سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی، قدم بزرگی در حفظ استقلال کشور است.

۴-۱-۷- کاهش وابستگی به فروش نفت خام

در سخنان رهبری کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی شمرده شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲).

با توجه به مشکلاتی که به دلیل وابستگی به فروش نفت خام و عدم تبدیل آن به فرآورده‌های نفتی ایجاد شده است، مقام معظم رهبری یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را کاهش وابستگی به نفت خام بیان داشته اند.

۴-۱-۸- اصلاح الگوی مصرف

اصلاح الگوی مصرف به‌عنوان هشتمین مؤلفه محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری در این درباره بیان می‌دارند:

«خطاب اصلی من در این موضوع متوجه مسئولان است که باید در درجه اول در حوزه مأموریتی خود، از اسراف و ریخت‌وپاش به‌طور جدی پرهیز و در درجه بعد، این موضوع را در زندگی‌های شخصی خود رعایت کنند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

به اعتقاد ایشان، پایبندی مسئولان به پرهیز از ریخت‌وپاش، موجب تسری این روحیه به جامعه خواهد شد. همچنین وی معتقد است منظور از اصلاح الگوی مصرف، سخت‌گیری و زندگی ریاضتی نیست؛ بلکه هدف، مصرف بر اساس الگویی عاقلانه، مدبرانه، صحیح و اسلامی است.

ایشان همچنین درباره شبهاتی که درباره اقتصاد مقاومتی مطرح شده فرموده‌اند: «اقتصاد مقاومتی برعکس این شبهات، به رفاه و بهبود زندگی عموم مردم و به‌ویژه طبقات ضعیف منجر خواهد شد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

۴-۱-۹- مبارزه با مفسدان اقتصادی

فساد ستیزی نهمین مؤلفه‌ای است که رهبر انقلاب اسلامی به آن اشاره و تأکید فرموده‌اند: «لازمه فعالیت سالم و پرتحرک اقتصادی، امنیت است و لازمه امنیت اقتصادی نیز، برخورد با مفسدان اقتصادی و افرادی است که قانون را دور می‌زنند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شفاف‌سازی را شرط اصلی مقابله با فساد اقتصادی می‌داند: «باید فضای رقابتی و باثبات اقتصادی به وجود آید؛ زیرا در چنین فضای سالمی، فعال اقتصادی احساس امنیت خواهد کرد. ضمن اینکه در چنین شرایطی، کسب ثروت با ابتکار و پشتکار، مباح و مورد تأیید نظام است. همچنین در این موضوع، گفتن صرف کافی نیست و همه مسئولان اجرایی، قضایی و قوه مقننه در این خصوص مسئول هستند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

۴-۱-۱۰- دانش محوری

دانش محوری، آخرین مؤلفه‌ای است که از سوی مقام معظم رهبری برای اقتصاد مقاومتی مطرح شده است. ایشان معتقدند که امروز شرایط کشور از لحاظ پیشرفت‌های علمی به گونه‌ای است که می‌توان رسیدن به اقتصاد دانش‌بنیان را با بلندپروازی، جزو اهداف خود قرار داد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲)

پس اقتصاد دانش محور در ارتباط با صنعت تکنولوژی پیشرفته و استفاده از فناوری اطلاعات، رایانه و اینترنت در تمام تولیدات و بخش‌های اقتصادی می‌تواند نقشی تعیین کننده در پیشبرد اقتصاد کشور و اجرایی کردن راهبردهای مقام معظم رهبری در اقتصاد مقاومتی داشته باشد.

۴-۲- ارکان اقتصاد مقاومتی

۴-۲-۱- استقامت

یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی، مقاوم بودن و استقامت داشتن است و این مطلب، جز با استقامت نیروها و برپاکنندگان این اقتصاد ممکن نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ (فصلت: ۳۰) به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند،



فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.»

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) با استناد به این آیه شریفه خطاب به یاران خود می‌فرماید: «وَقَدْ قُلْتُمْ رَبَّنَا اللَّهُ فَاَسْتَقِيمُوا عَلَى كِتَابِهِ وَ عَلَى مِنْهَاجِ أَمْرِهِ وَ عَلَى الطَّرِيقَةِ الصَّالِحَةِ مِنْ عِبَادَتِهِ ثُمَّ لَا تَمَرَّقُوا مِنْهَا وَ لَا تَبْتَدِعُوا فِيهَا وَ لَا تُخَالِفُوا عَنْهَا فَإِنَّ أَهْلَ الْمَرُوقِ مُنْقَطِعٌ بِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (نهج-البلاغه، خطبه ۱۷۶) شما گفتید: پروردگار ما خداست، پس بر کتاب خدا و بر طریق فرمان او و بر راه شایسته بندگی‌اش استقامت ورزید و از آن طریقه بیرون نروید و بدعت در آن مگذارید و با آن مخالفت نورزید، زیرا آنان که از راه بیرون شوند در قیامت به خداوند راه نیابند.»

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه بیان داشته‌اند:

«وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیرقابل نفوذ، غیرقابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضانات «اقتصاد مقاومتی» است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه‌ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱/۱)

«فَأَقِمْ عَلَى مَا فِي يَدَيْكَ قِيَامَ الْحَازِمِ [الطَّيِّبِ] الصَّلِيبِ وَ النَّاصِحِ اللَّيِّبِ التَّابِعِ لِسُلْطَانِهِ الْمُطِيعِ لِإِمَامِهِ وَ إِيَاكَ وَ مَا يَعْتَدِرُ مِنْهُ وَ لَا تَكُنْ عِنْدَ النِّعْمَاءِ بَطِرًا وَ لَا عِنْدَ الْبِئْسَاءِ فَشِلًّا وَ السَّلَامُ؛ (نهج-البلاغه، خطبه ۳۳) پس بر آنچه در اختیار توست استقامت ورز استقامت هوشیار با احتیاط و سرسخت و خیرخواه خردمند، که فرمانبردار حاکم و مطیع امام خویش است. کاری انجام ندهی که مجبور به عذرخواهی شوی و به وقت نعمت و خوشی سر به طغیان برندی و به هنگام سختی و بلا هراسان و دلباخته باش.»

نتیجه حاصل از این مولفه در بیانات رهبری با استناد به قرآن و نهج البلاغه این است که در هر امری از جمله اقتصاد استقامت یکی از اقتضانات به سرانجام رساندن آن امر است؛ زیرا با استقامت است که می‌توان پتانسیل موجود در امکانات و سرمایه‌ها را به بهره‌برداری رساند.

۴-۲-۲- استفاده از ظرفیت‌های دولتی و مردمی

یکی دیگر از ارکان اقتصاد مقاومتی استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های مردمی و دولتی است. برای تحقق اقتصاد مقاومتی هم دولت باید عهده‌دار مسئولیت باشد و هم مردم پیش‌قدم شوند و همه‌ی استعدادهای خود را به میدان بیاورند. مقام معظم رهبری در سخنان خود به این مسئله پرداخته‌اند. ظرفیت‌هایی که دولت و مردم در این زمینه دارند عبارت است از:

- کمک به فعال کردن بخش خصوصی و ریز فعالان اقتصادی
- ایجاد قوانین لازم در راستای فعالیت‌های مردم در بخش خصوصی
- در اختیار نهادن تسهیلات مالی و بانکی برای توان بخشی به بخش خصوصی و ریز فعالان اقتصادی

- مراقبت و کنترل فعالیت‌ها برای جلوگیری از هدر رفت منابع و سرمایه‌های انسانی و مالی
- پی‌گیری مفسدین و مبارزه با مفسد اقتصادی
- به‌کارگیری اندیشه و نظرات صاحب‌نظران در زمینه برنامه‌ریزی و راه‌کاریابی
- استفاده بهینه از سرمایه‌های موجود انسانی و مالی
ایشان در این مورد تصریح می‌کنند که:

«بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه‌ی به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توان بخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرایطش، استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راه‌کارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود.

به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود. البته در بیانات دوستان به برخی از این حوادثی که ناشی از پیگیری مفسدین اقتصادی و مفسد اقتصادی است، اشاره شد. واقعاً نمی‌شود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفسد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است. همان چند سال پیش هم که من راجع به این قضیه بحث کردم و مطالبی را به مسئولین کشور گفتم، به همین نکته توجه داشتیم که تصور نشود ما می‌توانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه‌ی با مفسد اقتصادی؛ و تصور نشود که مبارزه‌ی با مفسد اقتصادی موجب



می‌شود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که می‌خواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدم‌های ناسالم پیدا می‌شوند. باید با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به‌عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه قضائیه مراقبت کند. به نظر من همکاری قوه مجریه و قوه قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲)

از این رو مشارکت دادن و استفاده از ظرفیت‌های مردمی از طرف مسئولین دولتی و دست اندرکاران بخش خصوصی می‌تواند قدمی محکم و موثر در اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی باشد.

۴-۲-۳- حمایت از تولید ملی

از نظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) حمایت از تولید ملی، صنعت و کشاورزی یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی است. ایشان می‌فرمایند:

«حمایت از تولید ملی، آن بخش درون‌زای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد. واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید. البته خوشبختانه واحدهای بزرگ ما فعال‌اند، خوب‌اند و سوددهی‌شان هم خوب است، کارشان هم خوب است، اشتغالشان هم خوب است؛ عمده‌ی واحدهای بزرگ ما وضعشان این‌جور است؛ بنابراین همان‌طور که گفتید، محصول سیمانمان، محصول فولادمان، محصولات عمده‌ی این‌جوری‌مان خوب است - لیکن باید به فکر واحدهای متوسط و کوچک باشید؛ این‌ها خیلی مهم است، این‌ها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲)

تجار، صاحبان صنایع و پیشه‌وران سربازان اقتصادی و عهده‌داران تولید ملی هستند. امیر مؤمنان درباره حمایت از ایشان در نامه ۵۳ به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَوْصُوا بِالتَّجَارِ وَ دَوَى الصَّنَاعَاتِ وَ أَوْصُوا بِهِمْ خَيْرًا الْمُقِيمِ مِنْهُمْ وَ الْمُضْطَرِبِ بِمَالِهِ وَ الْمُتَرَفِّقِ بِدِينِهِ فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ وَ أَسْبَابُ الْمَرَافِقِ وَ جَلَابِهَا مِنَ الْمَبَاعِدِ وَ الْمَطَارِحِ فِي بَرْكِ وَ بَحْرِكِ وَ سَهْلِكَ وَ جَبَلِكَ وَ حَيْثُ لَا يَلْتَمِسُ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهَا وَ لَا يَجْتَرِعُونَ عَلَيْهَا فَإِنَّهُمْ سَلَمٌ لَا تُخَافُ بِأَثْقَتِهِ وَ صَلِحٌ لَا تُخْشَى غَائِلَتُهُ وَ تَقَفُّدُ أُمُورِهِمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ؛ سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر و آن‌ها را به نیکوکاری سفارش کن؛ بازرگانانی که در شهر ساکن‌اند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند؛ چراکه آنان منابع اصلی منفعت و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش و آوردندگان وسایل زندگی از نقاط

دوردست و دشوار می‌باشند، از بیابان‌ها و دریاها و دشت‌ها و کوهستان‌ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند، یا برای رفتن به آنجاها شجاعت ندارند. بازرگانان مردمی آرامند و از ستیزه‌جویی آنان ترسی نیست، مردمی آشتی طلبند که فتنه‌انگیزی ندارند؛ در کار آن‌ها بیندیش! چه در شهری باشند که تو به سر می‌بری، یا در شهرهای دیگر، با توجه به آنچه تذکر دادم». حمایت از تولید ملی در پیشبرد اقتصاد مقاومتی در قالب حمایت از واحدهای فعال و سوددهی‌ها و در زمینه صنعت و کشاورزی امکان‌پذیر است.

۴-۲-۴- مدیریت منابع ارزی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به مدیریت منابع ارزی، آن را یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی برشمرده‌اند:

«مسئله‌ی منابع ارزی هم مسئله‌ی مهمی است که خب، حالا آقایان توجه دارید. روی این مسئله دقت کنید، خیلی باید کار کنید. واقعاً باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. حالا اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرف‌های گوناگونی از دولت صادر شد؛ یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک‌جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک‌جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود». (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲)

مدیریت منابع ارزی با توجه به بیانات رهبری می‌تواند قدمی شگرف در اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی داشته باشد.

۴-۲-۵- مدیریت مصرف

مدیریت مصرف یکی دیگر از ارکان اقتصاد مقاومتی است که ریشه عمیقی در آموزه‌های اسلام دارد. اسلام با سرسختی تمام با مسئله اسراف و تبذیر در آیات صریحی از قرآن کریم مبارزه کرده و می‌فرماید: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱) و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید؛ ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد» و درباره ریخت‌وپاش و هدر دادن سرمایه‌ها و نعمت‌های الهی می‌فرماید: «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (اسراء: ۲۷) تبذیرکنندگان، برادران شیطان‌اند و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود».

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نکوهش اسراف و تبذیر می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنِّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَ يَكْرَهُهُ فِي النَّاسِ وَ يَهِينُهُ



عِنْدَ اللَّهِ وَ لَمْ يَضَعْ أَمْرًا مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ لَا عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَ كَانَ لِغَيْرِهِ
وَدُّهُمْ فَإِنْ زَلَّتْ بِهِ النُّعْلُ يَوْمًا فَاحْتِاجَ إِلَى مَعُونَتِهِمْ فَشَرُّ خَلِيلٍ وَ أَلَّامٌ خَدِينٍ؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶)
آگاه باشید! بخشیدن مال به آن‌ها که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است، ممکن است در
دنیا مقام بخشنده آن را بالا برد؛ اما در آخرت پست خواهد کرد، در میان مردم ممکن است
گرامی‌اش بدارند، اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است. کسی مالش را در راهی که خدا اجازه
نفرمود مصرف نکرد و به غیر اهل آن نپرداخت جز آن‌که خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود و
دوستی آن‌ها را متوجه دیگری ساخت، پس اگر روزی بلغزد و محتاج کمک آنان گردد، بدترین
رفیق و سرزنش کننده‌ترین دوست خواهند بود».

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در این زمینه می‌فرماید:

«یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. این
قضیه‌ی اسراف و زیاده‌روی، قضیه‌ی مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را
گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به
عهدی رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم‌صدا و سیما در درجه‌ی اول و بیش از همه مسئولیت
دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمانِ علاقه-
مند به مفاهیم اسلامی هستیم، این قدر در اسلام اسراف منع شده و ما متأسفانه در زندگی‌مان
اهل اسرافیم! بخش عملیاتی‌اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود. در گزارش‌های
شماها من خواندم، حالا هم بعضی از دوستان اظهار کردند که دولت درصدد صرفه‌جویی است و
می‌خواهد صرفه‌جویی کند؛ بسیار خوب، این لازم است؛ این را جدی بگیرید. دولت خودش یک
مصرف‌کننده‌ی بسیار بزرگی است. شما از بنزین بگیرید تا وسایل گوناگون، یک مصرف‌کننده‌ی
بزرگ، دولت است. حقیقتاً در کار مصرف، صرفه‌جویی کنید. صرفه‌جویی، چیز بسیار لازم و مهمی
است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۶/۲)

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نامه‌ای مبتنی بر امر به مدیریت مصرف و پرهیز از ولخرجی و
اسراف خطاب به یکی از استانداران خود می‌فرماید: «فَدَعَ الْإِسْرَافَ مُقْتَصِدًا وَ اذْكَرُ فِي الْيَوْمِ غَدًا وَ
أَمْسِكُ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَ قَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ أَوْ تَرَجُّوْا أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ أَجْرَ
الْمُتَوَاضِعِينَ وَ أَنْتَ عِنْدَهُ مِنَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَ تَطْمَعُ وَ أَنْتَ مَتَمَّرٌ فِي التَّعِيمِ [أَنْ تَمْنَعَهُ] تَمْنَعُهُ الضَّعِيفَ
وَ الْأَرْمَلَةَ - [وَ أَنْ يُوجِبَ لَكَ ثَوَابَ الْمُتَصَدِّقِينَ وَ إِنَّمَا الْمَرْءُ مَجْزِيٌّ بِمَا أَسْلَفَ وَ قَادِمٌ عَلَى مَا قَدَّمَ وَ
السَّلَامُ؛ (نهج البلاغه، نامه ۲۱) (ای زیاد اکنون که فرمان تو در بصره و اهواز بر مردم روان است و
هر طور بخواهی می‌توانی خرج کنی پس تا می‌توانی) میانه‌رو باش و اسراف و ولخرجی را واگذار

(و افراط در امساک نیز نکن و حدّ وسط را اختیار کن و) در امروز (دنیا) به یاد فردا (آخرت) باش و (برای آن جا توشه گرد آور و) به اندازه رفع نیاز از مال نگهداشته، زیادی آن را (با انفاق به مستمندان به خزانه خدای بسیار و) برای روز نیازمندیت بگذار. آیا با این که نزد خدا از گردن کشان (محسوب) می‌شوی، امیدواری که خدا مزد فروتنان و افتاده‌گان را به تو دهد و آیا با این که تو در ناز و نعمت (جهان) غلطان هستی و آن نعمت را، از ناتوانان و بیوه زنان باز می‌گیری چشم آن داری که ثواب صدقه دهندگان را به تو دهند، (به خدا سوگند که این امید بی جا و این توقع و آرزویی خام است) و جز این نیست که بشر به آنچه (از نیک و بد) که پیش فرستد پاداش داده شود و بر هر چه که (بر خود) مقدّم داشته است در آید (و محال است آن که گندم کاشته جو بچیند و آن که جو کاشته است گندم درو کند)».

با توجه به موارد ذکر شده مدیریت مصرف در اقتصاد مقاومتی رکن بسیار مهمی به شمار می‌رود که با زیاده‌روی در مصرف و ریخت‌وپاش سازگار نیست. اینجاست که فرهنگ‌سازی برای مصرف بهینه در دولت و مردم نیاز چشم‌گیر است.

۳-۴- الزامات و انتظارات اقتصاد مقاومتی

هر طرح و برنامه‌ای که مطرح می‌شود الزامات و انتظاراتی نیز در بر دارد تا به نتیجه برسد. الزامات و انتظاراتی که مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی به عنوان یک طرح بزرگ و نقشه‌ی راه همه‌جانبه و وسیع دارند و در بیانات خود نیز به آن تصریح فرموده‌اند، از این قرار است:

۱-۳-۴- عزم راسخ مردم و مسئولان

از جمله انتظاراتی که مقام معظم رهبری از مردم و مسئولان دارند عزم راسخ و تصمیم جدی در عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی است:

«در درجه‌ی اول، عزم جدی مسئولان و مدیران اصلی و فعالان مردمی است؛ باید تصمیم بگیرند مسئولین کشور - در درجه‌ی اول، قوه‌ی مجریه، مسئولان دولت؛ و نیز قوه‌ی مقننه؛ و قوه‌ی قضائیه؛ و بخش‌های گوناگونی که ارتباطی با مسائل اقتصادی دارند - و حتماً بایستی در این مسئله، عزم جدی و راسخ داشته باشد. بدون تصمیم جدی و راسخ، کار پیش نخواهد رفت.»

(خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

بنابراین مردم و مسئولان باید با عزم راسخ بر خدا توکل کنند و با جدیت سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را دنبال کنند.



۴-۳-۲- ورود در میدان عمل

یکی دیگر از الزاماتی که رهبر معظم مدظله‌العالی مطرح می‌کنند، ورود در میدان عمل است. ایشان می‌فرمایند:

«عمل در اینجا یک عمل صالح است؛ هر کسی که در این زمینه اقدام و عمل بکند، قطعاً مصداق «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» خواهد بود. این طرح کلی، این نقشه‌ی راه بزرگ، باید تبدیل بشود به برنامه، برنامه‌های گوناگون؛ اگر این شد، آن وقت حماسه‌ی اقتصادی به معنای واقعی کلمه به وجود خواهد آمد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

«رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ حُكْمًا فَوَعَى وَ دَعِيَ إِلَى رِشَادٍ فَدَنَا وَ أَخَذَ بِحُجْرَةٍ هَادٍ فَتَجَا رَاقِبَ رَبِّهِ وَ خَافَ ذَنْبَهُ قَدَمَ خَالِصاً وَ عَمَلَ صَالِحاً اِكْتَسَبَ مَذْخُوراً وَ اجْتَنَبَ مَحْدُوراً وَ رَمَى غَرَضاً وَ اَحْرَزَ عَوْضاً كَابِرَ هَوَاهُ وَ كَذَبَ مِنْهُ جَلَّ الصَّبْرَ مَطِيَّةً نَجَاتِهِ وَ التَّقْوَى عُدَّةً وَ قَاتَهُ رَكِبَ الطَّرِيقَةَ الْغَرَاءَ وَ لَزِمَ الْمَحَجَّةَ الْبَيْضَاءَ اغْتَنَمَ الْمَهْلَ وَ بَادَرَ الْأَجَلَ وَ تَزَوَّدَ مِنَ الْعَمَلِ؛ (نهج‌البلاغه، خطبه ۷۶) خدا رحمت کند کسی را که چون سخن حکیمانه بشنود، خوب فراگیرد و چون هدایت شود بپذیرد، دست به دامن هدایت‌کننده زند و نجات یابد، مراقب خویش در برابر پروردگار باشد، از گناهان خود بترسد، خالصانه گام بردارد، عمل نیکو انجام دهد، ذخیره‌ای برای آخرت فراهم آورد و از گناه بپرهیزد، همواره اغراض دنیایی را از سر دور کند و درجات آخرت به دست آورد، با خواسته‌های دل مبارزه کند، آرزوهای دروغین را طرد و استقامت را مرکب نجات خود قرار دهد؛ و تقوا را زاد و توشه روز مردن گرداند، در راه روشن هدایت قدم بگذارد و از راه روشن هدایت فاصله نگیرد. چند روز زندگی دنیا را غنیمت شمارد و پیش از آن که مرگ او فرا رسد خود را آماده سازد و از اعمال نیکو، توشه آخرت برگیرد».

از این رو ورود در میدان عمل با فصل الخطاب بودن قرآن در این حیطة یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آید.

۴-۳-۳- برنامه نویسی و تدوین سیاست اجرایی

تبدیل اقتصاد مقاومتی به برنامه و سیاست‌های اجرایی یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است.

مقام معظم رهبری در این زمینه بیان داشته‌اند:

«دستور این کار از سوی رؤسای سه قوه داده شده است؛ هم رئیس‌جمهور محترم، هم رئیس محترم قوه مقننه، هم رئیس محترم قوه قضائیه دستور داده‌اند به زیرمجموعه‌ی خودشان که برنامه‌های اجرایی را در هر بخشی تهیه کنند؛ منتها من می‌خواهم تأکید کنم بر روی زمان‌بندی؛

باید زمان بندی کنید. من بخشنامه‌هایی که آقای معاون اول برای دستگاه‌ها فرستاده بودند، دیدم؛ باید زمان بندی بشود، مشخص بشود که چقدر کار پیش رفت و تا کی انتظار تحقق این برنامه‌سازی و بعد اجرا را باید داشت؛ باید شتاب بگیرد؛ سهم هر قوه‌ای معین بشود. در قوای مختلف - به خصوص قوه‌ی مجریه - سهم هر دستگاهی مشخص بشود؛ شاخص‌ها - به خصوص شاخص‌های زمانی - معین بشود که بتوان نظارت کرد و بتوان پیشرفت کار را و صحت مسیر را فهمید». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

تدوین سیاست‌های اجرایی و برنامه نویسی بازخورد تبدیل اقتصاد مقاومتی است که از دیدگاه مقام معظم رهبری تأثیر عمیقی در اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی دارد.

۴-۳-۴- هماهنگی بین قوای سه گانه

چهارمین الزام، هماهنگی میان بخش‌های گوناگون است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از مسئولان با اشاره به این مطلب، بیان می‌دارند: «هماهنگی میان بخش‌های گوناگون است که البته سازوکار این هماهنگی را باید رؤسای قوا معین کنند. هماهنگی کمک خواهد کرد، هماهنگی بین مجلس و دولت، بین مجلس و دولت و قوه‌ی قضائیه. در بخش‌هایی بدون هماهنگی نمی‌شود حرکت کرد؛ در بخش‌هایی هم هماهنگی دارای تأثیر است ولو نه به آن اندازه؛ به‌رحال هماهنگی لازم است. سازوکار هماهنگی را باید رؤسای سه قوه ان‌شاءالله تهیه کنند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

از این رو هماهنگی مجلس شورای اسلامی و دولت و قوه قضائیه یکی از مولفه‌های شاخص در تقویت اقتصاد مقاومتی است.

۴-۳-۵- نظارت سران سه قوه

از نظر معظم له، یکی دیگر از الزامات، بحث نظارت رؤسای قوا و مسئولین در این زمینه است. ایشان می‌فرمایند:

«الزام دیگر، نظارت در همه‌ی سطوح است؛ باید نظارت بشود؛ هم رؤسای قوا باید دستگاه‌های خودشان را تحت نظارت قرار بدهند، هم مجمع تشخیص موظف است که به مسئولیت نظارتی که داده شده به‌طور کامل عمل کند و ببیند که چه دارد اتفاق می‌افتد، رهبری و دستگاه ما هم نظارت خواهد کرد ان‌شاءالله؛ بنابراین نظارت یکی از الزامات اصلی است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

بر این اساس لازم است نظارت سران سه قوه در همه سطوح و رصد فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی به سمت و سوی اقتصاد مقاومتی باشد.



۴-۳-۶- رفع موانع تولید

الزام ششم، رفع موانع است. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای موانعی وجود دارد که باید برطرف گردند: «موانع قانونی [وجود دارد] - که من به رؤسای محترم سه قوه در آن جلسه‌ای که داشتیم گفتم «قانون روی قانون آمدن» کار را مشکل می‌کند، قوانین مزاحم را باید برداشت؛ این کار را مجلس می‌تواند انجام بدهد؛ والا ما حالا قوانینی داریم، [اگر] باز یک قانونی روی آن قانون وضع بکنیم، قابل تفسیر و مشکل تراشی است؛ باید ملاحظه کرد، دقت کرد، قوانین مزاحم را پیدا کرد - موانع حقوقی و قضائی هم وجود دارد؛ این‌ها را باید شناسایی کرد و برداشت. بایستی فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران، سرمایه‌گذاران، دانشمندان، احساس کنند که با موانع غیرمعقول مواجه نیستند، بتوانند حرکت کنند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

رفع موانع قانونی حقوقی و قضایی در فعالیت فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران و سرمایه‌گذاران از دیگر الزامات در حیطه رشد و تقویت اقتصاد مقاومتی است.

۴-۳-۷- گفتمان سازی

الزام هفتم و کار لازم هفتم، گفتمان سازی است. «باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود؛ البته صداوسیما و رسانه‌های کشور موظف‌اند اما مخصوص آن‌ها نیست. دستگاه‌های تبلیغاتی مخالف با کشور، مخالف با انقلاب، مخالف با پیشرفت ملی ما، خیلی چیزها در چننه دارند و شروع هم کرده‌اند - ما دیدیم - بعد از این هم بیشتر خواهند کرد. درباره‌ی اقتصاد مقاومتی، اشکال‌تراشی، مانع‌تراشی، گاهی هو کردن، بی‌اهمیت جلوه دادن آنچه در کمال اهمیت و نهایت اهمیت است؛ از این کارها می‌کنند. نقطه‌ی مقابل آن‌ها بایستی کار بشود؛ مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان‌سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت، کار عملی خواهد شد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

در تداوم اقتصاد مقاومتی الزامات و انتظاراتی وجود دارد تا به نتیجه مطلوب رسید که گفتمان‌سازی این زمینه برای عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی فراهم می‌کند.

۴-۳-۸- پایش و اطلاع‌رسانی

آخرین الزام، پایش و اطلاع‌رسانی است. «بایستی مرکز رصد قوی و بینایی وجود داشته باشد که به‌طور دقیق پیشرفت این کار را پایش کند؛ اطلاعات را گردآوری کنند، پردازش کنند، استنتاج کنند، احیاناً آن حرکتی را که باید در هر مقطعی و هر مرحله‌ای انجام بگیرد مشخص کنند، برای هر بخشی شاخص سنجش معین کنند و

در نهایت اطلاع‌رسانی به مردم انجام بگیرد؛ یعنی مردم دوست دارند بدانند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

بنابراین لازم است در جهت اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی پایش و رصد دقیق مشکلات و پیشرفت‌ها پرداخته شود.

نتیجه

اقتصاد مقاومتی یک مدل و نگاه استراتژیک درازمدت برای رسیدن به یک اقتصاد عالی، مبتنی بر شاخصه‌های تقویت اقتصاد ملی، حضور مقتدرانه در عرصه اقتصاد جهانی و آسیب‌پذیری اندک در مقابل تحریم‌ها که راهبردهای کلی آن از فرمایشات مقام معظم رهبری قابل استنباط است. کشوری که به لحاظ قدرت اقتصادی، آسیب‌پذیر است، نمی‌تواند به اهداف متعالی خود در سطح جهانی دست یابد؛ بنابراین توجه به اقتصاد مقاومتی باید در صدر سیاست‌های کلی نظام باشد. مؤلفه‌ها و ارکان این نوع اقتصاد در قرآن و نهج‌البلاغه قابل استنباط است. بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی، اولین مؤلفه اقتصاد مقاومتی است. از دیگر مؤلفه‌های آن می‌توان به توانایی مقاومت در مقابل تحریم‌ها، اتکا به ظرفیت‌های داخلی، برنامه‌ریزی و حرکت علمی، مردم‌محوری، تأمین اقلام راهبردی، کاهش وابستگی به فروش نفت، اصلاح الگوی مصرف و دانش‌محوری اشاره کرد. برای اقتصاد مقاومتی الزامات و انتظاراتی مطرح است از جمله: عزم راسخ مسئولین در عملیاتی کردن آن، توجه به برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی اقتصاد مقاومتی، نظارت قوای سه‌گانه و مسئولین، گفتمان‌سازی و ارائه تصویر درست از اقتصاد مقاومتی توسط رسانه‌ها.



فهرست منابع

قرآن مجید، (ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی).

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، مصحح/محقق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، جلال الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۴. انصاریان، حسین، ترجمه نهج البلاغه، تهران، انتشارات به نشر، چاپ پنجم، ۱۳۹۹ش.
۵. بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی (علیه السلام)، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶.
۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۲ / ۶ / ۹۱.
۸. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة؛ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)، چاپ چهارم، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۹. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، علی، هلالی و سیری، علی، چاپ اول، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۰. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، الهادی، چاپ ۳۲، ۱۳۸۷ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، قرآن، غلامرضا خسروی حسینی، چاپ دوم، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴ش.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۳. صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، محمد حسن آل یاسین، ج ۵، بیروت، عالم الکتاب، ۱۴۱۴ق.
۱۴. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح کافی الاصول و الروضه (للمولی صالح المازندرانی)، محقق/مصحح: ابوالحسن شعرانی، چاپ اول، تهران: انتشارات مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۲ق.
۱۵. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، محقق/مصحح: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهازدی، قم: موسسه فرهنگی کوشان بور، ۱۴۰۶ق.

۱۶. میثم‌بن‌علی‌بن‌میثم‌بحرانی، شرح نهج‌البلاغه (ابن‌میثم)، مترجم: قربانعلی محمدی مقدم، علی‌اصغر نوایی یحیی‌زاده، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.

۱۷. دیدار جمعی از مسئولان دستگاه‌های مختلف کشور با موضوع اقتصاد مقاومتی ۲۰/ اسفند/ ۱۳۹۲

۱۸. <http://www.leader.ir>

جستاری بر سبک زندگی حضرت فاطمه (س) با تأکید بر بند هفتم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

محمد علی نجفی *

چکیده

مفهوم سبک زندگی از جمله مفاهیم علوم اجتماعی است که در دهه ای اخیر بسیار مورد توجه عالمان اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است؛ سبک زندگی معنایی است که از بهم تنیدگی، پیوند و شبکه ی بودن عوامل متعددی که در شیوه های زندگی یا اقلیم های زیستن انسان تأثیر می گذارند، به وجود آمده است. باید این نظریه انتقادی رهبر معظم انقلاب را درک کنیم که مواجهه تمدن ایرانی- اسلامی با فرهنگ غرب که امروزه بر تمام جهان سیطره یافته است سبب تحولات بسیاری در تمامی شئون جامعه ایرانی شده است و چرایی که ایشان مطرح می کنند نیاز به ریشه یابی معرفتی دارند. حال در این مقاله به دنبال آن هستیم که از منظر علم جامعه شناسی سبک زندگی حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به عنوان یک الگوی تام در تمامی عرصه های زندگی برای جامعه زنان امروزی با تأکید بر بند هفتم بیانیه گام دوم انقلاب که توسط امام خامنه ای (مدظله) طرح گردیده واکاوی کرده و به این پرسش پاسخ دهیم که مهم ترین ابعاد الگویی سبک زندگی حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای زنان امروزی چیست؟ روش مورد استفاده در این تحقیق، روش توصیفی- تحلیلی است. تکنیک های جمع آوری در این تحقیق نیز کتابخانه ای و اسنادی است که با مراجعه به کتابخانه و رجوع به اسناد، مدارک، نشریات، مجلات و مقالات معتبر تخصصی استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که مهم ترین ابعاد الگویی سبک زندگی را با نگاه به سیره فاطمی به سه دسته؛ نظام ارزشی، مسئولیت مادری و مسئولیت اجتماعی تقسیم بندی نمود.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، جامعه شناسی، الگو، سیره فاطمی، نظریه انتقادی.



۱. بیان مسئله

مفهوم سبک زندگی^۱ از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و علم جامعه‌شناسی^۲ است که در دهه ای اخیر بسیار مورد توجه عالمان اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است؛ سبک زندگی معنایی است که از بهم تنیدگی، پیوند و شبکه‌ی بودن عوامل متعددی که در شیوه‌های زندگی یا اقلیم‌های زیستن انسان تأثیر می‌گذارند به وجود آمده است. سرمایه اجتماعی^۳ و سبک زندگی رابطه‌ای متقابل دارند و می‌توان از این منظر که چگونه داشتن سبک‌های زندگی مختلف می‌تواند به ایجاد سرمایه اجتماعی منتهی شود، به مسئله نگاه کرد. (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۴) تقریباً در اکثر تعاریف می‌توان دو مفهوم را یافت که در تعریف سبک زندگی در نظر گرفته شده است و در واقع هر دو مفهوم هم به واژه سبک بر می‌گردد؛ مفهوم جامعیت و مفهوم تمایز. به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورند. همین پیوستگی و اتحاد این کل را از کل‌های دیگر متمایز می‌سازد. وجود کلماتی همچون الگو، نظام‌مندی، کلیت و هویت در بیانات اخیر رهبر فرزانه انقلاب نیز حاکی از همین مطلب است و به همین دلیل است که امروزه از دو مدل و الگو^۴ متمایز سبک زندگی اسلامی و غربی سخن می‌گوییم. در کل سبک زندگی هر فرد عبارتست از چارچوب شناختی که در آن فرد رفتارهای خاصی را انتخاب می‌کند. این رفتارها به فرد کمک می‌کند تا با زندگی کنار بیاید. (شیلینگ؛ ۱۰۰، ۱۳۸۲) در بند هفتم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی آمده است:

((تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است.))^۵

از آنجایی که جامعه ایران یک جامعه دین دار، دین‌محور و خدامحور است و در آن پایداری به دین و خدا تا حدود زیادی یافت می‌شود. با ورود نگرش‌ها و اندیشه‌های غربی و جلوه‌های مدرنیته توسط افرادی چون میرزا ملکم خان، میرزا آقاخان نوری و آخوندزاده که از پیشروان

^۱ Life Style.

^۲ Sociology.

^۳ Social capital.

^۴ pattern.

^۵ KHAMENEI.IR.



آشنایی با تجدد بودند این تضاد و چالش بین این دو فرهنگ کاملاً متفاوت، بروز پیدا کرد. عده‌ای نیز که به جریان روشنفکری غیردینی شهرت یافتند با نام پیشرفت و توسعه و نفی عقب‌ماندگی تاریخی سعی در القای اندیشه غربی و تجدد حاصل از رشد و گسترش بینش غربی کردند. باید این نظریه انتقادی رهبر معظم انقلاب را درک کنیم که مواجهه تمدن ایرانی-اسلامی با فرهنگ غرب که امروزه بر تمام جهان سیطره یافته است سبب تحولات بسیاری در تمامی شئون جامعه ایرانی شده است و چراهایی که ایشان مطرح می‌کنند نیاز به ریشه‌یابی معرفتی دارند.

از مسائل مهم جامعه امروزی ما، بحث تهاجم فرهنگی است به خصوص این تهاجم فرهنگی حمله به جایگاه مؤثر و ویژه زنان جامعه می‌باشد که تمام تلاش دشمن قسم‌خورده اسلام از بین بردن حجاب و عفاف زنان است. (خان شیر و سالاری، ۱۳۹۶: ۱) یکی از ابعاد حوزه مطالعاتی و پژوهشی سبک زندگی، معطوف به بررسی الگوها، مراجع یا انواع سبک‌های زندگی رایج است که معمولاً منجر به معرفی تیپ‌های مختلف سبک زندگی یا سنخ‌شناسی الگوهای سبک زندگی در گروه‌ها و جامعه می‌شود. (قهرمانی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۲۰) از جمله الگوهای مهم و نافذ که در زمره الگوی سنتی قرار می‌گیرد، سبک زندگی دینی و مذهبی است که به سبب قوت حضور دین در جامعه ایران، از جایگاه مهمی برخوردار است. به عبارتی ورود به این بحث با این پیش‌فرض است که ((الگوی زندگی فاطمی)) می‌تواند در عصر حاضر مورد توجه قرار گیرد. اهم دلایل آن عبارتند از:

- به دلیل اقتضات و نیازهای جاری، این الگو می‌تواند در جامعه شیعی و مذهبی مورد استقبال جامع ایرانیان معتقد به اسلام ناب که در آموزه‌های علوی و فاطمی یافت می‌شود، قرار گیرد.
- احتمال نفوذ و اثرگذاری این الگو در جامعه ایرانی به نحو جدی وجود دارد.
- این الگو جامع بوده و می‌تواند تمامی ابعاد سبک زندگی را پوشش دهد. ارائه یک بحث جدی ولی مختصر از دیدگاه دینی در خصوص اینکه از نگاه حاکمیتی (نظام جمهوری اسلامی) و نیز فقهی-کلامی، نظام سیاسی می‌تواند و باید در حوزه فرهنگ و آداب و رسوم و رفتارهای اجتماعی-فرهنگی ملاحظه و سیاست‌گذاری کند. (همان، ۲۲۱)
- بنابراین توجه به دریافت این الگوها از آموزه‌های پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت طاهرشان مسئله‌ای روشن و غیرقابل خدشه است و از این منظر، دریافت این الگوها در زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) اهمیت می‌یابد. حال در این مقاله به دنبال آن هستیم که از منظر علم جامعه‌شناسی سبک زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) را به عنوان یک الگوی تام در تمامی عرصه‌های زندگی

برای جامعه واکاوی کرده و به این پرسش پاسخ دهیم که مهم‌ترین ابعاد الگویی سبک زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) برای زنان امروزی چیست؟

۲. ادبیات پژوهش

۱.۲. تعریف مفهوم

سبک زندگی اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی کاربرد چندانی ندارد چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از امکان‌های موجود است. پس از جنگ جهانی دوم، رشد اقتصادی و ماشینی شدن کار، جامعه‌ای را در غرب پدید آورد که تمایزات سنتی تا اندازه‌ای در آن محو شدند، بدین معنا که هر فرد از طریق تنوعی که در انتخاب شغل، محل زندگی، آرایش، پوشاک خود و... در پیش می‌گرفت خود را از دیگران متمایز می‌کرد از این زمان بود که مفهوم سبک زندگی در معنی جدید آن مطرح شد. سبک زندگی الگویی برای کنش است که مردم را از هم متمایز می‌کند تا آنچه را مردم انجام می‌دهند و چرایی آن را و معنایی که برای آنها و دیگران دارند درک کنیم. (چنی؛ ۱۳۸۲؛ به نقل از ازکیا؛ ۲۴۵، ۱۳۸۸) برخی تعاریف سبک زندگی را از جنس رفتار دانسته و نگرش‌ها و باورها را در آن دخیل نمی‌دانند (رویگرد جامعه‌شناسانه) و برخی دیگر تعاریفی هستند که ارزشها و نگرش‌ها را بخش مهمی از سبک زندگی می‌دانند. (رویگرد روانشناسانه) (قماشچی و معرف، ۱۳۹۵؛ ۹۶) اصطلاح سبک زندگی از دو واژه *Life* و *Style* تشکیل شده است. معنای واژه زندگی تا حدودی روشن است؛ اما مفهوم سبک (نوع یا روش) نیاز به توضیح دارد. در تعریف آن چنین آمده است: ((شکل دادن یا طراحی چیزی (نظیر؛ موی سر، اسباب یا وسایل) تا بدین شیوه، جالب و جذاب به نظر آید. به عبارتی کیفیت برتر در ظاهر، طراحی یا رفتار.)) (کمبریج، ۲۰۰۶) آلفرد آدلر^۱ از این مفهوم برای اشاره به حال و هوای زندگی فرد استفاده می‌کند. سبک زندگی هدف فرد، خودپنداره، احساس‌های فرد نسبت به دیگران و نگرش فرد نسبت به دنیا را شامل می‌شود. (فیست و فیست، ۱۳۸۷؛ ۹۷) همچنین الگویی است برآمده از ارزشها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه که به صورت رفتارهای مشترک ظاهر می‌شود. (مهدوی کنی، ۱۳۸۸؛ ۵۱) آرو و ونزل^۲ آن را الگوی ثابتی از رفتار، عادات، ارزشها و نگرش‌ها می‌دانند که ویژگی و خصوصیت گروه‌ها قلمداد می‌شوند. (باینگانی و دیگران، ۱۳۹۲؛ ۶۳) لیزر^۳

^۱. Alfred Adler

^۲. Aro&Wenzel

^۳. Laser



(۱۹۶۳) سبک زندگی را بر اساس الگوی خرید کالا تعریف می‌کند. به نظر وی سبک زندگی فرد نشان‌دهنده شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی و نشان‌دهنده شیوه‌ای است که مصرف‌کننده در آن خرید می‌کند و شیوه‌ای که کالایی خریداری شده مصرف می‌شود، بازتاب دهنده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است. (خوشنویس، ۱۳۸۹؛ ۱۰) مک کی^۱ سبک زندگی را برآمده از ارزشها و باورهای مشترک یک گروه و جامعه می‌داند که به صورت رفتارهای مشترک ظاهر می‌شود. (الفت و سالمی، ۱۳۹۱؛ ۲۰) سازمان بهداشت جهانی^۲ سبک زندگی را این گونه تعریف می‌کند: روش زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی (فعالیت‌های بدنی، تغذیه و...) است که در پی فرایند جامعه‌پذیری به وجود آمده است. (قاسمی پاکرو، ۱۳۹۰؛ ۱)

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق روش توصیفی-تحلیلی است؛ یعنی محقق علاوه بر توصیف و تشریح مسئله مورد نظر به تجزیه و تحلیل آن مسئله نیز می‌پردازد. تکنیک‌های جمع‌آوری در این تحقیق نیز کتابخانه‌ای و اسنادی است که با مراجعه به کتابخانه و رجوع به اسناد، مدارک، نشریات، مجلات و مقالات معتبر تخصصی استفاده شده است.

۴. مروری بر پیشینه تحقیق

بسیاری از محققان به بررسی موضوع سبک زندگی اسلامی خاصه الگوی سبک زندگی حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) در چند سال اخیر، به ویژه پس از طرح آن توسط مقام معظم رهبری بسیار توجه کرده‌اند و پژوهش‌های فراوانی نیز در این باره انجام داده‌اند که در ذیل به مواردی اشاره خواهیم کرد:

*خان شیر و سالاری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان: ((حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) الگوی برای زنان و دختران جامعه امروزی)) با توجه به افزایش آمار طلاق، ایشان را به عنوان یک الگوی خوب برای جامعه معاصر معرفی می‌کنند. لذا زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) و خصوصیات فردی و اجتماعی این بانوی بزرگ اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهند.

^۱. Makee

^۲. World Health Organization

*معارف و قماشچی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان؛ (عوامل آرامش خانواده در سبک زندگی علی (علیه‌السلام) و حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها)) مؤلفه‌های آرامش خانوادگی را احصاء و تبیین کردند. به نظر آنها از نگاه قرآن دو مؤلفه کلان آرامش و مودت ارکان اساسی یک خانواده مستحکم هستند و بر همین مبنا مصادیق و زیر مؤلفه‌های مربوط به آرامش در زندگی خانوادگی حضرت علی (سلام‌الله علیها) و حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) استخراج و تشریح شده است.

*عبدالکریم بهجت پور (۱۳۹۴) در اثری با عنوان؛ ((سبک زندگی فاطمی)) معتقد است علی رغم عمر کوتاه ایشان، یکی از مناسب‌ترین سبک‌های زندگی را برای الگو شدن ارائه فرمودند تا ظرفیت‌های انبوه زندگی دینی در پرتو قرآن، سنت و درون مایه‌های شخصیتی خود را آشکار ساختند. آن حضرت در ابعاد و ساحت‌های مختلف اعم از فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی مبتنی بر اصیل‌ترین باورها و ارزش‌ها را از خود بروز داده‌اند.

*قهرمانی نژاد شایق (۱۳۹۴) در مقاله‌ی دیگر با عنوان: ((زندگی و سیره حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) به عنوان الگوی سبک زندگی دینی)) مهم‌ترین زوایای زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) را به عنوان یک الگوی دینی در جامعه اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌دهد و سبک زندگی اسلامی را در ابعاد مختلف تربیتی، اجتماعی، رفتارهای فردی و بازتاب‌های مختلف آن را با بررسی برهه‌های مختلف زندگی آن حضرت به دست می‌آورد.

۵. نظریه‌های سبک زندگی

با توجه به تنوع رویکردهای موجود به سبک زندگی مرور برخی از مهم‌ترین چارچوب‌های مفهومی مذکور به تصریح فضای مفهومی سبک زندگی و شناخت مؤلفه‌های آن کمک خواهد کرد: اولین تأکید مستقیم بر سبک زندگی با انگیزه جامعه‌شناختی در کار تورشتاین و بلن^۱ مشاهده می‌شود. به نظر وی به واسطه سبک زندگی افراد در فضای رقابتی با به نمایش گذاشتن ثروت خود از طریق مصرف تجملی و حضور در فعالیت‌های فراغتی می‌کوشند پایگاه والایشان را به گونه‌ای نمادین تعیین کنند. (کوزر، ۱۳۸۲: ۳۶۲)

۱.۵. گنورگزیمل^۲: زیمل سبک زندگی را تجسم تلاش انسان می‌داند برای یافتن ارزش‌های بنیادی یا به تعبیری فردیت برتر خود در فرهنگ عینی‌اش و شناساندن آن به دیگران، یعنی انسان برای معنای مورد نظر خود (فردیت برتر) شکل‌های رفتاری را برمی‌گزیند. زیمل چنین

^۱ Treshwane Veblen.

^۲ George Zeeml.

گزینشی را ((سلیقه))^۱ و این اشکال به هم مرتبط را ((سبک زندگی)) می‌نامد. در نتیجه وی، در عین پذیرش تمایز میان صورت‌ها (رفتارهای محتمل در چارچوب عینیت فرهنگی) و معنا (فردیت برتر) صورت‌های برگزیده و نحوه چینش آنها را که همان سبک باشد، در ارتباط با معنا می‌بیند. (کوهی و دیگران، ۲۰۸:۱۳۹۴)

۲.۵. پیر بوردیو^۲: بوردیو، برحسب اینکه انسان‌ها و گروه‌ها چگونه و چقدر زمان، صرف رفتارهای مصرفی می‌کنند سبک‌های زندگی را مورد مطالعه قرار می‌دهد تا بدین ترتیب میان گروه‌ها مرزهای نمادین ایجاد شود. در تحلیل بوردیو از سبک زندگی نظام قشربندی و موقعیت اجتماعی بازیگران صحنه اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است. او در تحلیل سبک زندگی به مفاهیم میدان، سرمایه، منش یا ریختار و سلیقه اشاره می‌کند. میدان به محل رقابت بر سر منافع و منابع معین است. (همان، ۱۲۱) ریختار در بردارنده خلق و خواهی خاصی است که تعامل آنها با محیط، رفتار را شکل می‌دهد. سلیقه به طور پیوسته ضرورت‌ها را به استراتژی‌ها یا اولویت‌ها تبدیل می‌کند و بدون هیچ‌گونه جبر مکانیکی، مجموعه انتخاب‌های سازنده سبک‌های زندگی را به بار می‌آورد، انتخاب‌هایی که معنا و ارزش خود را از موقعیت و جایگاهی که در نظام تقابل‌ها و همبستگی‌ها دارند، اخذ می‌کنند. (بوردیو، ۲۴۵:۱۳۹۰) از نظر وی هرگاه موقعیت اجتماعی افراد دچار تغییر شود، سلیقه نیز تغییر می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از نظر بوردیو سبک زندگی افراد نتیجه موقعیت اجتماعی آنان است.

۳.۵. دیوید چانی^۳: چانی نیز بر این باور است که سبک زندگی شکل اجتماعی جدیدی بوده که نشانگر اولیه هویت هر فرد است. وی بر این باور است که سبک زندگی حساسیت‌هایی هستند که در اهمیت‌های اخلاقی، معنوی یا زیبایی‌شناختی نفوذ می‌کنند. وی معتقد است برای افراد و گروه‌هایی که توسط راه‌های سنتی‌تر زندگی در شرایط جدید دچار فقدان دوام و ثبات می‌شوند، ساختن سبک‌های زندگی می‌تواند به عنوان ابزاری مهم برای مقابله با تغییرات اجتماعی کاربرد داشته باشد. این سبک‌ها واکنشی رفتاری با پاسخ‌های کارکردی به مدرنیته است. از نظر او افرادی که در جوامع مدرن زندگی می‌کنند از مفهوم سبک زندگی جهت توصیف

^۱ . taste

^۲ . Pierre Bourdieu

^۳ . David Chanie

اعمال خود و سایرین استفاده می‌کنند؛ سبک زندگی الگوهایی از کنش هستند که افراد را از یکدیگر متمایز می‌کنند. (چانی، ۱۳۷۸: ۴) بنابراین دیوید چانی به کارکرد هویت بخشی سبک زندگی نیز اشاره می‌کند.

۴.۵. آنتونی گیدنز^۱: گیدنز، در بحث از سیاست زندگی به سبک زندگی نیز می‌پردازد. سیاست، فرصت‌های زندگی نیست؛ سیاست زندگی، سبک زندگی است. به زعم وی، عنصر محوری و گریز ناپذیر سبک زندگی انتخاب است. در سطح خرد یکی از مؤلفه‌های اساسی زندگی روزمره همان انتخاب‌هایی است که به طور عادی به عملی آوریم (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۱۹) سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد چون نه فقط نیازهای جاری او را برمی‌آورند بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران مجسم می‌کند. (همان، ۱۲۰) گیدنز برای فهم بیشتر سبک زندگی از مفهوم عاملیت و ساختار کمک می‌گیرد: ساختار و عاملیت دو مقوله جدا از هم نیستند و به یکدیگر وابسته‌اند؛ زیرا ساختارها هم هدف وهم نتیجه کنش‌ها هستند، آنها شامل قلمروهای دوگانه هستند. ساختارها در یک زمان هم عینی (محدود کننده) و هم ذهنی (توانا ساز) می‌باشند. سبک‌های زندگی هم با یک ماهیت دوگانه در دیدگاه گیدنز به تصویر کشیده شده‌اند. سبک‌های زندگی الگوهای رفتاری هستند که با ارزشها و باورها همراه‌اند و از طریق بازخورد عاملان اجتماعی که آنها را بازتولید و انتقال می‌دهند و همچنین از طریق مردمی که آنها را عملیاتی می‌کنند؛ بازتولید می‌شوند. (میری پور فرد، ۱۳۹۳: ۱۵)

برای فهم سبک زندگی فاطمی از آراء گیدنز در این مقاله بیشتر سود جستیم به نظر گیدنز هر جامعه‌ای می‌تواند سبک زندگی خاص خود را داشته باشد و همه سنتها در حقیقت انتخاب‌های میان انبوهی از الگوهای رفتاری ممکن است. هر جامعه‌ای می‌تواند زمانی ثمره و نتیجه جهان‌بینی و ایدئولوژی خود را به دیگران نشان دهد که سبک زندگی او متناسب با باورها و ارزش‌هایش شکل گرفته باشد. بر این اساس سبک زندگی که متناسب با باورها و ارزش‌های جامعه ایرانی باشد، سبک زندگی دینی است؛ زیرا دین در فرهنگ کشور ایران نقش پر رنگی دارد.

^۱ Anthony Giddens.



۶. یافته‌های تحقیق

سبک زندگی از دیدگاه اسلام، به مجموعه‌ای از موضوعات مورد قبول اسلام در عرصه زندگی اشاره دارد که بر اساس آن، معیار رفتار ما باید مبتنی بر اسلام و آموزه‌های اسلامی باشد. خدامحوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی از مهم‌ترین معیارهای سبک زندگی مورد تأیید اسلام است؛ در واقع در سبک زندگی حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) زندگی فردی و اجتماعی افراد مبتنی بر اسلام و رهنمودهای قرآنی است. اسلام با احکام جاودانه خود، سبکی آرمانی و در عین حال واقع‌گرایانه را پیشنهاد کرده است که مبتنی بر نگرشی متعالی به هستی و انسان است. در این سبک زندگی رعایت آموزه‌های دینی، رهایی از سبک زندگی غیر اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است. بر همین اساس می‌توان مهم‌ترین اصول و مؤلفه‌های سبک زندگی حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) را با تأکید بر بند هفتم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی این‌گونه تقسیم‌بندی نمود:

۱.۶. گام اول؛ نظام ارزشی

ارزشها و تحول ارزشی عمال مهمی است که مورد توجه اندیشمندان اجتماعی حوزه سبک زندگی قرار گرفته است. بسیاری از محققان ارزشها را اصلی‌ترین منبع شکل‌گیری سبک زندگی دانسته و تأکید دارند که شناخت ساختار ارزش‌های فرد، اصلی‌ترین وظیفه برای درک سبک زندگی افراد است. موافقان این نظر معتقدند که ارزش‌های فعلی فرد تعیین‌کننده سبک زندگی اوست. از طرفی دیگر، بروز برخی سبک‌های زندگی نیز حاصل تحول ارزشی در جامعه و تلاش افراد برای وفق دادن خود با نظام ارزشی جدید دانسته می‌شود. (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۳۲) در این جا به برخی از مهم‌ترین این اصول اخلاقی و ارزشی از منظر حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) اشاره می‌کنیم:

۱.۱.۶. سادگی و پوشش

حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) دو ویژگی سادگی و پوشانندگی را در پوشیدن لباس رعایت می‌کردند. وصله‌های چادر فاطمه (سلام‌الله علیها) که سبب اظهار شگفتی سلمان فارسی شد (ابن طاووس، ۱۴۱۴: ۲۷۵) و بلندی و پوشاننده بودن چادر حضرت هنگام رفتن به مسجد برای احتجاج با ابوبکر (مغربی، ۱۳۸۳: ۳؛ ۳۴) نمونه‌هایی از سیره حضرت در پوشش و لباس است.

۲.۱.۶. قناعت

هرگاه مستمندی به در خانه فاطمه (سلام‌الله علیها) می‌رفت، آن حضرت نیاز او را تا حد امکان بر طرف می‌کرد، تا جایی که قرص نان قوت خود و خانواده‌اش را می‌بخشید و خود گرسنه

می‌ماند. مرحوم مجلسی از جابر بن عبدالله نقل می‌کند گفت: یا رسول الله (ص) بر فاطمه (سلام الله علیها) وارد شدیم؛ صورتش زرد بود. پیامبر (ص) پرسید: چرا صورتت زرد است؟ گفت: ای رسول خدا از گرسنگی. پیامبر (ص) فرمود: بار خدا گرسنگی او را رفع کن و سختی آن را از او بگیر. جابر گفت به خدا قسم بعد از دعا، صورت فاطمه (سلام الله علیها) قرمز شد و بعد از آن روز گرسنه نشد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۲)

۳.۱.۶. انفاق

ایشان، همسر و فرزندان به فقرا کمک شایانی می‌کردند، چه از انفاق لباس نو در شب عروسی، چه از انفاق به پیرمرد نا دار یا انفاق گردنبند هدایی حمزه عموی پیامبر (قزوینی، بیتا: ۲۰۱) و چه از ماجرای نذر برای بیماری حسنین و انفاق افطار به مسکین، اسیر و یتیم و نزول هفده آیه از سوره هل اتی (فخر رازی، ۲۷۶: ۴۴) و چه تقسیم عوائد فدک میان نیازمندان، چه از بنی‌هاشم و چه از سایر مسلمانان (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱۲۳) در همه جا یار و یاور مسلمانان بودند و همه اینها جز مؤلفه‌های مهمی در همیاری جامعه و ایجاد فضایی امنیت و آرامش روحی و اخلاقی در جامعه محسوب می‌شد که با بررسی شرایط آن ایام و وضعیت اجتماعی عرب جاهلیت قابل توجه است.

۴.۱.۶. عبادت

ما دو نوع عبادت را در زندگی حضرت می‌بینیم؛ عبادت‌هایی مثل نماز که نیاز به فراغت از امور زندگی داشت و نمازهای خاصی به نام نماز حضرت صدیقه طاهره مشهور شده که ساعتی وقت می‌برد. این نمازها که از حضرت بر جای مانده، نشان می‌دهد که حضرت در عین رسیدگی به امور زندگی، فرصتی به این عبادت‌ها اختصاص می‌دادند؛ چنان که امام حسن (علیه السلام) از نماز شب و شب زنده داری‌ها و عبادت‌های طولانی مادرش گزارش داده است. طولانی‌ترین تعقیب‌ها در نماز نیز از حضرت صدیقه طاهره نقل شده است که برخی تعلیم پیامبر (ص) به ایشان است و برخی را خود حضرت انشا فرموده‌اند. این تعقیبات، مضامین و نکات بسیار ناب توحیدی و معرفتی در بردارد و توجه به معاد، یاد مرگ و ترسیم حالات سكرات مرگ و احوال قیامت، در آنها بسیار برجسته است. همچنین با وجود منابع محدود، از آن حضرت دعا‌های بسیاری به ما رسیده است. نوع دیگر از عبادت ایشان، با کار و مشغله‌های زندگی قابل جمع است؛ مانند تلاوت قرآن که در زندگی حضرت پررنگ است و از آن به عنوان یکی از سه محبوب خود در این دنیا یاد می‌کند. در گزارشی آمده است که سلمان خدمت حضرت رسول رسید و اظهار شگفتی کرد که دیده است حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در حالی که کار می‌کرد، قرآن



نیز تلاوت می‌فرمود. همچنین حضرت روزه‌های مختلف و مستحبی می‌گرفت. از دیگر عبادت‌های حضرت، برنامه منظم هفتگی برای زیارت قبور، به ویژه قبر حمزه سیدالشهداء بود. عبادت حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) برنامه و زمان خاصی داشت. در خانه محلی را برای محرابش قرار داده بود. لباس مخصوصی برای نماز می‌پوشید. برای نماز از بوی خوش استفاده می‌کرد. به غروب و شب جمعه برای استجابت دعا اعتقاد داشت. برای درک شب قدر و احیای آن برای فرزندان برنامه‌ریزی می‌کرد، نمازها و دعاهای ویژه‌ای برای موضوعات مختلف و روزه‌های هفته داشت. مناجات و تعقیبات خاصی پس از نمازهای واجب داشت، به حدی برای نماز و عبادت به پا می‌استاد که پاهایش ورم می‌کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳؛ ج ۷۶:۴۳) برای دیگران و همسایگانش بسیار دعا می‌کرد و در یک کلام هرگاه در برابر پروردگارش به عبادتی ایستاد، بندبند بدنش از خوف خدا می‌لرزید. (صدوق ۱۳۸۵؛ ج ۱: ۱۸۰) بنابر نظر حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) خداوند متعال بهترین پاداش را به عبادت خالصانه‌ی بندگانش عطا خواهد کرد: ((کسی که عبادت‌های خالصانه خود را به سوی خدا بفرستد، پروردگار بزرگ برترین مصلحت را به سویش فرو خواهد فرستاد.)) (مجلسی، ۱۴۰۳؛ ج ۲۴۹:۶۷) حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) حتی در اولین لحظه‌های زندگی مشترکشان با حضرت علی (علیه‌السلام) به نماز و عبادت پروردگار مشغول بودند. پیامبر اکرم فردای آن شب از حضرت علی (علیه‌السلام) پرسید: ((همسرت را چگونه یافتی؟)) امام علی (علیه‌السلام) بی‌درنگ فرمودند: ((نعم العون علی طاعه الله)) (مجلسی، ۱۴۰۳؛ ج ۱۱۷:۴۲) (بهترین یاور برای اطاعت پروردگار) نکاتی که از سیره عبادی حضرت نقل شد، خود یک الگو و سبک زندگی است که بیانی دارد در کنار انجام وظایف خانه و مسئولیت و مشغله‌های زندگی، چه مقدار باید روزانه به عبادت پرداخت.

۲.۶. گام دوم؛ مسئولیت خانوادگی (همسری و مادری)

۱.۲.۶. مسئولیت همسری

خانواده جامعه کوچکی است که نیازمند مدیریت است. بهترین نمود مدیریت خانواده تثبیت نقش زن یا مادر در خانواده است. بی‌تردید مهم‌ترین لازمه رسیدن به یک خانواده مستحکم و موفق آن است که در یک نظام صحیح موقعیت هر فرد طراحی و تعیین شود و بپذیرد که نسبت به دیگری حقوقی دارد و در قبال آن وظایفی را نیز متعهد می‌شود که انتظارات نقش‌ها در خانواده نسبت به یکدیگر تعدیل می‌شود. مثلاً مادر را به عنوان یک نقش در جایگاه واقعی آن درک کنند و نه به عنوان یک خدمه مهربان و زحمتکش. البته همسران نیز باید نسبت به موقعیت یکدیگر آشنایی داشته باشند. به بیان دیگر: هر جا تکلیف و مسئولیتی است، بحث از حقوق هم در کنار آن

مطرح است. نقش همسری در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. در روایت‌های اسلامی (خوب شوهرداری کردن) در حد جهاد در راه خدا ارزشمند است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹۷) خداوند متعال برخوردها و رفتارهای صحیح انسانی را در خانواده با ((حسن معاشرت)) معرفی می‌فرماید و از مرد و زن رعایت آن را با میزان ((معروف))، یعنی رفتاری پسندیده و انسانی می‌خواهد: (...وقولوا لهم قولاً معروفاً... و با آنها سخنی شایسته بگویید.)^۱ (... و عاشروهنّ بالمعروف... و با آنان به گونه‌ای شایسته رفتار کنید...) خداوند در یک کلام، حق و وظیفه میان زن و شوهر را بیان نموده است: (...هُنَّ لِبَاسُ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسُ لِهِنَّ... آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید...) لباس از یک سو انسان را از گرما و سرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می‌کند و از سوی دیگر عیوب را می‌پوشاند و زینتی است برای تن آدمی.

امیرمومنان (علیه‌السلام) می‌فرماید: تا فاطمه (سلام‌الله‌علیها) زنده بود کاری نکردم که او را به خشم آورد و بر هیچ کاری او را مجبور نکردم او نیز هیچ‌گاه مرا به خشم نیاورد و در هیچ کاری از من نافرمانی نکرد. به راستی هر وقت به او نظر می‌کردم، غم و اندوهم برطرف می‌شد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۴) امیرالمومنین (علیه‌السلام) همواره از لحظات زندگی با حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) نهایت آرامش و محبت را کسب می‌کرد. به نحوی که خود می‌فرمود: هرگاه به فاطمه (سلام‌الله‌علیها) می‌نگریستم همه رنج‌ها و ناراحتی‌هایم را فراموش می‌کردم. ازدواج ایشان در نهایت سادگی برگزار شد و بنا بر برخی روایات با عنایت به شرایط خاص قرن دوم هجری، ابتدا عقد و بعد از ۹ ماه یعنی پس از جنگ بدر و با دادن ولیمه عمومی در مسجد به عروسی انجامید و امیرالمومنین که تا آن هنگام با مادرش فاطمه بنت اسد زندگی می‌کرد زندگی مشترک خود را آغاز کرد. سادگی منزل ایشان و مهریه آنها همراه با جهیزیه مختصر مؤلفه مهمی بود که جهت زدودن زنجیرهایی که در اثر تفاخر جاهلی جهت ازدواج بین اشراف وجود داشت. (قهرمانی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۲۰) علی (علیه‌السلام) و زهرا (سلام‌الله‌علیها) با محبت با یکدیگر رفتار می‌نمودند و همدیگر را بهترین همسر می‌دانستند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱۲۱) و در جمع ابوالحسنی خواندند. (همان، ۳۵۲) او در خانه خود را برای امیرالمومنین زینت می‌داد. (صدوق، ۱۴۱۷ ق: ۵۵۲) و هیچ‌گاه در هیچ برنامه‌ای با همسر خود مخالفت نکرد. (خوارزمی؛ ص ۳۵۳) بحث دیگر در سبک تعامل با همسر در زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) اطاعت از همسر است. ایشان می‌گوید من به توصیه پدرم همواره عمل کردم که فرمود: ((از همسرت

^۱ نساء/آیه (۵).



اطاعت کن و از او چیزی نخواه که در توانش نباشد.) در اواخر عمر خود نیز فرمود: ((من همواره سعی کردم این نکته را در زندگی ام رعایت کنم و به آن پایبند باشم.)) حضرت امیر هم می فرمود: ((هیچگاه ندیدم آن حضرت کاری کند که مرا خشمگین و دل آزرده کند.)) گفتنی است که اطاعت صدیقه طاهره از امیرمؤمنان و همراهی با ایشان، الزاماً از آن باب نبود که همسرش، امام بود و علم غیب داشت؛ بلکه قبول این زندگی دو طرفه و مدیریت زندگی از جانب حضرت امیر بوده که این همراهی را ایجاد می کند. نکته بعدی هم تناسب درخواست هاست. حضرت فرمودند: ((این توصیه را همواره از پیامبر دارم که از پروردگار خود حیا می کنم چیزی از همسر بخواهم که در توانش نباشد.)) (همان، ص ۶۱۶)

۲.۲.۶. مسئولیت مادری

در حوزه جامعه پذیری دین نیاز است دو دسته از مفاهیم، آموزش داده شوند: دسته اول اعتقادات مذهبی؛ مجموعه ای از ارزش های فردی را در بر می گیرد و هدف آن ایجاد تصویری در ذهن است که احساسات فردی و جمعی هویت را در کنشگر تقویت می کند. دسته دوم را می توان در قالب شعائر دسته بندی کرد. شعائری که معطوف به رفتارهای اخلاقی^۱ و هم معطوف به رفتارها و کنش های دینی است. (میرعباسی، ۱۳۹۴: ۷۶-۷۷)

در بحث تربیت روحی و عاطفی فرزندان و شفقت و مهربانی مادر به آنها، سلمان نقل می کند که به خانه فاطمه (سلام الله علیها) رفتم و دیدم که حضرت مشغول آسیاب کردن است و طفل ایشان گریه می کند. عرض کردم: چرا از فضا کمک نمی گیرید؟ فرمود: امروز نوبت استراحت ایشان است. سلمان گوید: حضرت آن قدر آسیاب کرد که خون دستش بر دسته آسیاب جاری شد و به سنگ آسیاب رسید. عرضه داشتیم: من بروم بچه را ساکت کنم؟ حضرت فرمود: تو بیا آسیاب کن و من به بچه رسیدگی می کنم. من مادرم و به فرزندم مهربان تر هستم. یعنی حضرت هنگامی که میان بچه داری و کار خانه تعارض ایجاد شد و ناچار بود که یکی را انتخاب کند، رسیدگی به فرزند را انتخاب می کند و می فرماید: ((انی ارفق؛ من مهربان ترم به این بچه.)) فاطمه (سلام الله علیها) اصرار داشت حتماً مادر به فرزندانش شیر دهد. (طبرسی، ۱۳۹۲: ق ۱۱۷) در طفولیت اطفالش با ایشان بازی می کرد و برایشان شعر می خواند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱۵۹) گاه به همراه همسرش میان حسنین مسابقه کشتی ترتیب می داد و اطفالش را تشویق می کرد. (صدوق، ۱۴۱۷: ق ۳۶۱) او فرزندانش را به عبادت شوق می داد و در شب های قدر با کم کردن غذا

^۱Ethical Behaviors

و اموری مانند آن سعی می‌کرد بچه‌ها را موفق به شب زنده داری کند. (مغربی، ۱۳۸۳؛ ق: ۲۸۱) او در دعا دیگران را مقدم می‌ساخت و به فرزندانش می‌فرمود: اول همسایه، بعد خانه. (صدوق، ۱۳۸۵؛ ق: ۱۸۲) همه این مؤلفه‌ها نکات مهمی است که در بحث تربیت فرزندان و ایجاد آرامش روحی و تأمین امنیت اخلاقی اجتماع، اهمیت به سزایی دارد. چون از نیاز فرزندان به مهر و محبت پدر و مادر کاملاً آگاه بود، به عنوان اولین وصیت به علی از ایشان خواست که پس از او با دختر خواهرش، امامه، ازدواج کند، زیرا او همانند خود (فاطمه) به فرزندانش مهربان می‌دانست. (قتال نیشابوری، بی‌تا: ۱۵۱) اقدام دیگری که در این زمینه در زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) مشاهده می‌شود، توجه به زینت فرزندان است که به نوعی آن‌ها را به سمت زیبایی هدایت می‌کند: ((أَنَّ فَاطِمَةَ حَلَّتِ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ؛ فَاطِمَةَ (سلام‌الله علیها) حَسَنَ وَ حُسَيْنَ (علیه‌السلام) رَا مِی آرَاست.)) (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱: ۱۷۴) این کار نیز علاوه بر نشاط روحی که برای فرزندان به دنبال دارد، حس زیباشناسی آن‌ها را نیز تقویت می‌کرد.

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: ((إِنَّ فَاطِمَةَ عَلِيَّهَا السَّلَامُ كَانَتْ تَمْضَغُ لِلْحَسَنِ ثُمَّ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ هِيَ صَائِمَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؛ فَاطِمَةَ (سلام‌الله علیها) غَذَا مِی جَوِید بَرَای حَسَنَ (علیه‌السلام) سِپَس بَرَای حُسَيْنَ (علیه‌السلام) دَر حَالِی کِه دَر مَاهِ رَمَضَانَ رُوزِه بُوَد.)) (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۹۰) این روایت نیز اشاره به این دارد که ایشان در حال عبادت و روزه‌داری نیز از توجه به فرزندان غافل نمی‌شدند و در حین عبادت، به وظیفه مادری خود و برآورده کردن نیازهای آنان می‌پرداختند. حال مادرانی که با کوچک‌ترین بهانه خود را از وظایف مادری معاف می‌کنند، باید بازنگری در رفتار خود داشته باشند و به دنبال راهی باشند که هم به وظیفه مادری خود عمل کنند و هم سایر برنامه‌های خود را اجرا نمایند.

۳.۶. گام سوم؛ مسئولیت اجتماعی

از دیدگاه بسیاری، سپردن کودکان به سازمان‌های خاص، آن هم در زمانی که کودک بیشترین نیاز را به مادر دارد، موجبات بروز نابسامانی‌های روانی خاصی را در بزرگسالی فراهم می‌کند. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۷۲) لذا این مسئله از موضوعات مهم روانشناسی و جامعه‌شناسی خانواده در دهه‌های اخیر است. عدم حضور مادر در مدت زمان طولانی، به تنظیم روابط و اداره منزل لطمه می‌زند و در انهدام خانواده بی‌تأثیر نمی‌باشد. (هر قدر اقتصاد و زندگی خانوادگی توسط زنان بیشتر اداره شود، قدرت اجتماعی^۱ آنها نیز در خانواده بیشتر خواهد شد و اشتغال در کار خارج از

^۱ . Social power



خانه، در چگونگی روابط عاطفی آنها با اعضای خانواده اثر می‌گذارد و هر قدر نظام جدید خانواده تغییر شکل یابد، روابط عاطفی ضعیف‌تر می‌شود.)) (فرجاد، ۱۳۷۲: ۱۵) یکی از اساسی‌ترین اهداف تشکیل خانواده بقای نسل و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه است و توسعه و رشد اقتصادی در گرو نیروی کار فعال و تحصیل کرده است؛ که این افراد نوعاً از میان خانواده‌ای برنامه ریز، منظم و مشوق بیرون می‌آید. زنان با فراهم کردن و آماده ساختن محیطی بانشاط و صمیمی برای تأمین نیازهای مادی و معنوی و توجه به بهداشت روحی، جسمی و روانی اعضای خانواده اثر مستقیم بر اقتصاد جامعه می‌گذارند.

جمع میان کار و فعالیت‌های اجتماعی (غیر از اشتغال) یکی از دغدغه‌های امروزی بخش وسیعی از بانوان است. سیره حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) حاکی است که وظیفه مادری تنها شیر دادن به فرزند، نظیف و نگهداری خانه و مراقبت از کودکان نبوده بلکه بزرگ‌ترین نقش یک مادر تربیت اجتماعی و سیاسی کودکان است. چنانچه حضرت فرزندان را به مسجد می‌فرستاد و در همه صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی خود مانند؛ رفتن به در خانه مهاجران و انصار و نیز زیارت قبر پیامبر، حمزه، قیور شهدا و رفتن به بیت الاحزان آنها را با خود به همراه می‌برد. تربیت سیاسی، دینی و اجتماعی کودکان نیازمند دانایی، اطلاع کافی از مسائل مربوط به این حوزه‌ها، حضور یافتن در متن جریان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نیز آگاهی، بصیرت و تحلیل درست مسائل گوناگون است؛ بنابراین برای آنکه مادر بتواند در کانون خانواده، فرزندان را بتواند متناسب با نیازهای اجتماعی و معاصر تربیت کند، بایسته است که خود به اندازه کافی در کانون این رویدادها و مباحث حضور داشته باشد؛ بدین ترتیب به هر میزانی که زنان در متن حادثه حضور داشته باشند، قدرت توان‌افزایی و تربیت دینی، اجتماعی و سیاسی فرزندان فزونی می‌یابد. (بهجت پور، ۱۳۹۴: ۱۰۸)

در سلوک اجتماعی فاطمه (سلام‌الله علیها) نمونه‌های بسیاری از تلاش برای احقاق حق، جلوگیری از انحراف جامعه از جاده حقیقت و افتادن در مسیر سراشیبی هلاک و ظلم‌ستیزی و عدالت‌گرایی به چشم می‌خورد به طوری که پس از رحلت پیامبر اکرم به دفاع از همسرش امیر مؤمنان در برابر تزییع حقوق ایشان برخاست. در آغازین روزهای پس از سقیفه نیز، با ایراد خطبه‌هایی تمام تلاش خویش را برای بیان حق و یادآوری سفارش‌های پیامبر در مورد

اهل بیتشان به کار بست. (همان، صص ۱۱۴-۱۱۵) سیره عملی حضرت زهرا (سلام الله علیها) جهت گیری صحیح این رویکرد را نشان می دهد.

۷. نتیجه

به باور بسیاری از اندیشمندان، رفتار تجلی ارزشها و باورهای فرد است و سبک زندگی صرفاً باورهای عینی افراد را در برمی گیرد. از آنجا که در جامعه ما اعتقاد بر این است که ارزشها و باورها خصوصاً دینی بر تمامی شئون زندگی ما تأثیر گذار هستند و سنگ بنای فعالیتها و اعمال ما محسوب می شوند و از سوی دیگر، رسانه رسالت شکل دهی به رفتارهای مبتنی بر ارزشها و اصول اسلامی- ایرانی را بر عهده دارد لذا هم به عنصر نگرش (باورها، ارزشها و ترجیحات) و هم بر عنصر رفتار (کنش عینی) باید توجه کرد. همان طور که رهبر معظم انقلاب (در بند هفتم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی) فرمودند با اصلاح نگرش و رفتار زوجین نسبت به تشکیل خانواده و الگو گیری از سیره حضرت زهرا (سلام الله علیها) می توان به تحکیم مبانی خانواده در جامعه اسلامی و عدم الگو محوری نمادهای غربی و سبک زندگی امریکایی، امیدوار بود. روش هایی که حضرات معصومین علی (علیهم السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) در زندگی مشترکشان به کار بردند کاملاً عملیاتی، دست یافتنی و اجرایی هستند. می توان دریافت سبک زندگی فاطمه (سلام الله علیها) در تمامی ابعاد، الگوی زنان مسلمان به شمار می رود؛ زیرا همه استعدادهای وی در ابعاد گستره ذهنی (نظام ارزشی) و هم در گستره عینی (مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی) به صورت هماهنگ شکوفا گردیده است.

فهرست منابع

الف) کتاب

۱. قرآن کریم
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶) مناقب آل ابی طالب، نجف؛ حیدریه.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۴ ق) الدرر الواقییه، قم: موسسه آل البیت لاحیاء التراث.
۴. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله (۱۴۱۳ ق) عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، قم: مؤسسه الإمام المهدی (عج).
۵. بوردیو، پیر (۱۳۹۰) نظریه کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران؛ انتشارات نقش و نگار.
۶. چانی، دیوید (۱۳۷۸) سبک زندگی ترجمه حسن چاووشیان، تهران؛ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق) تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البیت ((ع)).
۸. خوارزمی (بی تا) مناقب الامام امیرالمومنین (ع)، قاهره.
۹. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. تهران: انتشارات دانشگاه.
۱۰. شیلینگ، لویس (۱۳۸۲) نظریه‌های مشاوره؛ (دیدگاه‌های مشاوره) ترجمه خ، آرین، چ چهارم، تهران؛ انتشارات اطلاعات.
۱۱. صدوق (۱۳۸۵ ق) علل الشرایع. نجف؛ مکتب حیدریه.
۱۲. صدوق (۱۴۱۷ ق) الامالی، قم؛ موسسه بعثت.
۱۳. فتال نیشابوری، محمد بن حسن (بی تا) روضه الواعظین، قم: الشریف الرضی.
۱۴. فخر رازی (۱۳۰۸ ق) تفسیر الکبیر، استانبول؛ مطبعه عثمانیه.
۱۵. فیست، جس و گریگوری فیست (۱۳۸۷) نظریه‌های شخصیت. تهران؛ ویرایش.
۱۶. قزوینی، محمد کاظم (بی تا) فاطمه الزهرا من المهد ال للحد، نجف.
۱۷. کوزر، لویس و برنارد روزنبرگ (۱۳۸۲) نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشرنی.
۱۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران؛ نشرنی.
۱۹. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳) بحار الانوار، ۱۱۰ ج، موسسه الوفاء بیروت، چاپ دوم.



۲۰. مغربی، قاضی نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۳ ق) دعائم الاسلام، تحقیق آصف فیضی، القاهرة: دار المعارف.

۲۱. مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۸) دین و سبک زندگی، تهران؛ دانشگاه امام صادق (ع)

ب) مقالات

۲۲. ازکیا، مصطفی و سکینه حسینی رودبارکی (۱۳۸۸) تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۷.

۲۳. الفت، سعیده و سالمی، آزاده (۱۳۹۱) مفهوم سبک زندگی، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال اول، شماره اول، صص ۹-۳۶.

۲۴. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۴) سبک زندگی فاطمی پژوهشنامه سبک زندگی، سال اول، شماره اول، صص ۹۹-۱۲۰.

۲۵. خان شیر، موسی و سالاری، اسلام (۱۳۹۶) حضرت زهرا (سلام الله علیها) الگوی زنان و دختران جامعه امروزی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس پژوهش در فقه، حقوق و علوم انسانی.

۲۶. خوشنویس، ناهید (۱۳۹۰) رسانه و سبک زندگی. مجله روابط عمومی، شماره ۷۳: ۹-۱۷.

۲۷. قهرمانی نژاد، بهاءالدین (۱۳۹۴) زندگی و سیره حضرت زهرا (سلام الله علیها) به عنوان الگوی سبک زندگی دینی، فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال چهارم، شماره ۱۵: ۲۱۹-۲۴۱.

۲۸. کوهی، کمال و عباس زاده، محمد و خواجه بی شک، علی و قاسم زاده، داود (۱۳۹۴) مطالعه جامعه شناختی تعیین کننده های سرمایه ای سبک زندگی. فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال اول، شماره چهارم، صص: ۲۲۳-۲۵۳.

۲۹. میرعباسی، حمید (۱۳۹۴) جامعه‌پذیری دینی وقف و نقش رسانه در آن، مجموعه مقالات کنگره ملی وقف حماسه اقتصادی و سبک زندگی اسلامی.

پ) پایان نامه ها

۳۰. میری پور فرد، فریبا (۱۳۹۳) نگرش دینی و سبک زندگی؛ بررسی رابطه بین نگرش دینی و سبک زندگی دانشجویان دانشگاه گیلان (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان)

د) سایت ها

۳۱. WWW.KHAMENEI.IR

بررسی و تحلیل راهکارهای قرآنی و روایی تولید انبوه و باکیفیت

افشین سلیمی وردنجانی*

چکیده

تولید انبوه و باکیفیت محصول یکی از مهم‌ترین دستورات دینی به مسلمانان است. با توجه به آن که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی منبعث و متأثر از تعالیم الهی است؛ بنابراین بر اساس همین دستور یکی از اصلی‌ترین محورهای بیانیه به این مهم اختصاص یافته است. در این پژوهش با استفاده از ابزار مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوای کیفی در پی پاسخ به این سؤال هستیم که در آموزه‌های قرآنی و روایی چه راهکارهایی برای تولید انبوه و باکیفیت به مسلمانان توصیه شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در این منابع برای هر یک از طبقات جامعه اعم از دولت، تولیدکنندگان و مردم وظایفی در جهت تحقق این مهم مشخص شده است؛ از جمله دولت با تلاش در جهت استقلال و اقتدار اقتصادی از طریق عدم وابستگی به بیگانگان، تقویت روحیه کار و نهی از تنبلی در جامعه، حمایت از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان، استفاده بهینه از سرمایه و منابع طبیعی کشور، برقراری امنیت اقتصادی، تربیت نیروی متخصص، واگذاری فعالیت‌های تولیدی به بخش خصوصی و نظارت بر تولید و کنترل واردات کالاها، تولیدکنندگان از طریق اجتناب از فریب و غش در معاملات و پرهیز از گران‌فروشی و مردم از طریق ترجیح استفاده از کالاهای ساخت تولید داخلی، مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه، صبر و مقاومت در برابر مشکلات اقتصادی و رعایت قوانین مصوب حکومتی می‌توانند در این راه یاریگر باشند.

واژگان کلیدی: قرآن، روایات، رونق و جهش تولید، تولید باکیفیت و انبوه، بیانیه گام دوم انقلاب.



* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته "اندیشه سیاسی در اسلام" پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی،
salimi8219@gmail.com

مقدمه

مسئله افزایش و رونق تولید همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر در طول تاریخ حیاتش بوده است، علت اصلی این دغدغه افزایش جمعیت انسانی و به تبع آن افزایش نیازهای بشر است. علیرغم نامحدود بودن منابع طبیعی اما توجه به این مطلب ضروری است که این منابع چنانچه مورد استفاده درست قرار نگیرند و در جهت تولید مطلوب و منطقی استفاده نشوند نابود می‌شوند و حیات انسانی در معرض تهدید قرار می‌گیرد؛ بر همین اساس جهان‌بینی اسلامی که منابع متنی آن را قرآن و روایات و منابع فرا متنی آن را سیره معصومین و پیامبران تشکیل می‌دهد از این مهم غافل نشده است. در منابع اسلامی علاوه بر بیان اهمیت و تأکید بر جهاد در جهت رونق تولید محصولات باکیفیت، شیوه‌های عملی بهره‌گیری از مواهب طبیعی و دستیابی به این مهم نیز آمده است؛ آن‌چنان‌که پیامبران به‌عنوان هادیان جامعه و پس از آن‌ها معصومین به‌عنوان مفسرین قرآن نیز به مسئله رونق تولید و کیفی سازی آن توجه خاصی مبذول داشته و نه تنها این مهم را به دیگران توصیه کردند بلکه خود نیز گام‌های عملی در این زمینه برداشته‌اند؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و تأکیدات دستورات دینی در جهت رونق تولید محصولات باکیفیت، نظام جمهوری اسلامی ایران که بر اساس آموزه‌های اسلامی تشکیل شده و بر اساس دستورات دینی به برنامه‌ریزی برای شئون زندگی مسلمانان پرداخته است از بدو تأسیس توجه خاصی به این موضوع داشته است. نمود بارز این توجه نام‌گذاری شعار سال ۱۳۹۸ تحت عنوان "رونق تولید" و سال ۱۳۹۹ تحت عنوان "جهش تولید" از سوی مقام معظم رهبری است. اهمیت این مطلب زمانی روشن‌تر می‌شود که بیانیه گام دوم انقلاب که هدف آن ریل‌گذاری برای حرکت آینده نظام اسلامی ایران است بر تقویت اقتصاد مستقل کشور از طریق تولید انبوه و باکیفیت تأکید دارد.

در پژوهش حاضر در پی اثبات این فرضیه که دستورات اسلامی در خصوص تولید به نحوی است که اگر درست اجرا گردند نتیجه آن رونق تولید محصولات باکیفیت و به تبع آن بی‌نیازی جامعه اسلامی از غیر خواهد شد سؤالی تحت عنوان "راهکارهای تولید انبوه و باکیفیت از دیدگاه قرآن و روایات چیست" مطرح و سپس تلاش شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و با



استفاده از ابزار کتابخانه‌ای در قالب تبیین وظایف سه رکن اصلی تولید (دولت، مردم و تولیدکنندگان) در قرآن و روایات به این مهم پاسخ داده شود.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی با عنوان راهکارهای قرآنی و روایی تولید انبوه و باکیفیت صورت نگرفته است؛ هرچند که عناوین مشابه با آن نظیر رونق تولید یا جهش تولید از منظر قرآن و حدیث از دیدگاه پژوهشگران مغفول مانده و پژوهش‌هایی هرچند محدود در این عناوین صورت گرفته است. برخی از پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت پذیرفته عبارت‌اند از:

در مقاله "راهکارهای قرآن برای رونق اقتصادی" به قلم صمد عبداللهی عابد و مهری قبادی (۱۳۹۳) نویسندگان ابتدا به بیان اهمیت اقتصاد در جامعه پرداخته‌اند و سپس با استناد به آیات قرآن کریم راهکارهایی را برای رونق و پیشرفت اقتصادی ارائه داده‌اند. در این پژوهش به سیره پیشوایان معصوم در زمینه انجام فعالیت‌های اقتصادی نیز در قالب یک عنوان مجزا پرداخته شده است. پژوهش حاضر صرفاً به بعضی از راهکارهای قرآنی و روایی در زمینه رونق اقتصادی اشاره داشته و از بعضی از راهکارها مغفول مانده یا چشم‌پوشی کرده است؛ بنابراین از این جهت محدود و ناقص به نظر می‌رسد و تفاوت آن با پژوهش حاضر آن است که در این پژوهش به دنبال بیان کامل راهکارهای قرآنی و روایی تولید انبوه و باکیفیت محصول هستیم که زیرمجموعه رونق اقتصادی محسوب می‌شود.

در مقاله "بررسی رونق تولید اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم" به قلم احسان غلامپور (۱۳۹۹) نویسنده پس از تأکید بر اهمیت تولید به بیان الزامات رونق تولید از دیدگاه قرآن پرداخته است؛ هرچند که نگارنده تلاش کرده است که دسته‌بندی خاصی ارائه دهد اما متأسفانه در این مهم ناکام مانده و خواننده با مطالعه این پژوهش متوجه نخواهد شد که وظایف و الزامات ارائه‌شده پژوهش متوجه کدام رکن تأثیرگذار در تولید (دولت، تولیدکننده، مردم) است.

هر یک از پژوهش‌های فوق و مشابه آن‌ها از زوایایی به این مسئله مهم پرداخته‌اند؛ اما متأسفانه پژوهش جامعی که به بیان دیدگاه‌های اسلام در این خصوص بپردازد و با ذکر آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) راهکارهایی در ارتباط با مسئله تولید محصولات باکیفیت و انبوه ارائه کند به چشم نمی‌خورد. لذا موضوع حاضر یک موضوع با پیشینه پژوهشی محدود است.



راهکارهای قرآنی و روایی تولید محصولات انبوه و کیفی

در آیات متعدد از قرآن کریم و همچنین روایات فراوان از معصومان (علیهم‌السلام) به راهکارهایی در جهت گسترش و رونق تولید محصولات باکیفیت اشاره شده است. در یک دسته‌بندی کلی راهکارهای ارائه‌شده در این منابع را می‌توان در سه سطح دولت، تولیدکنندگان و مردم تقسیم‌بندی کرد.

۱- دولت

در میان سه عامل برشمرده مؤثر در رونق تولید دولت در رأس این هرم قرار دارد. علت این امر آن است که دولت مؤثرترین نقش را در شکل‌گیری یک اقتصاد پویا در جامعه دارد و می‌تواند با عملکرد مطلوب یا نامطلوب خود تولید در یک جامعه را با رشد یا رکود مواجه کند. در منابع دینی مهم‌ترین وظایف دولت در جهت نیل به این هدف عبارت‌اند از:

۱-۱. پرهیز از وابستگی به بیگانگان و تلاش در جهت استقلال و اقتدار اقتصادی

یکی از مهم‌ترین وظایف همه مسلمانان تلاش در جهت دستیابی به استقلال و اقتدار اقتصادی و اجتناب از وابستگی به بیگانگان است؛ اما با توجه به اینکه دولت در جامعه اسلامی نقش هدایت‌گری و سیاست‌گذاری را بر عهده دارد در این میان بیشترین سهم متوجه اوست. در آیات متعددی از قرآن کریم اقتصاد مستقل، قدرتمند، نفوذناپذیر و در حال پیشرفت برای جامعه اسلامی تجویز شده است. منابع اسلامی نیز در یک دستور کلی از همه مسلمانان می‌خواهند که خود را از نظر اقتصادی، سیاسی، نظامی و... به‌اندازه‌ای قوی و توانمند سازند که دشمنان خداوند و آن‌ها به خود اجازه ندهند درصد ضربه زدن به مسلمانان برآیند و همواره در روابطشان با دیگر کشورها، از سیاستی پیروی کنند که زمینه برای دخالت بیگانگان در جامعه اسلامی در هیچ‌کدام از عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و... فراهم نشود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَكُنْ يَجْعَلُ

اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)؛ ((خداوند هرگز برای کافران نسبت به اهل

ایمان، راه سلطه و نفوذ قرار نمی‌دهد)). در تفسیر این آیه نظر علما و مفسران اسلامی نیز بیانگر آن است که یکی از راه‌های اصلی عدم تسلط کفار بر جامعه اسلامی، داشتن استقلال اقتصادی



است و به تعبیر امام خمینی (ره)، وابستگی اقتصادی، منشأ همه وابستگی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه است (صحیفه امام، ۱۳۸۹، ۱۰/۳۳۳).

بر اساس همین دستور قرآنی است که توجه به تولید و مصرف کالاهای داخلی، از اهمیت بسیاری برخوردار می‌شود؛ زیرا عدم توجه به بهبود و افزایش تولید به میزان نیازها و ضرورت‌های پیشرفت، زمینه احتیاج و دست‌دراز کردن به‌سوی بیگانگان را فراهم می‌کند و از رهگذر احتیاج، تسلیم به بیگانگان و در نتیجه سلطه و سیطره آن‌ها بر مقدرات مسلمانان تحقق می‌یابد؛

آن‌چنان‌که امیر مؤمنان علی (ع) نیز در این خصوص می‌فرماید: «اَحْتَجُّ اِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ اَسِيرَهُ» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ۱۲/۴۲۰)؛ ((به هر کس که خود را محتاج کنی اسیر او می‌گردد)).

همچنین در دستورات اسلامی از مسلمین خواسته‌شده که علاوه بر تلاش در جهت استقلال اقتصادی، تلاشی هم در جهت نیل به اقتدار اقتصادی داشته باشند. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...»

(انفال، ۶۰)؛ ((هر چه در توان دارید از نیرو و امکانات بسیج کنید تا به‌وسیله آن‌ها، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید)).

در تفاوت استقلال با اقتدار در زمینه اقتصادی می‌توان گفت که ممکن است کشوری از لحاظ اقتصادی مستقل باشد ولی مقتدر نباشد؛ یعنی بتواند بدون کمک دیگران به‌پای خود بایستد ولی نتواند حرف اول را در روابط اقتصادی با دیگران بزند. در این حالت آن کشور، استقلال دارد ولی اقتدار ندارد؛ بنابراین چنین کشوری نمی‌تواند در روابط اقتصادی با دیگران شرایط خود را به آن‌ها بقبولاند. بنابراین شرط دست‌یابی به اقتدار استقلال است و بدون آن هرگز نمی‌شود به اقتدار دست‌یافت؛ ولی اقتدار، شرط استقلال نیست بلکه اقتدار بالاتر از آن است؛ بنابراین رابطه مستقیم و دوسویه‌ای بین عدم وابستگی به بیگانگان و داشتن اقتصاد مستقل و مقتدر با رونق تولید وجود دارد؛ یعنی همان‌گونه که رونق تولید کیفی می‌تواند باعث عدم وابستگی و برپایی یک اقتصاد مستقل و مقتدر شود؛ استقلال و اقتدار اقتصادی نیز می‌تواند زمینه‌ساز گسترش و رونق تولید شود.

۲-۱. تقویت روحیه کار و نهی از تنبلی در جامعه

از دیگر وظایف دولت آن است که با فراهم آوردن امکان اشتغال و اتخاذ سیاست‌ها و تبلیغات مناسب در جامعه باعث ترویج و تقویت روحیه کار و نکوهش افراد بیکار شود. این راهکار به‌نوعی هم می‌تواند یک دستور به دولت اسلامی در جهت فراهم آوردن شرایط کار و هم دستوری برای همه مردم جامعه به‌منظور اجتناب از تنبلی و سستی باشد. حضرت امیر (ع) نیز در خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه یکی از وظایف اصلی دولت را تأمین رفاه زندگی همه مردم می‌شمارد که با ایجاد اشتغال و رونق دادن به کشت و کار و صنعت و تجارت و بالا بردن سطح درآمدها و ریشه‌کن ساختن بیکاری، میسر می‌شود. بدیهی است که یکی از مهم‌ترین شرایط برای دستیابی به تولید و سپس گسترش، رونق و کیفی کردن آن عامل انسانی است؛ یعنی چنانچه منابع الهی به‌صورت نامحدود در اختیار انسان باشد اما انسان هیچ حرکت و تلاشی در جهت بهره‌برداری از آن‌ها نکند یا موانعی مانع از انجام این بهره‌برداری شود این منابع نیز بی‌فایده می‌شوند.

در قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) نیز به این مهم توجه شده است. در قرآن کریم در ضمن بیان سرگذشت پیامبران به کار و شغل آن‌ها نیز اشاره شده است؛ به‌عنوان نمونه آیه ۲۷ سوره قصص به شبانی و کارگری حضرت شعیب (ع) و حضرت موسی (ع) اشاره کرده و آیه ۸۰ سوره انبیا شغل حضرت داود (ع) را زره‌سازی و آهنگری معرفی کرده است. نظیر همین مطلب در مورد همه پیامبران نیز صدق می‌کند. همچنین در آیات متعددی، قرآن کریم به همه انسان‌ها دستور به کار و تلاش می‌دهد از جمله در آیات: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم، ۳۹)؛ ((و اینکه برای انسان جز حاصل کوشش او نیست)) و «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مذثر، ۳۸)؛ ((هر نفسی در گرو عملی است که انجام داده است)).

در روایات اسلامی نیز بر کار و کوشش و پرهیز از تنبلی بسیار توجه شده است. به‌عنوان نمونه امام صادق (ع) می‌فرماید: ((شِرَاءُ الدَّقِيقِ يُنْشِي الْفَقْرَ وَ شِرَاءُ الْخُبْزِ مَحْقٌ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَبْقَاكَ اللَّهُ فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى شِرَاءِ الْحِنْطَةِ قَالَ ذَاكَ لِمَنْ يَقْدِرُ وَ لَا يَفْعَلُ)) (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/ ۱۶۷)؛ ((خرید گندم، فقر را دور می‌کند و خرید آرد، فقر می‌آورد و خرید نان (مایه) نابودی است. (راوی) گفتیم: فدایت شوم کسی که قادر به خرید گندم نیست، چه کند؟ فرمود: این برای کسی است که قادر



باشد و انجام ندهد)). در روایت دیگری در باب نهی از تنبلی و تأکید بر کار و تلاش امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: ((إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيُبْغِضَ الْعَبْدَ الْفَارِغَ)) (صدوق، ۱۴۱۳، ۳/۱۶۹)؛ ((خداوند بنده بیکار را مغبوض می‌دارد)).

بنابراین می‌توان گفت که در دستورات اسلامی رمز پیروزی در هر فعالیتی از جمله دستیابی به رونق تولید، کار و تلاش و پرهیز از تنبلی، سستی و بیکاری است؛ و هم دولت باید وظیفه خود را در این زمینه به‌خوبی انجام دهد و هم مردم از سستی و تنبلی بپرهیزند.

۳-۱. حمایت از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان

اساس و بنیان تولید و کار در جامعه را سرمایه تشکیل می‌دهد. بر این اساس رونق تولید محصولات باکیفیت و انبوه در یک کشور منوط به سرمایه‌گذاری تولیدکننده در یک فعالیت خاص اقتصادی است؛ بنابراین هم مردم و هم مسئولان مکلفاند به حمایت از تولیدکننده و سرمایه‌گذار بپردازند. هرچند که مردم با خرید کالای داخلی می‌توانند یک تولیدکننده را مورد حمایت خود قرار دهند اما بار اصلی مسئولیت در این زمینه بر دوش مسئولین و دولت است. از جمله مهم‌ترین اقداماتی که دولت در راستای حمایت از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان می‌تواند انجام دهد فرهنگ‌سازی سرمایه‌گذاری بر پایه ارزش‌های دینی و نهادینه کردن آن است؛ این بدان معناست که دولت با فراهم آوردن شرایط مناسب باعث شود که سرمایه‌گذار با هدف رفع نیازهای جوامع بشری و تولید کالاهای باکیفیت وارد عرصه سرمایه‌گذاری و تولید کالا شود.

این موضوع در سیره معصومین (علیهم‌السلام) هم مورد توجه قرار گرفته است؛ آن‌چنان‌که امام صادق (ع) ضمن واگذاری سرمایه خود به‌منظور تجارت به یکی از اصحابش به نام "عذافر" فرمود: ((أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ لِي رَغْبَةٌ فِي رِبْحِهَا وَإِنْ كَانَ الرِّبْحُ مَرْغُوبًا فِيهِ وَ لَكِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ يَرَانِيَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ مُتَعَرِّضًا لِفَوَائِدِهِ)) (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۷۶)؛ ((توجه کن که مرا هیچ رغبتی در سود آن نیست - هرچند که سود دادوستد مرغوب است - لیکن من از آن جهت درصدد انجام آن هستم که دوست دارم خداوند مرا درحالی که به دنبال فواید آن هستم ببیند)).

بر این اساس ضروری است که مسئولین امر، حمایت‌های لازم از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان را انجام دهند و چنین افرادی را که با سرمایه‌های خود اقتصاد و تولید یک جامعه را رونق

می‌بخشند و در واقع از مصادیق بارز ((یجاهدون باموالهم)) هستند همانند رزمندگان و مجاهدان میدان حق در برابر باطل موردتکریم قرار دهند.

۴-۱. استفاده بهینه از سرمایه و منابع طبیعی کشور

یکی دیگر از مهم‌ترین عواملی که باعث رونق تولید محصولات باکیفیت در جامعه می‌شود و به‌نوعی جزء وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود، استفاده بهینه و درست از منابع طبیعی کشور است. در این باره امام سجاد (ع) در دعایی می‌فرماید: ((وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَ فِيمَا حَوَّلْتَنِي وَ فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ)) (امام علی بن الحسین، ۱۳۷۶ / ۱۰۸)؛ ((خدایا به من توفیق بده تا نعمت‌ها و امکاناتی را که به من انعام کرده‌ای به گونه برکت‌زا به‌کار گیرم)).

در روایتی دیگر از امام سجاد (ع) در این باره می‌خوانیم: ((لَا زَوَالَ لِلنَّعْمَاءِ إِذَا شَكَرْتَ وَ لَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ)) (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۸ / ۵۵)؛ ((هرگاه از نعمت‌ها درست استفاده کنی پایان نمی‌پذیرند و اگر از آن‌ها نادرست بهره‌برداری کنی دوام نمی‌یابند)).

توجه به این نکته ضروری است که استفاده نامعقول از منابع اشکال مختلفی دارد که یکی از بارزترین نمونه‌های آن خام‌فروشی (فروش منابع طبیعی به‌صورت خام و اولیه) است. کشورهای قدرتمند و صاحب ثروت این منابع را با پرداخت مبلغ ناچیزی می‌خرند و پس از انجام تغییراتی با چند برابر قیمت اولیه خریداری شده به صاحبان اولیه می‌فروشند. در این میان می‌توان نقش کشورهای ثروتمند را به نقش دلالان ماهری تشبیه کرد که ثروت سرشار جهان سوم را می‌ربایند و سرانجام با فروش فرآورده‌های صنعتی به آنان همان مبلغ ناچیزی را که در قبال منابع طبیعی و نیروی کار به این کشورها داده‌اند از آن‌ها پس می‌گیرند (فراهانی فرد، ۱۳۷۸: ۵۰). این اقدام مصادق تسلط بیگانگان بر سرمایه‌های مسلمین است که خالق قهار در آیه ۱۴۱ سوره نساء به‌شدت آن را رد و نهی کرده است.

یکی دیگر از مصادیق استفاده غیرمنطقی از منابع، مصرف‌گرایی و حتی بدتر از آن تولید اشیای غیرضروری، مخرب و زیان‌آور است. بدیهی است که چنانچه منابع کشور از سوی مسئولین برای مصارف تولیدی غیرضروری مورد استفاده قرار گیرد باعث نابودی بیت‌المال می‌شود و از این جهت کشور با کمبود منابع مواجه می‌شود و این می‌تواند آفت رونق و شکوفایی تولید منطقی در یک کشور محسوب شود. در آموزه‌های دینی هم بر این مطلب تأکید شده آن‌چنان‌که بر اساس این



آموزه‌ها همه مسلمانان و به‌ویژه زمامداران در حفظ اموال و منابع عمومی و استفاده معقول و منطقی از آن‌ها مسئول هستند و می‌بایست از ضایع سازی و تدبیر نادرست در ارتباط با این اموال بپرهیزند. در این زمینه امام صادق (ع) می‌فرماید: ((مَنْ وَلِيَ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَضَيَعَهُمْ ضَيَعَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ)) (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۲ / ۳۴۵)؛ ((کسی که ولایت امری از امور مسلمانان را بر عهده بگیرد و کار ایشان را تباه گرداند خداوند بزرگ او را تباه می‌گرداند)).

۵-۱. برقراری امنیت اقتصادی

یکی دیگر از وظایف دولتمردان که رعایت آن باعث رشد و رونق تولید در یک کشور می‌شود تلاش در جهت برقراری امنیت اقتصادی برای تولیدکنندگان و شهروندان است. امنیت در لغت به معنای آرامش خاطر و نابودی خوف و بیم است (راغب، ۱۴۱۲ / ۹۰) در کلام معصومین (علیهم‌السلام) به‌شدت مورد تأکید و در مقابل آن ناامنی در جامعه شدیداً مورد نکوهش واقع شده است. امام علی (ع) در باب اهمیت امنیت می‌فرماید: ((شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقُطَّانُ)) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ / ۴۱۰)؛ ((بدترین وطن آن وطنی است که ساکنانش در آن امنیت ندارند)). بر اساس آموزه‌های اسلامی دولت اسلامی موظف است نهایت تلاش خود را جهت جلوگیری از پدید آمدن جو وحشت و هراس در جامعه به کار گیرد و با فراهم آوردن یک جو آرام و مطمئن شرایط رشد و رونق تولیدی و اقتصادی را پدید آورد. نظیر همین مطلب در کلام حضرت امیر (ع) نیز وجود دارد. ایشان در نامه خود به مالک اشتر، پس از سفارش‌هایی در رابطه با صنعت گران و بازرگانان تأکید می‌کنند که: ((ثُمَّ التَّجَارَ وَ ذَوِي الصِّنَاعَاتِ فَاسْتَوْصِ وَأَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا... فَاحْفَظْ حُرْمَتَهُمْ وَ أَمِنْ سَبْلَهُمْ وَ خُدْ لَهُمْ بِحَقُوقِهِمْ)) (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ / ۱۴۰)؛ ((در مورد بازرگانان و صاحبان صنایع سفارش مرا بپذیر و آن‌ها را سفارش به نیکوکاری کن... پاس بدار حرمت آن‌ها را و راه‌های فعالیت (کسب‌وکار) آن‌ها را امن گردان و در حفظ حقوق آن‌ها بکوش)).

یکی از مقدماتی‌ترین کارهای دولت در راستای برقراری امنیت در جامعه حضور گسترده و فعال نیروهای انتظامی است؛ آن‌چنان‌که با حضورشان یاریگر ستم دیدگان شوند و با اقداماتشان محیط عمومی جامعه را برای غارتگری، عیاشی و زورگویی ناامنی کنند. این سپاهیان همان کسانی هستند که در کلام حضرت امیر (ع) تحت عنوان ((دژ رعیت)) معرفی شده‌اند می‌فرماید: ((فَالْجُنُودُ يَأْذِنُ اللَّهُ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سَبِيلُ الْأَمْنِ وَ الْخَفْضُ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا

بِهِم)) (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ / ۱۳۱)؛ ((به فرمان خداوند سپاهیان دژهای استوار رعیت، مایه زینت حاکمان و عزت دین و (فراهم آورنده) امنیت در راه‌ها هستند و زندگی مردم جز با سپاهیان برپایی نیابد)).

بر اساس مجموع احادیث ذکر شده در باب اهمیت امنیت و ارتباط آن با تولید می‌توان جایگاه و تأثیرگذاری این مفهوم در جهت سرمایه‌گذاری و تولید انبوه و باکیفیت محصولات را به خوبی دریافت.

۶-۱. تربیت افراد متعهد و متخصص

نظام آموزشی کارآمد و تربیت نیروی انسانی متخصص یکی دیگر از عوامل مهمی است که باعث پیشرفت کشور در همه زمینه‌ها از جمله تولید می‌شود. در اهمیت این موضوع پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: ((مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ)) (کلینی، ۱۴۰۷، ۱ / ۴۴)؛ ((هرکسی بدون علم دست به انجام کاری بزند بیش از آن که آن کار را آباد سازد خرابش می‌کند)). خالق متعال نیز در محکم خود ضمن بیان داستان حضرت یوسف (ع) از قول این پیامبر بزرگ که فرمود: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ» (یوسف، ۵۵)؛ ((یوسف گفت: مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده که نگهدارنده و آگاهم)) به اهمیت و تقدم داشتن مهارت و شناخت بر عمل تأکید و تصریح می‌کند.

بر اساس این آیه و روایات متعدد در منابع اسلامی جامعه‌ای که به دنبال پیشرفت اقتصادی و به تبع آن تولید انبوه محصولات باکیفیت است، مکلف است افرادی را که فاقد تخصص‌های لازم از نظر فکری و فنی و همچنین تدبیر لازم به منظور پیشبرد امور نیستند را کنار گذاشته و از افراد متخصص و لایق استفاده کند. آن چنان که حضرت امیر (ع) در زمینه فن حکومت‌داری در نامه‌ای به مالک اشتر فرمودند: ((قَوْلٍ مِنْ جُنُودِكَ... أَجْمَعَهُمْ عِلْمًا وَ سِيَّاسَةً)) (شریف رضی، ۱۴۱۴ / ۴۳۲)؛ ((مسئولیت را به کسانی واگذار که دارای مهارت علمی و توانا در امر سیاست‌گذاری باشند)). اهمیت تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص به اندازه‌ای است که امام صادق (ع) کوتاهی در این زمینه و عدم بهره‌گیری از افراد متخصص را باعث نابودی اسلام و مسلمانان می‌داند و می‌فرماید: ((فَإِنْ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَ فَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تُصَيِّرَ الْأَمْوَالَ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا



الْحَقَّ وَ لَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفُ)) (کلینی، ۱۴۰۷، ۴ / ۲۵)؛ ((از عوامل نابودی مسلمانان و اسلام آن است که اموال در دست کسانی قرار گیرد که حق مال (و مال داری و توان اقتصادی) را ندانند و اموال را در راه خیر به مصرف نرسانند)).

۷-۱. واگذاری کارهای تولیدی به بخش خصوصی (مردم)

از دیگر عوامل مهمی که در یک کشور می‌تواند باعث رشد و رونق تولید شود و انگیزه لازم برای بالا بردن کیفیت محصولات تولیدی را فراهم آورد، واگذاری کارهای تولیدی از سوی دولت به مردم است. واگذاری کارهای تولیدی به مردم از یک سو باعث کاهش هزینه‌های تولید و از سوی دیگر باعث افزایش کارایی و بهره‌وری تولید می‌شود؛ بنابراین دولت مکلف است به‌جز در مواردی که نیاز به سرمایه فراوان دارد و از توانایی‌های بخش خصوصی خارج است و یا رعایت مصالح امنیتی و ملی دخالت دولت در اقتصاد را مستقیماً ایجاب می‌کند، در سایر موارد کارهای تولیدی را به بخش خصوصی واگذار کند و خود صرفاً نقش نظارتی داشته باشد؛ یعنی با حمایت‌های عملی و قانونی خود موانع تولید و سرمایه‌گذاری را رفع و سرمایه‌های مردم (بخش خصوصی) را در جهت رونق تولید به کارگیرد (خلیلیان، ۱۳۹۰ / ۱۱۷).

از مجموع سیره عملی پیامبر گرامی اسلام (ص) و معصومین (علیهم‌السلام) چنین برمی‌آید که آن بزرگواران در جایگاه حاکمان واقعی اسلامی در مواردی که اقدامات شخص یا اشخاصی باعث وارد آمدن ضرر و زیان به دیگران یا جامعه اسلامی می‌شد یا باعث ترویج فساد و فحشا یا باعث کمبود کالاها به‌ویژه کالاهای اساسی در جامعه می‌شد سریعاً دخالت می‌کردند و فساد را از ریشه قطع می‌کردند. حضرت امیر در بیان سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: ((أَنَّهُ مَرَّ بِالْمُحْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ تُخْرَجَ إِلَى بَطُونِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ تَنْظَرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا)) (طوسی، ۱۳۹۰، ۳ / ۱۱۵)؛ ((پیامبر خداوند (ص) از محتکرین گذشت و فرمان داد اموال احتکاری را به بازار آورند و آن‌ها را در مقابل چشم مردم قرار دهند)). در غیر از این موارد فعالیت‌های اقتصادی را به بخش خصوصی (مردم) واگذار می‌کردند. گذشته از این مطلب بسیاری از احکام اسلامی بستر ساز گسترش فعالیت و مشارکت بخش خصوصی است؛ به‌عنوان نمونه باینکه اراضی بلااستفاده (موات) و معادن، انفال محسوب می‌شوند و در اختیار حاکم اسلامی است اما تاریخ بیانگر آن است که سیره پیامبر (ص) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) بر این بنا استوار بود که احیای

زمین‌های موات و بهره‌برداری از معادن را به خود مردم واگذار می‌کردند و در این زمینه حکومت اسلامی صرفاً نقش نظارتی و هدایتی داشته است. روایت امام باقر (ع) اثبات مدعی ما است آن‌چنان‌که می‌فرماید: ((أَيُّمَا قَوْمٍ أَحْيَا شَيْئًا مِنَ الْأَرْضِ وَ عَمَرُوهَا فَهَمُّ أَحَقُّ بِهَا وَ هِيَ لَهُمْ)) (طوسی، ۱۴۰۷، ۷ / ۱۵۲)؛ ((هر گروهی از مردم که به آبادسازی زمینی بپردازند به آن حق اولویت دارند و آن زمین مال آن‌هاست)).

۸-۱. نظارت بر تولید

یکی دیگر از وظایف اصلی دولت که رعایت آن باعث گسترش و رونق تولید می‌شود و از تولید محصولات بی‌کیفیت جلوگیری می‌شود، نظارت بر فرآیند تولید است. بر این اساس دولت مکلف است که مانع تولید کالاهایی شود که برای عموم جامعه نفعی ندارد و یا آن کالاهایی که تولیدش باعث ضربه زدن به قوام و مصالح مسلمین و جامعه اسلامی می‌شود مانند تولید مشروبات الکلی و یا ساخت اسباب و آلات لهو و لعب. بر اساس دستورات دینی نه تنها تولید این قبیل محصولات بلکه هر کالایی که صورت تجمل‌گرایی و اشرافی دارد باید از سوی دولت ممنوع شود؛ زیرا هرگاه منابع کشور در زمینه ساخت این قبیل از محصولات که مقدار زیادی از مواد اولیه را می‌طلبند صرف شود منابع برای ساخت کالاهای ضروری محدود می‌شود و یا قیمت آن‌ها بالا می‌رود و در نتیجه پس از نابرابری حاصله در اثر ساخت این کالاها و گسترش فقر عمومی در میان طبقه متوسط اقتصاد کشور تضعیف و در نتیجه تولید رونق خود را از دست می‌دهد. در این زمینه امام صادق (ع) می‌فرماید: ((مَا يَتَعَلَّمُ الْعِبَادُ أَوْ يَعْلَمُونَ غَيْرَهُمْ مِنْ أَصْنَافِ الصَّنَاعَاتِ مِثْلَ الْكِتَابَةِ وَالْحِسَابِ وَالتَّجَارَةِ وَ الصِّيَاغَةِ... وَ أَنْوَاعِ صُنُوفِ الْأَلَاتِ الَّتِي يَحْتَاجُ إِلَيْهَا الْعِبَادُ مِنْهَا مَنَافِعَهُمْ وَ بِهَا قَوَامُهُمْ وَ فِيهَا بُلْغَةُ جَمِيعِ حَوَائِجِهِمْ فَحَلَالُ فِعْلِهِ وَ تَعْلِيمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ فِيهِ لِنَفْسِهِ أَوْ لِغَيْرِهِ...)) (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷ / ۸۵)؛ ((... همه صنعت‌هایی که مردمان یاد می‌گیرند و یا یاد می‌دهند، مانند تحریر و محاسبه و تجارت و زرگری و... و (ساخت) انواع آلات مختلفی که مردمان به آن‌ها نیاز دارند و از آن‌ها سود می‌برند و مایه قوام زندگی و وسیله‌ای برای دست یافتن به همه نیازمندی‌های دیگر است؛ پرداختن به کار با همگی این‌ها و تعلیم دادن آن‌ها - چه برای خود و چه برای دیگران حلال است)). بر اساس این حدیث، معیارهای تولید کالا و



خدمات در جامعه اسلامی عبارت‌اند از: اصل احتیاج عمومی، اصل سودمندی عمومی، اصل حفظ قوام زندگی اجتماعی و اصل پاسخگویی به نیازمندی‌های عمومی.

۹-۱. کنترل واردات کالا

یکی از عوامل مهمی که رعایت آن از سوی دولت باعث گسترش و رونق تولید می‌شود و به تبع شکوفایی اقتصادی را به دنبال دارد، اتخاذ سیاست‌های مناسب و منطقی در خصوص واردات کالا است. در این زمینه دولت اسلامی مکلف است این سیاست‌گذاری را بر اساس اصول مأخوذ از روایت امام صادق (ع) که پیش‌تر اشاره کردیم (احتیاج عمومی، سودمندی عمومی، حفظ قوام زندگی اجتماعی و پاسخگویی به نیازمندی‌های عامه جامعه) تنظیم کند چه اینکه اصول یادشده صرفاً مربوط حوزه تولید کالا و خدمات نیست و واردات را نیز می‌تواند در برگیرد.

بنابراین دولت اسلامی بر اساس دستورات صریح منابع دینی مکلف است که صرفاً اجازه واردات کالاهایی را بدهد که امکان تولید آن‌ها در داخل وجود ندارد. علت این امر آن است که واردات بی‌رویه و غیرمعقول باعث تضعیف اقتصاد داخلی و به تبع آن تعطیلی واحدهای تولیدی در یک کشور می‌شود. از سوی دیگر توجه به این نکته هم ضروری است که واردات غیرمعقول و بی‌رویه باعث ورود فرهنگ بیگانه و مصرفی به کشور هم خواهد شد. این مطلب بدین معنی است که با واردات بی‌رویه جامعه هم نیازی در خود برای تولید این قبیل کالاها نمی‌بیند و نبود نیاز باعث آن می‌شود که تلاشی هم در جهت تولید یا بالا بردن کیفیت محصولات خود به کار نگیرد (ذاکری، ۱۳۸۱/۶۸). در اینجا است که دولت می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های راهبردی از پیامدهای منفی این موضوع بر اقتصاد داخلی کشور جلوگیری کند.

۲- تولیدکننده‌ها

دومین عامل مهم و تأثیرگذار در زمینه تولید محصولات انبوه و باکیفیت که در منابع اسلامی بر آن تأکید شده، تولیدکنندگان هستند. آن‌چنان‌که کیفیت و کمیت تولید در یک جامعه تا حد زیادی بستگی به عملکرد آن‌ها دارد. در ادامه به مهم‌ترین وظایف تولیدکنندگان در زمینه رونق تولید پرداخته می‌شود.



۲-۱. پرهیز از فریب (غش) در معامله

نهی از فریب در معاملات یکی از مهم‌ترین دستورات دینی در رابطه با تجار و تولیدکنندگان است. واژه ((غش)) در لغت به معنای فریب دادن، سخن گفتن برخلاف باطن و نامناسب را سودمند و مناسب نشان دادن است (بستانی، ۱۳۷۵ / ۶۴۱). در منابع اسلامی افراد متخلق به این صفت خارج از گروه مسلمانان معرفی شده‌اند؛ آن‌چنان‌که پیامبر گرامی اسلامی خطاب به مرد خرمافروشی که هدفش فریب مسلمانان بود می‌فرماید: ((أَمَّا عَلِمْتَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ غَشَّهُمْ)) (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۷ / ۴۶۶)؛ ((مگر نمی‌دانی که هر کس که مسلمانان را فریب دهد از آنان نیست)). در منابع دینی فریب در معاملات انواع مختلفی دارد که عبارت‌انداز:

۲-۱-۱. ارائه کالاهای تقلبی به مردم

در منابع اسلامی، ارائه کالای تقلبی به جای کالای اصل یا ترکیب جنس نامرغوب و ارزان با جنس مرغوب و گران آن‌چنان‌که از هم قابل تفکیک نباشند از مصادیق غش (فریب) در معامله است و به شدت محکوم شده است. امام صادق (ع) در پاسخ به سؤالی در مورد ترکیب خوراک مرغوب با نامرغوب می‌فرماید: ((فَقَالَ هُوَ غِشٌّ وَ كَرِهٌ)) (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ۲ / ۲۸)؛ ((آن غش "فریب" است و ناپسند است)).

بر اساس دستورات صریح اسلامی تولیدکنندگان مکلف‌اند که ضمن بالا بردن کیفیت کالا و خدمات خود از فریب و خدعه در دادوستد خودداری کنند. اهمیت این موضوع برای بازار اسلامی دوچندان است و علت آن است که چنانچه تولیدکنندگان به این عمل ناپسند مبادرت ورزند علاوه بر از بین بردن فضای معنوی در جامعه اسلامی و اعتماد مردم در سطح ملی در سطح جهانی نیز پیامدهای بسیار منفی برای اقتصاد کشورشان حاصل می‌کنند و یک جو بی‌اعتمادی نسبت به کالاهای آن کشور در سطح جهانی حاصل می‌شود که در هر دو وجه تولید با کاهش مواجه می‌شود.

۲-۱-۲. تبلیغات دروغ

در لغت واژه تبلیغ به معنای پیام‌رسانی است و در اصطلاح به‌نوعی از رساندن پیام که هدف و منظور آن اثرگذاری در نفس پیام‌گیرنده است تعریف شده است (حسینی، ۱۳۸۸ / ۱۷۶). متأسفانه در جهان امروز شاهد این مطلب هستیم که تبلیغات برای کالاهای تجاری و تولیدی با هدف



جذب حداکثری خریدار توأم با تعریفات و تبلیغات دروغین شده است. بدیهی است که این شیوه تبلیغ مخالف با آموزه‌های اسلامی است. در دستورات دینی هرگونه تبلیغی که ارزش یک کالا یا خدمت را فراتر از آنچه هست نشان بدهد نکوهش شده است. روایت امام صادق (ع) در این زمینه نشان صدق مدعای ماست؛ آن‌چنان که حضرت در روایتی به رعایت پنج ویژگی در هنگام دادوستد تأکید کرده است و یکی از آن‌ها عدم ستایش کالا (تبلیغات دروغین) در زمان فروش است (صدق، ۱۳۶۲، ۱/ ۲۸۶).

توجه به این نکته نیز ضروری است که در آموزه‌های دینی تبلیغات نه تنها نهی شده بلکه در جهت رونق تولید مسلمین بر آن تأکید شده است. بر اساس آموزه‌های دینی تبلیغات درستی که باعث رونق اقتصادی و تولیدی در یک جامعه می‌شود دارای ویژگی‌هایی است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: معرفی ویژگی‌های حقیقی کالاها و پرهیز از ادعاهای دروغ و گزاف، اطلاع‌رسانی در مورد ضررها و عوارض جانبی احتمالی، معرفی عیب‌های یک کالا و به حداقل رساندن جنبه‌های منفی و بدآموز تبلیغ (عیوضلو، ۱۳۸۷/ ۱۸۱).

بر این اساس تولیدکنندگان مکلف‌اند تا با پرهیز از تبلیغات دروغین در خصوص تولیدات خود، اعتماد مصرف‌کنندگان را جلب کنند و بدیهی است که چنانچه اعتماد مصرف‌کننده در خصوص کالایی جلب شود باعث افزایش تولید با بالا رفتن میزان مصرف آن کالا خواهد شد.

۳-۱-۲. کم‌فروشی

یکی از بارزترین مصادیق غش (فریب) در معاملات کم‌فروشی است. در اهمیت این موضوع همین بس که خداوند متعال در قرآن کریم یک سوره را به مسئله کم‌فروشی اختصاص داده و به نکوهش کار زشت متخلفین به این صفت پرداخته است می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ» (مطففین، ۱-۶)؛ ((وای بر کم‌فروشان. آنان که چون از مردم کالایی را با پیمانانه و وزن می‌ستانند، تمام و کامل می‌ستانند و چون برای آنان پیمانانه و وزن کنند، کم می‌دهند. آیا اینان یقین ندارند که حتماً برانگیخته می‌شوند؟)).

هرچند که آیه تصریح بر کم گذاشتن در ترازو و پیمانه دارد اما می‌تواند مفهوم وسیع‌تری را نیز داشته باشد و کم‌فروشی در معاملات و کم‌کاری در ساعات کاری و ارائه خدمات یا حتی کاستن از مواد یا کیفیت کالاهای تولیدی را نیز در برگیرد. علاوه بر قرآن در روایات هم کم‌فروشی به‌عنوان یکی از گناهان بزرگ معرفی شده است که علاوه بر عقاب اخروی، کیفرهای دنیوی را نیز به دنبال دارد. چنانکه پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: ((وَإِذَا طَفَّفُوا الْمِكْيَالَ أَخَذَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ)) (کراچی، ۱۳۹۴ / ۶۶)؛ ((هر زمان مردمانی در پیمانه کم گذارند خداوند آن‌ها را به تنگ‌سالی و نقص (کمبود) دچار می‌سازد)).

۲-۲. اجتناب از گران‌فروشی

به دست آوردن سود و درآمدزایی یکی از مهم‌ترین اهداف معامله و دادوستد محسوب می‌شود. نرخ سود باید بر پایه هزینه‌ها و تأمین منافع تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان تعیین شود و این بدان معناست که به هیچ‌کدام از این گروه‌ها ستم نشود. حضرت امیر (ع) در این رابطه می‌فرماید: ((وَلْيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تَجْحَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُتَبَاعِ)) (نوری، ۱۴۰۸، ۱۳ / ۱۶۷)؛ ((خرید و فروش باید آسان و بر اساس میزان عدل و با نرخ‌هایی که نه به زیان فروشنده و نه به زیان خریدار است انجام پذیرد))؛ بنابراین بر اساس آموزه‌های دینی ملاک معاملات ستم نکردن است و چنانچه در معامله‌ای مقدار سود ستم به فروشنده یا خریدار باشد مصداق ((اکل مال به باطل^۱)) در آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (نساء، ۲۹) به شمار می‌آید و این کار ممنوع است. خداوند در ادامه این آیه برای روشن‌گری بیشتر یک استثنا یعنی (لزوم رضایت طرفین معامله) آورده است. توجه به این نکته می‌تواند در فهم بهتر آیه به ما کمک کند که خداوند در ادامه آیه بر رضایت طرفین معامله تأکید کرده است و در این حالت گران‌فروشی را مجاز کرده است درحالی‌که در معامله‌هایی که تنها یک‌طرف سود می‌برد غالباً رضایت دو طرف حاصل نمی‌شود مگر در حالت اضطرار.

^۱ در دستورات اسلامی هرگونه تصرف در اموال دیگران که بدون حق و بدون کسب مجوزهای منطقی انجام شود ممنوع شده است و همه تحت عنوان کلی ((باطل)) قرار می‌گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳ / ۳۵۵).



بنابراین جامعه‌ای که به دنبال رونق تولید و شکوفایی اقتصادی خود است تولیدکنندگان آن بر اساس دستورات دینی مکلفاند که سود منطقی را در تولیدات خود لحاظ کنند و از گران‌فروشی کالاها اجتناب کنند. در غیر این صورت مصرف‌کنندگان با مشاهده اجناس وارداتی ارزان‌تر تمایل به خرید آن‌ها پیدا می‌کنند که این برای تولید یک کشور بسیار خطرناک است.

۳- مردم

سومین عامل مهم و تأثیرگذار بر رونق اقتصادی و تولید یک کشور مردمان آن کشور است. آن‌ها می‌توانند با اقداماتی که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم باعث شکوفایی اقتصادی شوند و به تبع آن پشتوانه محکمی را برای رونق تولید و افزایش انگیزه تولیدکنندگان به بالا بردن کیفیت محصولات خود فراهم آورند. مهم‌ترین این اقدامات عبارت است از:

۱-۳. اولویت دادن به استفاده از کالاهای تولید داخل

در جامعه اسلامی افراد می‌توانند با اولویت دادن به خرید و مصرف کالاهای داخلی نسبت به کالاهای تولیدی خارجی، سهم مهمی در رونق تولید یک کشور و به تبع آن ارتقاء کیفیت محصولات ایفا کنند. کشورهای پیشرفته اقتصادی همواره نهایت تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا با استفاده از فناوری‌های پیشرفته بر جذابیت کالاهای خود به‌منظور جذب مشتری بیشتر بیفزایند؛ بنابراین به ایجاد نیازهای کاذب برای خرید و مصرف کالا در بین مردم همت می‌گذارند (خلیلیان، ۱۳۹۰ / ۳۱۷). در این میان سطح رشد فرهنگی و آگاهی مصرف‌کنندگان کشورهای دیگر است که منافع ملی آن‌ها را رقم می‌زند؛ چنانچه مصرف‌کنندگان جامعه اسلامی بدانند که ورود کالاهای خارجی به‌نوعی از مصادیق تسلط کفار و دشمنان اسلام بر بازار و سرمایه‌های مسلمین است و خالق آن‌ها نیز در آیه ۱۴۱ سوره نساء هرگونه تسلط کفار را بر مسلمین رد کرده است و بر اساس این دستور از خرید کالاهای خارجی ممانعت کنند و از تولیدات داخلی استفاده کنند تولید شکوفا خواهد شد.

۲-۳. مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه

از مهم‌ترین اقدامات مردم که می‌توان آن را در جهت حمایت از تولیدات در جامعه اسلامی دانست تلاش و مشارکت در جهت گسترش فعالیت‌های عام‌المنفعه است. از جمله مصادیق کارهای عام‌المنفعه می‌توان به ساخت مسجد، مدرسه، پل و جاده یا حفر قنوات و مانند آن و

وقف درآمد آن‌ها برای فقرا و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های فرهنگی اشاره کرد (حسینی، ۱۳۸۸/۱۶۲).

این نوع از مشارکت را در سیره همه معصومین (علیهم‌السلام) نیز شاهد هستیم و همواره مردم را نیز به آن دعوت می‌کردند؛ به‌عنوان نمونه در وصف حضرت امیر (ع) آمده است که ایشان هزار برده را با درآمد خود آزاد کردند، صد هزار درخت خرما وقف کردند و در راه مکه و مدینه چندین حلقه چاه حفر کردند و در مدینه مسجد فتح را ساختند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۱/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۲-۳۳/۴۱). بدیهی است که مشارکت مردم جامعه در این قبیل فعالیت‌ها زمینه را برای اشتغال فراهم کرده و باعث شکوفایی اقتصاد آن‌ها می‌شود و شکوفایی اقتصادی هم به‌صورت مستقیم باعث رونق تولید خواهد شد.

۳-۳. صبر و مقاومت در برابر مشکلات اقتصادی

در فرهنگ دینی صبر و مقاومت در برابر مشکلات به‌عنوان کلید دست‌یابی به رشد و سعادت معرفی شده است. در آیات متعددی از قرآن کریم به این موضوع اشاره شده است از جمله آیه ۶ سوره شرح می‌فرماید: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ ((آری مسلماً با هر سختی آسانی است)). صبر عبارت است از آن حالتی که فرد در برابر مشکلات و ناملازمات پیش‌آمده برای وی شکایت و اظهار نارضایتی نکند. در تعریف صبر اقتصادی نیز می‌توان عنوان داشت که عبارت است از عدم تسلیم و عدم شیفتگی در برابر کالاهای تولیدی جذاب دشمنان و کالاهای لوکس و تجملی. مؤید این تعریف روایت حضرت علی (ع) است که در آن نوع از صبر به‌عنوان بالاترین صبر معرفی شده است. حضرت می‌فرماید: ((أَفْضَلُ الصَّبْرِ الصَّبْرُ عَنِ الْمَحْبُوبِ)) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰/۱۹۵)؛ ((والاثرین صبرها آن صبری است که آدمی در برابر آنچه جذاب و موردعلاقه وی است به کار می‌گیرد)).

بنابراین بر طبق دستورات دینی مردمانی که به دنبال پیشرفت اقتصادی، رونق تولید و بالا بردن کیفیت محصولات خود هستند می‌بایست در برابر مشکلات اقتصادی صبر پیشه کنند چراکه این کار باعث شکوفایی استعدادها و زمینه‌سازی برای استفاده بهتر از منابع در فرآیند تولید از طریق تزریق روحیه امیدواری به جامعه می‌شود.

۴-۳. رعایت قوانین مصوب حکومت

بر اساس دستورات دینی مردم در جامعه اسلامی مکلفاند علاوه بر تمکین از قوانین الهی، از قوانین حکومت اسلامی که بر اساس مصالح اسلام و مسلمین وضع شده است نیز تبعیت کنند. خداوند متعال در قرآن کریم به صراحت این مطلب را مطرح کرده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹)؛ ((ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و پیامبر و اولیای امر خود را اطاعت کنید)).

بر این اساس چنانچه حکومت اسلامی با در نظر گرفتن مصالح مسلمانان حکم بر انجام یا عدم انجام فعلی در زمینه تولید، توزیع و مصرف صادر کند و از مردم رعایت این حکم را مطالبه کند مردم مکلف به اطاعت هستند؛ به عنوان نمونه چنانچه حاکم اسلامی بر اساس شرایط اقتصادی جامعه حکم کند که مصرف یک نوع از کالای خارجی ممنوع است مردم مکلف به عدم خرید این نوع از کالای خاص می‌باشند. در تاریخ مصداق این موضوع، فتوای تحریم تنباکو توسط مرجع تقلید وقت میرزای شیرازی و حمایت مردم از این فتوا است (مطهری، ۱۳۷۵، ۳/ ۴۷۷).



نتیجه

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که:

۱. در قرآن، روایات و سیره پیامبران و معصومین (علیهم‌السلام) راهکارهایی در جهت رونق تولید و بالا بردن کیفیت محصولات در جامعه اسلامی ارائه شده است که همه این راهکارها دارای جنبه عملیاتی در هر عصر و زمانی می‌باشند.
۲. از دیدگاه قرآن و روایات شرط دستیابی به شکوفایی اقتصادی و رونق تولید آن است که همه طبقات یک جامعه به وظایف خود عمل کنند؛ بنابراین در این منابع برای همه طبقات جامعه که عبارت‌اند از دولت، تولیدکنندگان و مردم دستورالعمل‌هایی ارائه شده است.
۳. وظایف دولت جهت رونق تولید و بالا بردن کیفیت محصولات بر اساس رهنمودهای این منابع عبارت است از: تلاش در جهت استقلال و اقتدار اقتصادی و عدم وابستگی به بیگانگان، تقویت روحیه کار و نهی از تنبلی در جامعه، حمایت از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان، استفاده بهینه از سرمایه و منابع طبیعی کشور، برقراری امنیت اقتصادی، تربیت نیروی متخصص، واگذاری فعالیت‌های تولیدی به بخش خصوصی و نظارت بر تولید و کنترل واردات کالاها. همچنین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که سهم و نقش دولت در تحقق رونق تولید نسبت به دو عامل دیگر برجسته‌تر است.
۴. وظایف تولیدکنندگان جهت رونق تولید و کیفی سازی محصولات بر اساس رهنمودهای این منابع عبارت است از: اجتناب از فریب و غش در معاملات و پرهیز از گران‌فروشی.
۵. وظایف مردم جهت رونق تولید بر اساس رهنمودهای این منابع عبارت است از: ترجیح استفاده از کالاهای ساخت تولید داخلی، مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه، صبر و مقاومت در برابر مشکلات اقتصادی و رعایت قوانین مصوب حکومتی.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه.
۲. ابن شهر آشوب سروری مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، المناقب، قم، انتشارات علامه.
۳. امام علی بن الحسین (ع)، ۱۳۷۶ ش، صحیفه سجادیه، قم، دفتر نشر الیهادی.
۴. بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۵ ش، فرهنگ ابجدی، تهران، انتشارات اسلامی.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الإسلامی.
۶. تمیمی مغربی، ابو حنیفه قاضی نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ ق، دعائم الاسلام، قم، مؤسسه آل البيت.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
۸. حسینی، رضا، ۱۳۸۸ ش، الگوی تخصیص در آمد و نظر به رفتار مصرف کننده مسلمان، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. خلیلیان، محمد جمال، ۱۳۹۰ ش، شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه امام خمینی.
۱۰. ذاکری شاندیز، مجتبی، ۱۳۸۱ ش، علل ناتوانی ما در اقتصاد و صنعت، تهران، انتشارات غدیر.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، دمشق و بیروت، دار العلم - الدار الشامیه.
۱۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ ق، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم، هجرت.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۶۲ ش، الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۳ ق، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۹۰ ق، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ ق، تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

۱۷. عیوضلو، حسین، ۱۳۸۷ ش، قرآن و اقتصاد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. فراهانی فرد، سعید، ۱۳۷۸ ش، نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۴۰۶ ق، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المومنین علی (ع).
۲۰. کراچکی، محمد بن علی، ۱۳۹۴ ق، معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، تهران، المكتبة المرتضویة.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیة.
۲۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵ ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۲۵. موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۸۹ ش، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۲۶. نوری، میرزا حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت.

آسیب‌شناسی نهادهای آموزشی در تربیت نوجوانان از منظر احادیث

سید حسین نقوی*

چکیده

در عصر کنونی، تهاجم فرهنگی غرب قشر نوجوان را هدف قرار داده و با تبلیغات گمراه‌کننده، استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی موجبات دوری و جدایی این قشر را از فرهنگ اسلامی فراهم می‌آورند. از سوی دیگر عدم اطلاع و آگاهی لازم والدین و مربیان و نهادهای آموزشی بر روش‌های صحیح تربیت، موجب گشته تا همچنان شاهد عدم موفقیت‌ها و چالش‌های متعددی در تربیت نوجوانان باشیم، با توجه به اینکه نظرات تربیتی معصومین (ع) در جهت شناسایی و رفع آسیب‌های موجود در روند تربیت نوجوانان راهگشاست. این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری کتابخانه‌ای از منظر احادیث، نهادهای آموزشی در تربیت نوجوانان را آسیب‌شناسی کرده است، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از جمله آسیب‌های تربیت در نهاد خانواده عبارت‌اند از بی‌توجهی به ادب و دانش‌آموزی، تنبیه، عدم رعایت عدالت بین فرزندان، عدم بردباری و بی‌توجهی به عنصر زمان و آموزه‌های دینی در خانواده؛ همچنین آسیب‌های تربیتی در نهاد مدرسه عبارت بودند از عدم تربیت دینی صحیح مربی، انحراف در محتوای معارف، استفاده نکردن از روش‌های فعال و پویا، معلمان ناکارآمد و عدم توجه به تفاوت‌های فردی.

واژگان کلیدی: آسیب، تربیت، نوجوانان، نهادهای آموزشی، نهاد خانواده، نهاد مدرسه

مقدمه

در نوجوانی تغییرات مهمی در فرد به وجود می‌آید که باعث دگرگونی شخصیت وی می‌شود. نوجوانی را می‌توان دروازه ورود به بزرگسالی نامید. در این دوران، رشد بدنی، رشد جنسی و رشد شناختی به حد مطلوبی می‌رسد که با استفاده از آن نوجوان می‌تواند به کمالات بعدی دست یابد. نوجوان دیدگاهی متفاوت با آنچه در کودکی از خویش داشت، به دست می‌آورد. در نوجوانی ممکن بود خود را خوب یا بد بیابد؛ اما اکنون به‌عنوان یک جوان خود را به تفصیل بیشتری درک می‌کند. دوران کودکی را تحت عنوان شبیه به همسالانش توصیف می‌کند اما در نوجوانی خود را از دیگر همسالانش جدا می‌سازد و برای خود یک شخصیت قائل می‌شود.

نوجوان خود را در بین دو مرحله رشد می‌بیند در مرحله اول که کودکی بود و آن گذشت و در مرحله جوانی؛ یعنی بزرگ‌ترها که خود را در آن گروه نمی‌یابد در این دوران که هنوز نوجوان است و به کمال نرسیده است نیازمند است که والدین و مربیان او را آموزش بدهند و راهنمایی بکنند. نوجوان معمولاً از فرمان آنان اطاعت می‌نماید. این دوره، دوره تأدیبات اوست و مربیان باید به تربیت و تعلیم او پردازند و او را در جهت اهداف آموزش و تربیتی این دوره به کار گیرند. لذا از ابتدای این دوره است که آموزش رسمی آغاز می‌شود «عن ابی عبد الله ... و يتعلم الكتاب سبع سنين» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۴۷)

۱. آسیب‌شناسی در لغت

آسیب در لغت به معانی ذیل آمده است:

۱ زخم، صدمه ۲ - رنج ۳ - آفت، بلا. ۴ - آزار ۵ - زیان، ضرر (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه آسیب)
آسیب‌شناسی یا پاتولوژی T Pathology شاخه‌ای از علم پزشکی است که در خصوص تأثیر بیماریها و آسیبها در سطح بافتی و سلولی بحث می‌کند و شامل مطالعه فرایند بیماری در یک اندام یا تمامی بدن برای شناخت ماهیت و علت‌های آن است. در شرایط عملی آسیب‌شناسان با بافت‌برداری از مناطق آسیب‌دیده یا بررسی بافت‌های ارسال شده توسط پزشکان به تشخیص عامل بیماری‌زا کمک می‌کنند.

آسیب‌شناسی امروزه از تخصص‌های رشته پزشکی است و به‌قدری گسترده شده است که در حوزه‌های دیگر علم نیز مصطلح شده است؛ مانند آسیب‌شناسی فرهنگی (<http://fa.wikipedia.org>).



اما بحث آسیب‌شناسی در همه رشته‌های علوم اعم از کاربردی، پایه، تجربی، طبیعی و انسانی به کار گرفته شده و به تبع آن در ادبیات دینی نیز بیش از یک سده است که مورد توجه اصلاح‌طلبان مسلمان قرار گرفته است. (اسفندیاری، ۱۳۸۴، ص ۷)

آسیب‌شناسی در زمینه مسائل روان‌شناختی، تربیتی و یا فرهنگی اصولاً به مطالعه و بررسی دقیق عوامل زمینه‌ساز، پدیدآورنده و یا ثبات‌بخش روانی فیزیولوژیکی، بیولوژیکی، تربیتی و فرهنگی آفات و آسیب‌های موجود در آن زمینه می‌پردازد. مثلاً آسیب‌شناسی در علم پزشکی به بررسی بافت‌های آسیب‌دیده و عوامل و علل بروز آسیب به بافت می‌پردازد و تأثیر آن را بر بافت‌های دیگر و همچنین سایر اعضای بدن بررسی می‌کند و در نهایت رهیافت و پیشنهادی برای درمان فرد آسیب‌دیده به پزشک ارائه می‌کند. بر اساس تعریف فرهنگ پیشرفته آکسفورد، آسیب‌شناسی، مطالعه علمی آسیب‌ها، بیماری‌ها و اختلالات است. آسیب‌شناسی، موقعیتی و یا حالتی زیست‌شناختی است که در آن یک ارگانیزم از عملکرد صحیح و یا مناسب منع شده است. (هورنای، ۱۳۸۲، ص ۹۲۸)

بنابراین، آسیب‌شناسی در علم پزشکی به حالت آسیب‌مند سلول‌های زنده اشاره دارد. در این حالت سلول‌ها به علت رشد بی‌رویه یا به دلایل دیگر حیات موجود زنده را در معرض خطر قرار می‌دهند. این اصطلاح به معنی دانش شناخت بافت‌های آسیب‌دیده در بیماری‌ها نیز بکار رفته است. (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۷۱۶)

۲. آسیب‌شناسی در اصطلاح

۲-۱. آسیب‌شناسی اجتماعی

علوم اجتماعی در اثر مشابهت‌سازی (در قرن نوزدهم) میان کالبد انسانی و کالبد جامعه و بیماری‌های عضو و بحران‌های اجتماعی، دانش نوی به نام آسیب‌شناسی اجتماعی (social pathology) جهت مطالعه عوامل و ریشه‌های بی‌نظمی‌ها و بیماری‌های اجتماعی پدید آورد. (خسروپناه، ۱۳۸۸، ص ۲۶) آسیب‌شناسی اجتماعی مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی به عاریه گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضو و انحرافات اجتماعی قائل می‌شوند.

۲-۲. آسیب‌شناسی دینی

آشنایی با مفهوم آسیب‌شناسی اجتماعی روشن می‌کند که آسیب‌شناسی دینی در صدد مطالعه، شناخت، پیشگیری از کجروی و جلوگیری از بازگشت مجدد بحران‌هایی است که با انتظار

منطقی از دین، جامعه دینی و ماهیت اسلام سازگاری ندارد. بنابراین آسیب‌شناسی دینی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

آسیب‌شناسی دینی یعنی شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی که بر اعتقاد و باور دینی و یا آگاهی و معرفت دینی و یا عملی در رفتار جامعه دینی وارد می‌شود و یا ممکن است که وارد شود. (دژاکام، ۱۳۸۶، ص ۴)

لازم به ذکر است که آسیب‌ها و بحران‌ها و به تبع، پیشگیری و درمان آنها به دو شاخه تعلق دارد: نخست به ماهیت دین و دوم به تحقق خارجی دین. ماهیت دین عبارت است از مجموعه حقایقی که به وسیله خداوند توسط پیامبران الهی برای هدایت انسان‌ها نازل گردیده است. ماهیت دین اسلام به لحاظ اعجاز قرآنی از انحراف و اعوجاج مصون و لیکن در ناحیه روایات از طرف دروغ‌پردازان و جاعلان حدیث به آسیب‌های فراوانی مبتلا گردیده است. از این رو عملیات آسیب‌شناسی به طور جدی و عمیقی نسبت به روایات به خصوص روایاتی که در اختیار عامه قرار دارد، لازم و ضروری است.

اما وجود و تحقق خارجی دین عبارت است از دینی که در جامعه متدینان جریان پیدا می‌کند و نهادهای اجتماعی و روابط میان دین‌داران را پدید می‌آورد. موافقان، مخالفان و مذاهب متنوع را پدید می‌آورد. البته این حقایق و امور خارجی اگر چه به دین منسوب‌اند ولی تنها زاینده ماهیت دین نیستند بلکه ده‌ها عامل فرهنگی، اجتماعی و روانی نیز بر آنها تأثیر می‌گذارد. (خسروپناه، ۱۳۸۸، ص ۲۸)

۴. تربیت

واژه تربیت از دو مبدأ اشتقاق یافته است یکی از (ربو) و دیگری از (ربب) راغب می‌نویسد: (ربیت) (تربیت کردم) از واژه (ربو) است و گفته‌اند اصلش از مضاعف یعنی (رب) (ربب) بوده است که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ به حرف (ی) تبدیل شده است مانند ((تظننت)) که ((تظنیت)) شده است.

(رب) به معنای مالک، خالق، صاحب، مدبر، مربی، قییم، سرور و منعم است و نیز اصلاح کننده هر چیزی را (رب) گویند. بنابراین (رب) به معنای مالک و مدبر و تربیت کننده است.

همچنین در ادامه وی می‌نویسد: (رب) در اصل به معنی تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تام و کمال خود برسد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ذیل واژه ربو)



معنای اصطلاحی تربیت عبارت است از رشد دادن یا فراهم کردن زمینه رشد یا شکوفایی استعدادها و رساندن قوای نهفته یک موجود به فعلیت؛ تربیت به انسان اختصاص ندارد و در مورد هر موجودی که قابلیت رشد داشته باشد به کار می‌رود و اگر در مورد انسان به کار رود کلیه ابعاد وجودی وی را شامل می‌شود. (حسینی زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۲)

تعریفی دیگر از تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود (همان)

گفتار اول: آسیب‌شناسی تربیت نوجوانان در نهاد خانواده

نهاد خانواده از مهمترین نهادهای اجتماعی است که پایه و اساس تربیت و آموزش نوجوان در آن شکل می‌گیرد.

۱- بی‌توجهی به ادب‌آموزی

یکی از مسائل بسیار مهم زندگی هر انسانی، این است که نسبت به تربیت فرزندان خود احساس مسئولیت کند و در ادب‌آموزی آنان اهتمام ورزد، در روایات بی‌شماری از اهل بیت (ع) به این مهم اشاره شده است.

از حضرت کاظم (ع) چنین روایت شده: «مردی دست فرزندش را گرفته به حضور پیامبر رسید و عرض کرد: ای پیامبر (ص) خدا! حق این فرزندم بر من چیست؟ پیامبر فرمود: نامی نیک برای او انتخاب کنی تربیتش را نیکو گردانی؛ او را در جایگاه خوبی قرار دهی.» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۱۹۸)

امام علی (ع) در ضمن وصیتی به فرزند امام حسن (ع) در تحصیل ادب می‌فرماید: «پسرم بهره خود را از ادب فراگیر و دل خود را برای تحصیل آن فارغ گردان که بهراستی ادب برتر از آن است که آلودگی و چرکی بدان بیامیزد و بدان که ادب سرمایه‌ای است که اگر درمانده و نیازمند شدی به وسیله آن بی‌نیاز خواهی شد...» (رسولی محلاتی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۰)

امام صادق (ع) نیز فرموده اند: لقمان حکیم به فرزند خود چنین سفارش کرد «فرزندم اگر در کودکی ادب آموختی در بزرگی از آن بهره خواهی برد. فرزندم! هر که جوایب ادب و معرفت باشد در راه آن اهتمام می‌ورزد و هر که در این راه بکوشد برای ادب‌آموزی خود را به رنج و سختی اندازد و هر کس چنین کند، در جستجوی ادب و معرفت شوق و همت والا پیدا می‌کند و چون بدین گونه باشد سود آن را دریابد؛ پس ای فرزند! ادب‌آموزی را سیره خود قرار ده و بر حذر باش از سستی و تنبلی در این راه و از اینکه ادب را بگذاری و در پی چیزی دیگر برآیی.» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱۳، ص ۴۱۹)

آگاهی‌های دینی درست و متناسب با نیازهای کودکان و نوجوان نقش مهمی در سرنوشت آینده آنان ایفا می‌کند، زیرا اساس انسان را فکر و فرهنگ او می‌سازد و اگر این فکر و فرهنگ مبتنی بر آگاهی‌های مستدل و مستدل دینی باشد زندگی جهت دینی و الهی پیدا می‌کند.

روزی پیامبر اکرم (ص) با دیدن بعضی از کودکان فرمود: وای به حال کودکان آخر زمان از دست پدرانشان! عرض شد یا رسول الله از پدران مشرک آنها؟ فرمود: نه بلکه از پدران مسلمانان که چیزی از فرائض مذهبی را به آنان نمی‌آموزند و اگر فرزندان بخواهند خود در صدد آموزش مسائل دینی باشند آنان را از این امر باز می‌دارند و تنها به این دلخوشند که فرزندانشان بهره‌ناچیزی از دنیا به دست آورند من از این قبیل پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۶۴)

از وقتی که کودک زبان به تکلم باز می‌کند دوره آموزش او شروع می‌شود و تا سنین رشد مراحل را طی می‌کند و سیر آموزشی کودک در روایات معصومین (ع) مرحله بندی شده است. امام زین العابدین (ع) می‌فرماید:

«و حق بزرگتر از لحاظ سنی این است که او را به خاطر سنش احترام کرده و بخاطر سبقت او بر تو در اسلام او را بزرگ شماری و در مقام خصومت و جدل مقابله با او را رها کنی و در هیچ مسیری بر او سبقت نجویی و با او لجاجت نوزی و اگر او اقدام لجاجت با تو کرد، او را تحمل کرده و بخاطر حق سبقت در اسلام و احترام آن، او را عزیز و گرامی داری.» (سپهری، ۱۳۷۴، ص ۱۷۶)

۲- بی‌توجهی به دانش آموزی

از دیگر حقوقی که فرزند بر پدر دارد، بهره مند شدن از نعمت دانش است؛ که امروزه به صورت تحصیل در مدارس و خواندن و نوشتن انجام می‌گیرد، در روایتی که در این زمینه وارد شده از خواندن و نوشتن به‌عنوان حق و تکلیف یاد شده است.

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) می‌فرماید: «فرزند به گردن پدر سه حق دارد یکی این است که نام خوبی برایش انتخاب کند، دوم نوشتن یادش دهد و سوم پس از بلوغ زمینه ازدواج او را فراهم کند.» (حر عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۵۸۲)

امام صادق (ع) در این ارتباط از زبان لقمان می‌فرماید: «فرزندم! در روزها و شب‌ها و ساعات سهمی قرار ده که در آن علم و دانش بجویی زیرا هیچ از دست داده ای همانند از دست رفتن علم و دانش نیست.» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱۳، ص ۴۱۵)



نقل شده است که عبد الرحمن سلمی به فرزند حضرت امام حسین (ع) سوره حمد را آموخت وقتی فرزند در حضور پدر سوره حمد را خواند حضرت حسین (ع)، پول نقد و پارچه ای به معلم داد، برخی از این همه عطا تعجب کردند، در آن باره از حضرت سؤال نمودند، امام حسین (ع) فرمود، این پاداش مالی من در برابر آموزش این معلم چیزی نیست، یعنی خدمت معلم برای آموزش سوره حمد از عطای مالی من ارزنده تر است. (فلسفی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۸۸)

۳- تنبیه بدنی

برخی از آسیب‌های تربیتی که از سوی نهاد خانواده بر کودک وارد می‌شود بر اثر تنبیه نادرست و نابجای کودک به وجود می‌آید و حتی در زندگی آینده وی تأثیر گزار خواهد بود، جهان امروز از نظر علمی و تربیتی، زدن اطفال و آسیب رساندن به بدن آنان را به منظور ادب یا مجازات نادرست تلقی نموده و تقریباً در همه کشورهای مدرن از این کار جلوگیری شده است. پدران و مادران را در محیط خانواده و آموزگاران را در مدرسه از زدن فرزندان بر حذر داشته و ایذاء بدنی اطفال را جداً منع کرده اند.

تنها در عصر ما به اهمیت این موضوع توجه نشده بلکه این موضوع در اسلام سوابق زیادی دارد و علاوه بر روایتی که درباره منع زدن اطفال رسیده است در قرنهای گذشته فقهاء در رساله‌ها که برنامه‌ی روزانه‌ی مسلمین است، در این موضوع صریحاً فتوی داده اند (همان، ج ۱، ص ۴۸۳)

تنبیه مجاز نیز در اسلام شرایط خاصی دارد که با در نظر گرفتن آنها می‌بینیم این یک اصل حکیمانه است نه شیوه‌خسونت آمیزی برای جبران ناتوانیهای والدین در تربیت نوجوانان؛ امام موسی بن جعفر (ع) به یکی از یاران خود که از دست فرزندش به ستوه آمده بود و از دست او شکایت می‌کرد فرمود: «او را کتک نزن، بلکه با او قهر کن اما خیلی طول نکشد.» (مروجی طبسی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴)

۴- عدم رعایت عدالت بین نوجوانان

یکی از وظائف سنگین و دقیق در راه تربیت نوجوانان حفظ عدالت بین آنها است، پدران و مادرانی که فرزندان متعدد دارند لازم است در طرز رفتار همه آنها را با نظر عدل و انصاف و مساوات نگاه کنند و عملاً همه را فرزند خود به حساب آورند تا بعضی از آنها در خود احساس حقارت و کوچکی نکنند.

«پدری با دو فرزند خود شرفیات محضر پیغمبر شد یکی از فرزندان را بوسید و دیگری را نبوسید پیغمبر که این رفتار نادرست را مشاهده کرد به او فرمود چرا با فرزندان خود بطور متساوی رفتار نمی کنی؟» (متقی، ۱۴۰۹، ص ۲۲۰)

نیز پیغمبر اکرم فرمود: «بین فرزندان خود به عدالت رفتار کنید همانطوریکه مایلید فرزندان شما و مردم بین شما به عدل و دادگری رفتار نمایند.» (همان، ص ۲۲۰)

عدالت بین پسر و دختر

از موارد دیگر آسیب‌های تربیتی در نهاد خانواده عدم رعایت عدالت بین پسر و دختر است و تبعیض قائل شدن میان آنان می‌باشد در این مورد روایت شده که روزی پیامبر (ص) با یاران خود گفتگو می کرد که یک پسر بچه ای آمد و به نزد پدر خود- که در گوشه ای از مجلس نشسته بود- رفت پدرش دستی به سر او کشید و او را بر زانوی راست خود نشانید اندکی بدین حال بود که دختر خردسال آن مرد آمد و به طرف پدرش رفت، به نزدیک رسید مرد دستی به سرش کشید و در کنار خود بر زمین نشانید. پیامبر خدا (ص) (که تبعیض و بی عدالتی او را مشاهده کرد) به او فرمود: چرا او را بر زانوی چپ خود نشانیدی!

آن مرد که به رفتار نادرست خود پی برده بود، به دستور پیامبر (ص) عمل کرد و دخترش را بر زانوی دیگر نشانید. رسول خدا فرمود: الان عدالت را رعایت کردی. (ابن ابی الدنیا، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۱۷۳)

۵- وفا نکردن به عهد

وفای به عهد و پیمان یکی دیگر از اصول اخلاقی است که مسلمان باید در معاشرت اجتماعی رعایت کند. در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) به این صفت بارز اخلاقی فوق العاده اهمیت داده شده است. از نظر قرآن کریم در حدّ وجوب تأکید شده است. در قرآن کریم خداوند امر فرموده است: «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (سوره اسراء/ ۲۴) به عهد خود وفا کنید، زیرا عهد مورد سوال قرار خواهد گرفت.

امام صادق (ع) در این خصوص می‌فرماید:

سه چیز است که هیچ کس در آنها عذرش پذیرفته نیست:

۱- بازگردانیدن امانت به صاحبش چه درستکار باشد یا بدکار.

۲- وفای به عهد و پیمان چه در برابر نیکوکار باشد و چه بدکار.

۳- نیکی به پدر و مادر چه آنها نیکوکار باشند چه بدکار. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۳۲)



در سوره مؤمنون وفای به عهد یکی از صفات مؤمنین معرفی شده است: «وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (سوره مؤمنون / ۸) مؤمنین کسانی هستند که امانت ها و پیمان هایشان را رعایت می کنند.

دستور دیگری که اسلام پدران و مادران را موظف ساخته و بر آن تأکید فراوان کرده، عملی کردن وعده هایی است که آنان به فرزندان خود می دهند زیرا با عمل نکردن به وعده ها شخصیت فرزندان خویش را تحقیر کرده و به آنان درس دروغگویی می دهند. پیامبر (ص) فرمودند: «کودکان را دوست بدارید و به آنان اظهار محبت کنید. پس اگر به آنان وعده ای دادید، به آن وفا کنید، زیرا آنان روزی خود را به دست شما می ببینند.» (متقی، ۱۴۰۹، ص ۲۱۹)

امام علی (ع) از پیامبر نقل می کند که: «هر یک از شما به فرزند خود وعده ای می دهد بدان وفا کند.» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۷۰)

۶- عدم بردباری در برابر لغزشهای کودک

تربیت و آموزش کودکان باید توأم با مهر و محبت و گذشت باشد، با عیب پوشی و نرمی با آنها برخورد شود و به آنان کمک و یاری گردد. در برخورد با کودکان باید به ویژگیهای آنها توجه داشت اگرچه موجب مشکلاتی شود، باید صبر و حوصله به خرج داد. رسول اکرم (ص) فرمودند: «چه خوب است فرزند در خرد سالی، پر تحرک باشد تا در بزرگسالی دارای شخصیتی آرام خویشان دار گردد. سپس فرمودند: سزاوار است که کودک خردسال حتماً این چنین (پر جنب و جوش) باشد.» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۵۲)

خداوند خطاب به رسول اکرم (ص) می فرماید: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (سوره فصلت / ۳۴) بدی را به بهترین روش پاسخ ده و با رفتار شایسته آن را دفع کن.

مربی نباید در برخورد با کودکان خشن و سختگیر باشند، چون با خشونت و سخت دلی نمی توان آنان را اصلاح کرد.

حتی خداوند خطاب به پیامبر بزرگوارش پیرامون برخورد با مردم می فرماید: «وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (سوره آل عمران / ۱۵۹) اگر دشت خوی و سخت دل بودی مردم از گرد تو پراکنده می شدند.

۷- بی توجهی به عنصر زمان

توجه به عنصر زمان از شرایط ضروری تربیت است. آنچه اکنون در جوامع اسلامی مشاهده می‌کنیم، ناهنجاری‌های عمیق ارزشی و دینی در بین نوجوانان و جوانان است؛ به واسطه پیشرفتهای دوره حاضر، این نسل در گرایش به ارزش‌های اجتماعی و اعتقادی مطلوب تا حدود قابل ملاحظه‌ای با نسل قبل از خود، یعنی پدران و مادران متفاوت گردیده‌اند. این امر ناشی از مسائل گوناگون، از جمله «عنصر زمان» است.

متأسفانه این دستورالعمل مهم که عنصر زمان را از شرایط لازم تربیت دینی می‌داند، کمتر مورد توجه مربیان تربیتی، معلمان دینی و حتی والدین بوده است. گاهی والدین می‌خواهند شیوه‌ها و روش‌هایی را که به نسل و مقتضیات زمان دیگر تعلق دارد، به اجبار به فرزندان خویش تحمیل نمایند، در حالی که فرزندان، به دلیل تغییر شرایط و موقعیت اجتماعی، به دنبال خواسته‌ها و مطالبات دیگری هستند.

کینگسلی دیویس به این نکته مهم اشاره کرده که: والدین در تلاش برای اجتماعی کردن فرزندان سعی دارند محتویات کهن فرهنگی را به آنان بیاموزند و فراموش می‌کنند که از دوران کودکی خودشان تاکنون، زندگی به طور فزاینده‌ای، دگرگون شده است. والدین، در تلاش برای اجتماعی کردن فرزندان با شیوه‌ها و نهادهای مشخص جامعه، ظاهراً فراموش می‌کنند آنچه برای خودشان نهادینه شده است، برای نوجوانان و جوانان بسیار انتقادبرانگیز یا بیزارکننده است (سرمد، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰)

برای گشودن چنین گره‌ای، مربیان تربیتی و والدین، باید با تلفیق ارزش‌ها، نگرش‌ها و اعتقادات اصیل با روش‌های نوین، نسل جدید را با آموزه‌های دینی گذشته بهتر آشنا کنند. آینده‌نگری و توجه به عنصر زمان، به اولیا و مربیان امروزی کمک می‌کند تا کاروان عظیم و عزیز تعلیم و تربیت را با اطمینان بیشتری هدایت نمایند. شهید مطهری (ره) می‌گوید: «حقیقت این است که عصر ما از نظر دینی و مذهبی مخصوصاً برای طبقه نوجوان و جوان، عصر اضطراب، دودلی و بحران است. مقتضیات عصر و زمان با یک سلسله تردیدها به وجود آمده و سوالات کهنه و فراموش شده را نیز، از نو مطرح ساخته است» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۱۳)

بنابراین نوجوانان خواهان فهم دقیق و به روز از معارف دینی و عمل به آموزه‌های مذهبی در جامعه هستند. آنان باید برای زندگی در جامعه فردا تربیت شوند؛ و باید پذیرفت که «آینده»، امروز و دیروز نیست؛ و ویژگی‌های خاص خود را دارد؛ از این رو باید دانش‌آموزان را به روز تربیت کنیم. استمرار برنامه‌های گذشته به هیچ وجه، دردهای امروز و فردا را درمان نمی‌کند؛ و



انعطاف ناپذیری در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری ها و پافشاری ناآگاهانه بر برداشت ها و برنامه های گذشته و عدم فهم متناسب با شرایط زمان، می تواند آسیب جدی به تربیت دینی نوجوانان وارد کرده، زمینه را برای دین گریزی و عدم تربیت صحیح آنان فراهم کند.

۸- بی توجهی خانواده ها به آموزه های دینی

فرزندان نوجوان بیش از هر کسی دیگر، با والدین خویش تماس دارند و مفاهیم مذهبی را از آنان یاد می گیرند. از این رو تربیت دینی از وظایف اولیه پدر و مادر در نهاد خانواده محسوب می شود. بسیاری از خانواده ها، به دلیل عادت ها و باورهای به ارث رسیده از نسل های گذشته، راهکارهای غیر صحیح مورد استفاده خود را در تربیت دینی فرزندان درست می شمارند و بر کاربرد آنها پافشاری و چه بسا، آنها را مطابق با آموزه های دینی و برخاسته از قرآن و سنت قلمداد می کنند؛ حال آنکه دین نفی کننده این راهکارهاست و ترک آن را توصیه می کند. همچنین، رفتار نامعقول برخی از خانواده ها از قبیل عدم تشویق فرزندان به انجام اعمال دینی مانند نماز خواندن، روزه گرفتن، قرآن خواندن، عدم مشارکت والدین در مراسم مذهبی، بدگویی از مبلغان دین و معلمان دینی و قرآن، موجب خنثی شدن تلاش های مریبان و معلمان در زمینه تربیت دینی دانش آموزان می شود، مثلاً در مدرسه با پند و اندرز، هر اندازه بر نماز خواندن یا راست گویی تاکید شود؛ و از آثار مثبت آن سخن بگویند، چنانچه محیط خانواده آلوده بوده، تعهدی نسبت به این ارزش ها نداشته باشد، زمینه فراگیری آموزه های دینی را در نوجوانان تخریب خواهد کرد.

مطالعات نشان می دهد تا زمانی که اعضای خانواده ها به اعتقادات مذهبی خود پایبند باشند، فرزندانشان کمتر از دین و آموزه های دینی گریزان هستند. در پژوهشی که توسط مرکز تحقیقات اجتماعی کشور مصر صورت گرفته ۷۲٪ نوجوانان بزهکار، جزو خانواده هایی بوده اند که به مسائل دینی اهمیت نمی دادند. (طالبان، ۱۳۸۱، ص ۳۸)

در حالی که قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (سوره تحریم، ۶) ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و اهل خانه خود را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها هستند، حفظ کنید.

و پیامبر اسلام (ص) فرموده اند: «وای به حال فرزندان آخرالزمان از دست پدرانشان؛ گفته شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آنان شکایت دارید؟ فرمودند: نه! از پدران مومن که چیزی از واجبات دینی را به فرزندان آموزش نمی دهند؛ و اگر خود فرزندان، به دنبال فراگیری معارف دینی باشند،

آنان را از این کار منع می کنند؛ و نسبت به فرزندان به متاع اندک و کم ارزش دنیا راضی می شوند، من و چنین پدرانی از همدیگر بیزار هستیم» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۳۵).

براساس آموزه های قرآن کریم و سخنان پیامبر (ص) نتیجه می گیریم که اولین و موثرترین مرحله و جایگاه تربیت دینی، نهاد خانواده است و لازم است که آسیب های ذکر شده در این نهاد پالایش شوند.

گفتار دوم: آسیب شناسی تربیت در نهاد مدرسه

۱. عدم تربیت دینی صحیح خود مربی

امام علی (ع) می فرماید: «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد و پیش از آن که به گفتار تربیت کند. با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.» (دشتی، ۱۳۷۹، حکمت ۷۳)

اگر مربی در بخش اعتقادات و اخلاقیات تربیت صحیح نیافته باشد از دو جنبه به متریبان خود در تربیت آسیب می رساند.

(۱) اولین آسیب از حیث تأثیر گذاری اخلاقی و انتقال بینش و تفکر غلط اعتقادی به متریبان است. زیرا کودکان و نوجوانان شدیداً تحت تأثیر مربی و معلم هستند و از آنها الگوگیری می کنند؛ و اگر این اعتقاد و بینش غلط یا رفتار ناصحیح در وجود مربی رسوخ کند اصلاح آن به سختی ممکن است.

زیرا آنچه در فرایند تعلیم و تربیت به متعلم انتقال می یابد تنها معلومات و مهارت های معلم نیست بلکه تمام صفات، خلقیات، حالات نفسانی و رفتار ظاهری او نیز به شاگردان منتقل می شود. رابطه دانش آموز با معلم یک رابطه باطنی و معنوی است دانش آموز و یا دانشجو معلم را شخصیتی محترم و ممتاز می داند که او را در بزرگ شدن و به استقلال و آزادی رسیدن و به عضویت رسمی جامعه در آمدن کمک و مساعدت می نماید معلم با روح و جان دانش آموز و یا دانشجو سروکار دارد و به همین جهت بعنوان یک الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می شود. دانش آموز اگر چه قبلاً در محیط خانواده علوم و اطلاعات فراوانی را کسب کرده رفتارهایی را آموخته و به اموری عادت کرده و تا حدودی شخصیت او شکل گرفته است ولی هنوز شکل ثابت به خود نگرفته و تا حد زیادی قابل انعطاف و تغییر می باشد.

(۲) دوم دین گریزی مربی و عدم اعتماد او به دین داران که به علت رفتار و منش نا شایست مربی دربر خورد صورت می گیرد.



۲. عدم آگاهی دقیق و صحیح مربی از آموزه های دینی

خداوند در قرآن کریم به مومنان سفارش می‌کند: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (سوره توبه/۱۲۲) شایسته نیست مؤمنان همگی به سوی میدان جهاد کوچ کنند چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند) تا در دین و معارف و احکام اسلام آگاهی یابند و به هنگامی که یاران مجاهدشان از میدان بازگشتند احکام و فرمانهای الهی را به آنها تعلیم دهند و از مخالفت آن انذارشان نمایند باشد (که این برنامه موجب شود) که آنها از مخالفت فرمان خدا بپرهیزند و وظایف خویش را انجام دهند.

در این آیه سفارش به تفقه در دین شده یعنی ژرفنگری و آگاهی یافتن از دین و سپس تعلیم و آموزش آن به دیگر مومنان که مستقیماً وظیفه مربی دینی را در قبال معارف دین مشخص می‌کند تا متریبان با معارف حقیقی و صحیح آشنا شوند و از خطر گمراهی در امان باشند.

۳. انحراف در محتوای معارف دینی

یکی دیگر از عوامل مؤثر در آسیب‌رسانی به تربیت نوجوانان در نهاد آموزشی مدرسه، برداشت‌های ناصحیح، غیر منطقی و سست و ارائه نادرست آن به نوجوانان است. برداشت‌ها و تفسیرهای غلط، گاه از جانب افرادی است که بدون داشتن تخصص و اهلیت لازم در درک صحیح دین، در جامعه به ارائه دیدگاه‌ها و تفاسیر دینی اقدام می‌کنند و به عمد و یا سهو در فهم و درک معارف حقه دین، ایجاد اختلال می‌کنند در پاره‌ای مواقع، اینچنین تلقی ناصحیح از دین رنگ و صبغه سیاسی داشته و با انگشت اشاره مستقیم و غیرمستقیم معاندین صورت می‌پذیرد و عموماً مخاطبین این ارائه غلط سیاسی و هدفدار از معارف دینی، قشر حساس و غیرمطلع نوجوان و جوان جامعه است. از سوی دیگر گاهی برداشت و ارائه ناصحیح معارف دینی از جانب اصحاب دین و کانونهای دینی است که بدلیل بعضی اندیشه‌ها و تفکرات خشک و غیرمعقول از دین در چنبره احتیاط‌های غیرضروری و سنتهای غلط گرفتارند و با عدم درک مقتضیات زمان و جمود فکری، برداشت‌های غیرواقعی از دین عرضه می‌کنند که حقیقت دین با آن بیگانه و ناسازگار است و نتیجه آن چیزی جز جدایی افراد خصوصاً نوجوانان از دین نخواهد بود.

۴. عدم بیان صحیح معارف دینی

اگر در امر تربیت دینی، معرفت و بینش سطحی عرضه شود، فرد با چنین ضعف معرفتی، انگیزه عمیق و درونی متقنی برای انجام احکام و آداب دینی نخواهد داشت و به ریا و تظاهر کشانده

خواهد شد لذا اکتفا نمودن صرف به تامین صورت ظاهر در مناسک دینی؛ تربیت دینی محسوب نمی‌گردد. ایمان بیشتر با قلب، درون و احساس مرتبط است واضح است که در تربیت دینی، می‌بایست آداب و معارف دینی، بر روح و قلب مترقی چنگ زده و از درون فرد را به تحول بکشاند. پس در تربیت دینی باید بستر برای جذب عاطفی، قلبی و درونی فرد نسبت به دین مهیا شود و در این راستا و ناظر به همین تحول درونی است که فرد با اختیار و آگاهی لازم، به رفتارهای آشکار بیرونی و عمل صالح مبادرت می‌ورزد؛ تکرار لفظ ایمان و عمل صالح در آیات الهی ناظر به آن است که هر کدام بدون دیگری ناقص و ناتمام است. تربیت دینی در شکل صحیح و سالم آن، باید در پی آن باشد که ایمان و عمل در پیوند با یکدیگر از فرد صادر شود و با ایجاد معرفت مناسب نسبت به آموزه‌های دینی، زمینه تبلور انتخاب و اراده آزاد را در فرد فراهم نماید چرا که در غیر این صورت بکار بردن لفظ ایمان برای انجام آداب ظاهری و بدون معرفت، صحیح نیست و خداوند متعال در قرآن کریم این حقیقت را به مدعیان متذکر می‌گردد: و حقیقت ایمان قلبی را از لفظ اسلام جدا می‌داند «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قَوْلُوا اسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (سوره حجرات / ۱۴) اعراب گفتند که ما ایمان آوردیم ای رسول خدا به آنان بگو که شما ایمان نیاوردید بلکه بگوئید اسلام آوردیم و هرگز ایمان در قلوب شما وارد نگردیده است.

۵. هم خوانی نداشتن سطح شناختی با سطح ارائه معارف

نوجوانان از نظر ذهنی، حداکثر کارایی هوشی را دارند؛ بنابراین گرایش به فلسفه زندگی، آنان را به سوی مسائل اخلاقی و مذهبی سوق می‌دهد و سعی می‌کنند در این دوره، هویت مذهبی خود را شکل دهند. اما اگر سطح رشد شناختی آنان با سطح معارف دینی ای که ارائه می‌شود، همخوانی نداشته باشد، دچار نوعی سردرگمی و در نهایت، بی‌رغبتی نسبت به دین می‌شوند. نوجوان به علت توانمندی‌های ذهنی، باورهای دینی را که از دوران کودکی به صورت تقلیدی از خانواده و دیگران به او القا شده است، کنار می‌نهد و می‌خواهد معارفی را بپذیرد که متناسب با سطح تفکر او باشد، اما از یک سو بسیاری از اوقات، آنچه به منزله دین به او عرضه می‌شود، برای وی قانع‌کننده نیست و از سوی دیگر در برخی موارد نوجوان می‌خواهد همه آموزه‌های دینی اعم از احکام و عقاید را با مقیاس عقل بسنجد و فکر می‌کند اگر آموزه‌های دینی در قالب‌های فکری او بگنجد، صحیح هستند و در غیر این صورت، درست نیستند و باید کنار گذاشته شوند. همه این عوامل، دست به دست هم می‌دهند و موجب می‌شوند هویت دینی نوجوان به



خوبی شکل نگیرد و نوجوان نسبت به آموزه های دینی دچار بحران شده، نجات خود را از این بحران در گریز از دین بداند.

حضرت علی (ع) با اشاره به این حقیقت، گرایش به کفر را ناشی از ضعف معرفتی انسان دانسته، می‌فرماید: «اگر افراد هنگام برخورد با مسائلی که نمی‌دانند درنگ نمی‌کردند و عجولانه تصمیم نمی‌گرفتند، گمراه نمی‌شدند» (ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۵۲).

بنابراین یکی از علل دین‌گریزی و آسیب تربیتی در نوجوانان، هم‌خوانی نداشتن سطح شناختی با سطح ارائه معارف است.

۶. عدم استفاده از روشهای فعال و پویا

با آنکه آموزش در قرن بیست و یکم، در فرایند و تربیت تاکید زیادی بر روش‌های فعال و مشارکتی دارد، متأسفانه، هنوز بسیاری از دبیران و معلمان به جای استفاده از روش‌های فعال و پویا از روش‌های منفعلانه و ایستا استفاده می‌کنند.

در حالی که در روش فعال، نبض و مهار موقعیت‌ها به دست دانش‌آموزان است؛ و در روش منفعلانه دانش‌آموزان مقلدند. آن‌که منفعلانه عمل می‌کند همیشه منتظر است ببیند که دیگران چه می‌کنند. انفعال کسالت و خستگی می‌آورد و روش فعال سرزندگی و پویایی.

مفهوم به‌کارگیری روش‌های فعال و پویا این نیست که بازگویی داشته‌ها و دانسته‌ها نارواست؛ سخن بر سر آن است که نوآوری در بیان همان مطالب و طراوت بخشیدن به همان آگاهی‌ها، به مدد کسب آگاهی‌های تازه‌تر و بازسازی، تصحیح و تکمیل آنها، فضایی خواهد ساخت که هنگام عرضه کردن آنها، کسالت و بی‌حالی دامن‌گیر دانش‌آموزان نشود. امروزه بهره‌گیری از تکنولوژی آموزشی و وسایل نو، برای عرضه بهتر و موثرتر، به این پویایی کمک خواهد کرد.

روش‌های نوین در آموزش، تبلیغ و ارتباط، از بایسته‌ترین مسائل روزگار ماست که همه مربیان باید بدان توجه کنند تا دانش‌آموزان از آموزه‌های دینی و ارزش‌های مذهبی فاصله نگیرند. (سنگری، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲-۱۳۳)

روش‌های تربیتی در مدارس هنوز القای یک سویه است. بسیاری از معلمان، هنوز دانش‌آموزان را گوش می‌پندارند و خویشتن را زبان؛ از این رو به دانش‌آموزان هیچ‌گونه فرصتی نمی‌دهند که در ساختن خویش، اصلی‌ترین نقش را ایفا کنند. حال آنکه روش‌های نشئت‌گرفته از مکتب تربیتی دین‌مبین اسلام، بستر هدایت و شکوفایی است تا متربی خود بفهمد که چه باید بکند و آنگاه راه را به کمک پاهای خویش طی کند.

خداوند می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (سوره شمس / ۹ - ۱۰) هرکس نفس خود را از گناه پاک سازد به یقین رستگار خواهد شد و هرکس آن را به گناه پلید گرداند، زیانکار خواهد شد.

در این آیات، کوشش و جوشش فرد، اساس رشد و کمال یا سقوط و گمراهی معرفی شده است. اصولاً تربیت حقیقی آن است که تمام زمینه‌ها فراهم شود تا فرد خود را شکوفا ساخته، توانمندی‌های خویش را نشان دهد؛ از این رو، از منظر نهج البلاغه علم اکتسابی بدون در نظر گرفتن علم فطری نمی‌تواند بستر شکوفایی استعدادها را مهیا سازد.

حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «علم دو نوع است: علم فطری و علم اکتسابی. علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری نباشد سودمند نخواهد بود» (دستی، ۱۳۷۹، ص ۷۰۸).

۷. معلمان ناکارآمد

از دیگر آسیب‌های تربیتی وجود مربیان و معلمان ناکارآمد است در مکتب حیات بخش اسلام، نقش معلم در رفتار و تکوین شخصیت دانش‌آموزان، بسیار با اهمیت معرفی شده است از این رو اولین ویژگی‌ای که در دین برای معلم و مربی آمده است، آغاز تربیت از خود معلم و مربی است. پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «خداوند مرا ادب آموخت» (پاینده، ۱۳۷۱، نهج الفصاحه، ص ۲۱).

دومین ویژگی و شرایطی که دین برای معلم و مربی قایل شده، الگو بودن معلم برای دانش‌آموزان است. زیرا به میزان قابل توجهی، شخص تربیت‌پذیر محتاج یک الگوی زنده و موفق است تا بتواند در عمل با مشاهده و مقایسه، نقاط ضعف خویش را دریابد.

سومین ویژگی مهمی که دین برای معلم و مربی تجویز نموده است که معلمان باید از کرامت و احترام شایسته برخوردار باشند تا امکان تربیت دینی دانش‌آموزان فراهم شود؛ به طوری که امام صادق (ع) می‌فرماید: «به کسی که دانش را به او یاد می‌دهید، احترام بگذارید و نیز به کسی که دانش را از او فرا می‌گیرد، احترام بگذارید» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۲، ص ۴۱)

از این رو، اخلاق شایسته معلمان، اثر بسیار مطلوبی در ایجاد انگیزه و رغبت دانش‌آموزان به مسائل دینی دارد. طرح این مطلب از آن جهت حائز اهمیت است که معلم با روح و روان دانش‌آموزان سروکار دارد. اعتقادات هر کسی عامل اصلی اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی اوست و معلم شخصیتی است که این اعتقادات را در ذهن دانش‌آموز شکل می‌دهد.



آگاهی از مسائل تربیتی، اساس انتخاب یک فرد برای حرفه معلمی است. معلم که به منزله نماینده دین در کلاس حاضر می‌شود، با ذره بین دقیق دانش آموزان، مورد آزمایش قرار می‌گیرد؛ و به طور غیر مستقیم رفتار او به دین نسبت داده می‌شود.

متأسفانه نظام آموزشی در جوامع اسلامی در بسیاری از موارد، کسانی را در سمت معلم، به کار گماشته که به علت ناپختگی و رفتار نامناسب و نیز، عدم بینش و شناخت کافی از دین، موجبات یأس، افسردگی و نفرت دانش آموزان را نسبت به مسائل دینی فراهم آورده است. (محمدی، ۱۳۸۲، ص ۳۲۲-۳۲۳)

۸. عدم توجه به تفاوت های فردی

انتظار یکسان از افراد متفاوت و به کارگیری روش‌های یکسان برای همه نوجوانان، یکی دیگر از آسیب‌های تربیت نوجوانان در نهاد آموزشی مدرسه است. یکی از بزرگ ترین خطاها در حیطه تربیت، هم رنگ سازی است. یکسان دیدن جامعه ی دانش آموزان و نوجوانان یا یک دست کردن آنان، تفکری است که حتی اگر میسر هم باشد، مقبول نیست. عدم توجه به وسع دانش آموزان، چه در فهم تکلیف و چه در عمل به تکلیف، ضروری است که باعث دل زدگی و انزجار آنان می‌شود. و روحیه حقیقت جویی را در نهاد نوجوانان خاموش می‌کند. تربیت واقعی آن است که مربی روحیه نقادی را در ذهن متربی زنده کرده، سبب شود تا فراگیر به هرچیزی یقین نکند. کاربرد روش‌های سنتی، متربی را وادار می‌کند، قوانین سخت و تحمیلی را بی چون و چرا بپذیرد. در حالی که تعلیم و تربیت نمی‌تواند با آموزش یک سلسله نصایح اخلاقی قالبی و بی بنیاد به متربی، به سرمنزل مقصود برسد. اخلاق اسلامی و تربیت صحیح دینی مستلزم انتخاب و اختیار است. اخلاق و تربیت، به تنهایی و به طور انتزاعی به کار یادگیری و آموزش نمی‌آید و موضوعی است که از شوق همکاری «من‌های» آزاد سر بر می‌آورد. از این رو آموزش و پرورش باید امکانات کاملی برای زندگی آینده دانش آموزان و کسب تجربه های اجتماعی آنان فراهم آورد. (سیدین، ۱۳۷۹، ص ۵۵-۵۶)

نتیجه

تربیت در شخصیت‌سازی و دین‌مداری فرزندان نقشی بنیادی دارد و گاهی تربیت صحیح دگرگونی در فرزند ایجاد می‌کند تربیت مورد تاکید احادیث معصومین (ع)، تربیتی است بر اساس مفاهیم و معیارهای دین مبین اسلام که اگر انسان در سایه سار آن، راه رشد و تربیت صحیح را بییماید، به بالاترین درجه فضایل و کمالات انسانی خواهد رسید؛ اما گاهی این مقوله، به لحاظ عدم رویکرد صحیح و عدم توجه عمیق به آن، دچار آسیب گردیده و آسیب‌شناسی آن، با کشف و تحلیل انحرافات فکری و رفتاری متولیان تربیت، ضروری به نظر می‌رسد. از جمله آسیب‌های تربیت نوجوانان در نهاد خانواده عبارت‌اند از بی‌توجهی به ادب و دانش‌آموزی، تنبیه، عدم رعایت عدالت بین فرزندان، عدم بردباری و بی‌توجهی به عنصر زمان و آموزه‌های دینی در خانواده؛ آسیب‌های آموزش در نهاد مدرسه عبارت بودند از عدم تربیت دینی صحیح مربی، انحراف در محتوای معارف، استفاده نکردن از روش‌های فعال و پویا، معلمان ناکارآمد و عدم توجه به تفاوت‌های فردی.



فهرست منابع

قرآن مجید

۱. آ. اس. هورنای، فرهنگ پیشرفته آکسفورد، موسسه نشر جهان دانش، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۲ ش.
۲. ابن ابی الدنیا، ابوبکر، کتاب العیال، دمام، دار ابن قیم، ۲۰۰۸ م.
۳. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن منظور، جمال الدین ابو الفضل، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۶. اسفندیاری، محمد، آسیب‌شناسی دینی (پژوهش‌هایی درباره اسلام شناسی و جامعه شناسی)، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۴ ش.
۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، قم، نشر جاویدان، چ ۲۳، ۱۳۷۱ ش.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: موسسه اهل بیت لاحیاء التراث، چ اول، ۱۴۱۳ ق.
۹. حسینی زاده، سید علی، علیرضا اعرافی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۱۳، ۱۳۹۴ ش.
۱۰. خسروپناه، عبدالحسین، آسیب‌شناسی دین پژوهی معاصر (تحلیل دین شناسی شریعتی، بازرگان و فروش)، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. دژاکام، علی، فکر فلسفی غرب از منظر استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات نسیم حیات، چ دوم، ۱۳۷۹ ش.
۱۳. _____، مسئولیت تربیت، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین، ۱۳۸۰ ش.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۷۷ ش.
۱۵. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تهران: انتشارات مرتضوی، چ دوم، ۱۳۷۶ ش.



۱۶. رسولی محلاتی، سید هاشم، وصایا الرسول و الائمه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۹ ش.
۱۸. ساروخانی، باقر، دائره المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، چ ۳، ۱۳۸۰ ش.
۱۹. سپهری، محمد، شرح و ترجمه رساله الحقوق امام سجاد (ع)، قم، دار العلم، ۱۳۷۴ ش.
۲۰. سرمد، غلام علی، ترجمه درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، تهران، نشر دانشگاهی، چ ۲، ۱۳۸۷ ش.
۲۱. سنگری، محمدرضا «آسیب‌شناسی روش‌ها در قلمرو تربیت دینی»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، ج ۱، محراب قلم، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۲۲. سیدین، غلام، مبانی تربیت فرد و جامعه از دیدگاه اقبال، تهران، فردوس، ۱۳۷۹ ش.
۲۳. صالحی، هاشم، نهج الفصاحه، ترجمه، ابراهیم، احمدیان، شهاب الدین، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۲۴. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی الحسین بن بابویه القمی، کتاب الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه، ۱۴۰۳ هـ ق - ۱۳۶۲ ش.
۲۵. طالبان، محمد رضا، دین‌داری و بزهکاری، تهران، موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۱ ش.
۲۶. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، تهران، فراهانی، ۱۳۸۱ ش.
۲۷. فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی، چاپ اول ۱۳۵۲ ش.
۲۸. _____، کودک از نظر وراثت و تربیت، هیئت نشر معارف اسلامی، تهران، ۱۳۴۲ ش.
۲۹. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، چ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۳۰. قرآن مجید، ترجمه رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، قم، دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح و تلیق: غفاری علی اکبر، تهران دارالکتب الاسلامیه، چ سوم، ۱۳۸۸ ق.

۳۲. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۳۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (علیهم السلام)، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۹۸۳ م.
۳۴. محمدی، مژگان، «رویکرد کلی به آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، ج ۱، محراب قلم، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۳۵. مروجی طیبی، محمد جواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع)، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۸ ش.
۳۶. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۵ ش.
۳۷. _____، عدل الهی، تهران، صدرا، ۱۳۷۱ ش.
۳۸. موریس، ایور، درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه غلام علی سرمد، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۸۷ ش.
۳۹. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چ اول، ۱۴۰۸ ق.



موانع درونی خود تربیتی در تحقق کمال انسانی در جامعه اسلامی از منظر امام علی(ع)

محسن خوشفر *

**
هدیه مهری

چکیده

خودتربیتی یعنی اینکه انسان به تربیت و پرورش استعدادها و توانایی‌های خود در جهت کمال انسانی بپردازد. خود تربیتی برای رسیدن به اهدافی همچون سرآمدی در یک مجموعه، بارور کردن ظرفیتهای انسان، موفقیت در زندگی، کسب آرامش و کاهش استرس و صدها هدف دیگر انجام می‌پذیرد. حضرت علی (ع) نمونه عالی الگوی خودتربیتی می‌باشند. باتوجه به سخنان مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب مبنی بر اینکه مردم باید با پرورش معنویت و اخلاق در تمام حرکتهای و فعالیتهای فردی و اجتماعی رشد یابند و در این راه تلاش و جهاد کنند و همچنین حکومتها اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادها کمک برسانند و نیز بنابر ضرورتی که ایشان فرمودند به نگارش این تحقیق میان رشته‌ای پرداخته شده است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی این نکات را بیان کرده است. یکی از منابعی که انسان را در شناخت این موانع یاری می‌دهد نهج البلاغه است، لذا این تحقیق به بحث موانع درونی خودتربیتی در تحقق کمال انسانی در جامعه اسلامی از منظر امام علی (ع) خواهد پرداخت. موانع درونی خودتربیتی شامل سه مولفه (اعتقادی، اخلاقی و رفتاری) می‌باشد، انسان با شناخت و رفع این موانع، هم به تربیت خود و پرورش استعدادها پرداخته است و هم تحقق کمال انسانی در جامعه اسلامی را ممکن کرده است. این پژوهش به

* استادیار گروه حدیث جامعه المصطفی العالمیه، Mohsenkhoshfar@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** دانشجوی کارشناسی ارشد نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران،

hediehmehri@yahoo.com





صورت کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی - توصیفی انجام پذیرفته است. (آیت الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. ۱۳۹۷: ۳۷)

واژگان کلیدی: موانع، خودتربیتی، کمال انسانی، امام علی (ع)، تعلیم و تربیت، نهج البلاغه، بیانیه گام دوم انقلاب

مقدمه

تربیت به معنای ایجاد یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمال در انسان که مطلوبیت و ارزش داشته باشد تعریف می‌گردد. این کمال گاهی از نوع شناختی است که مربوط به شناخت و آگاهی انسان است که شامل معلومات ذهنی او می‌گردد؛ (اعتقادی) و گاهی به جنبه رفتار انسان مربوط است که به تصحیح عملکردهای انسان مربوط می‌شود؛ (رفتاری) و گاهی به صفات روحی وی می‌پردازد که به خلیقات انسان مرتبط می‌شود؛ (اخلاقی). تربیت با این تعریف به دو نوع تقسیم می‌گردد. گاهی انسان دیگران را در سه حیطة علم، رفتار و صفات روحی مورد تاثیر قرار می‌دهد که از آن به دیگر تربیتی تعبیر می‌گردد و گاهی خود را در معلومات، رفتارها و صفات نفسانی مورد تغییر، تصحیح و یا ایجاد ارزش های مطلوب در هر سه حیطة قرار می‌دهد. از این نوع تربیت به خودتربیتی تعبیر می‌گردد.

در مکاتب تربیتی غربی بیشتر لفظ خودتربیتی در معنای تربیت علمی و آموزش استفاده می‌گردد. در تحقیقات اسلامی بیشتر مقصود از تربیت، تربیت اخلاقی مطرح می‌شود که از آن به خودسازی نیز تعبیر می‌گردد، اما در این تحقیق بر اساس معنای علمی تربیت و خود تربیتی که شامل علم آموزی، تغییر رفتار و تغییر صفات باشد عمل خواهد شد. اخلاق بیشتر در زمینه خودسازی برای اصلاح صفات است؛ اما برای اصلاح اعمال، علمی مثل فقه به آن می‌پردازد و برای اصلاح اعتقادات، علمی مثل کلام به آن می‌پردازد. در نهج البلاغه به معنای اعم نگاه می‌شود، یعنی اگر انسان می‌خواهد به تربیت خود بپردازد، باید در هر سه زمینه اعتقادی، صفاتی و عملی تربیت صورت گیرد، حضرات معصومین علیهم السلام و از جمله آنان حضرت علی علیه السلام مخاطبانشان را در هر سه حیطة تربیت کردند، یعنی تربیت اعتقادی و تربیت اخلاقی و تربیت رفتاری.

یکی از اهدافی که دین اسلام به انسانها برای توجه به آن و هدف قرار دادن آن در خودتربیتی معرفی کرده است رسیدن به کمال نفسانی و انسانی است. بدیهی است خود تربیتی با در نظر گرفتن اهداف مختلفی که برای آن متصور است، دارای موانع مختلفی نیز می‌شود. لذا بررسی موانع پیش روی کسی که خودتربیتی را برای تحقق کمال انسانی که دین معرفی می‌کند، انجام

می‌دهد برای شناخت وی از موانع و رفع آنها بسیار ضروری است. از طرفی بررسی این موانع در کلام امام علی (ع) که قرآن ناطق بوده و کلام ایشان در منابع اسلامی و از جمله نهج البلاغه متبلور شده است می‌تواند صحیح‌ترین نظریه در باب موانع خود تربیتی در تحقق کمال انسانی را پیش روی مسلمانان قرار دهد. بیانیۀ گام دوم انقلاب اسلامی نکاتی را بیان کرده است مبنی بر اینکه مردم باید پیشرفت کنند تا در سطح جامعه تغییرات مثبت حاصل گردد، لذا برای اینکه بخواهیم به اوامر مقام معظم رهبری جامعۀ عمل بیوشانیم در حوزه تربیت و به ویژه خودتربیتی و رسیدن به کمال انسانی، لازم است در ابتدا موانع پیشرفت و تکامل در جامعۀ اسلامی شناخته شود تا نیل به هدف هموار گردد، همچنین یکی از منابعی که انسان را در شناخت این موانع یاری می‌دهد نهج البلاغه است. هدف این مقاله بررسی موانع درونی خودتربیتی در تحقق کمال انسانی در جامعۀ اسلامی از منظر امام علی (ع) می‌باشد.

پیشینه

در مورد تربیت، کتاب و مقاله و پایان‌نامه‌هایی نگارش یافته؛ اما هیچ‌کدام به صورت جامع و خاص، به بیان مبحث خودتربیتی از منظر امام علی (ع) نپرداخته و در کنار پرداختن به مباحث دیگر، به ذکر چند مورد از موانع تربیت اکتفا نموده است. همچنین هیچ‌کدام مفهوم کمال انسانی را از کلام امام علی (ع) استخراج ننموده‌اند. در این مقاله، به صورت جامع، به بیان موانع درونی خودتربیتی در تحقق کمال انسانی جامعۀ اسلامی از منظر امام علی (ع) پرداخته شده است.

تعریف تربیت

واژه‌ی تربیت از ریشه «رَبَّوْ» و باب تفعیل، به معنای زیادت، فزونی و رشد گرفته شده است. (ابن فارس، ج ۲، ص ۴۸۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۱۲۶) الرب: در اصل به معنی تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حد نهائی و تمام و کمال آن برسد. (راغب اصفهانی، ج ۲، ص ۲۹) هدف از تربیت نیز همین است، یعنی فراهم کردن زمینه‌های لازم، برای شکوفا شدن استعدادهای انسان و به فعلیت درآمدن آن و رسیدن به نهایت کمال. علاوه بر این، تربیت به معنای تهذیب نیز استعمال شده که به معنای زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است. در واقع در این استعمال منظور آن است که تهذیب اخلاقی، مایه‌ی فزونی مقام و منزلت معنوی می‌باشد، در نتیجه می‌توان تهذیب را تربیت دانست. (باقری، ۱۳۹۷ ش: ج ۱، ص ۵۲)

در قرآن کریم واژه‌ی تربیت عمدتاً به معنای رشد و نمو جسمی به کار رفته است، چنان‌که می‌فرماید: «قُلْ رَبِّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء/ ۲۴) «و بگو: پروردگارا، آن دو (والدین) را



رحمت کن چنان که مرا در خردی پروردند.» (دشتی، محمد. ترجمه نهج البلاغه. ص ۷۳۹)
«کلمه صغیر (کوچک) در برابر کبیر (بزرگ) است و این قرینه‌ای است بر آن که «تربیت» در این
آیه به معنای رشد و نمو جسمی (از ربو) است و معادل دقیق آن در زبان فارسی، «بزرگ
کردن» است.» (باقری، ۱۳۹۷: ۵۲)

امام علی علیه السلام در گفتاری فصیحانه مدح بلیغی درباره انصار (یارانی که اهل مدینه بودند و
به پیغمبر صلی الله علیه و آله پیوستند) بیان کرده، می‌فرماید: «هُمْ وَ اللَّهُ رَبُّواَ الْإِسْلَامَ كَمَا يُرَبِّي
الْفُلُوَ مَعَ غَنَائِهِمْ بِأَيْدِيهِمُ السَّيَاطِ وَ أَلْسِنَتِهِمُ السَّلَاطِ»؛ (سید رضی، ح ۴۶۵، ۵۵۷) «به خدا سوگند!
آنها اسلام را پروراندند، چونان مادری که فرزندش را پروراند، با توانگری، با دست‌های بخشنده
و زبانهای برنده و گویا.» (دشتی، ۱۳۷۹: ۷۳۹) در این گفتار حکیمانه، امام علیه السلام، هم اشاره
به نقش انصار در پیشرفت اسلام کرده و هم دو صفت برجسته آنها را بیان نموده است. در
قسمت اول، کار آنها را تشبیه به پرورش فرزند می‌کند هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و
آله از مکه به مدینه هجرت کرد در واقع اسلام همچون نهال یا کودکی بود که هنوز پرورش
نیافته بود. انصار و یاران مدینه به سرعت به آن پیوستند و از آن حمایت کردند تا اسلام پرورش و
گسترش یافت و این نهال الهی به ثمر رسید. (مکارم شیرازی، پیام امام امیر المومنین علیه
السلام، ج ۱۵، ص ۶۴۱) «طرح اسلام در ساختن و پرداختن انسان، در مفهوم تربیت نمی‌گنجد،
زیرا این مفهوم در استعمال قرآن و روایات به معنای بزرگ کردن و رشد و نمو جسمی
است.» (باقری، ۱۳۹۷: ۵۳) تربیت از دیدگاه اسلام عبارت است از به فعلیت رساندن قوا و
استعدادهای انسان و ایجاد تعادل و هماهنگی در آنها، برای رسیدن به کمال مطلوب، یعنی
شناختن «رب» به عنوان مدبر جهان و انسان و تن دادن به ربوبیت انحصاری خداوند، با عمل
نمودن به تعالیم پیامبر اسلام ص و اهل بیت ع، به منظور وصول به مقام عبودیت و قرب الهی.
(دانش، ۱۸)

مفهوم کمال انسانی

موجودات زنده - اعم از گیاه و حیوان و انسان - استعدادهای متراکم دارند که فراهم آمدن زمینه
ها و شرایط مساعد، موجب بروز و ظهور و به فعلیت رسیدن آن نیروهای نهفته می‌شود و با به
فعلیت رسیدن آن استعدادها، آن موجودات واجد چیزی می‌شوند که پیش از آن فاقد آن بودند.
بدین‌سان تلاش و تکاپوی طبیعی همه موجودات زنده برای تحقق بخشیدن کامل به
استعدادهای درونی آنهاست. پس کمال صفتی وجودی است که موجودی به آن متصف می‌شود

و حاکی از دارایی و غنای حقیقی یک موجود در مقایسه با موجود دیگر است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۳۵-۳۶)

اسلام همان‌سان که در اندیشه و باور، شریعت توحیدی است و به توحید و یگانگی در خالقیت، ربوبیت، توحید در افعال، توحید در عبادت و اطاعت باور دارد، در تربیت و اهداف تربیت انسانی نیز توحیدگراست. در نگرش اسلامی، برای انسان، چه در افعال و حرکت‌های تکوینی و چه در افعال و حرکت‌های تشریحی و ارادی، هدف و مقصدی جز خدا شناخته نمی‌شود. کمال و تربیت مطلوب و ممکن برای انسان‌ها، ره سپردن به همین مقصد و غایت یگانه هستی، یعنی خداوند است. راه رسیدن و قرب به خداوند نیز تنها در پرتو عبودیت و بندگی الهی قابل دستیابی است؛ (هاشمی، ۱۳۸۸: شماره ۵۹ و ۶۰) «بدین ترتیب، آنچه در فرجام و چشم‌انداز تربیت اسلامی قرار دارد، خداگونه شدن، آراسته گشتن به آرایه‌های خدا، رشد و کمال معنوی انسان و رسانیدن او به مقام قرب ربوبی و پرورش استعداد‌های انسانی از رهگذر بندگی و اطاعت خداوند است. هدف انبیا الهی که نقش بارز و برجسته آنان تربیت انسان‌های بایسته بر اساس مدل و الگوی وحیانی به شمار می‌رود، جز این نبوده است که با تکیه بر ایمان و معنویت، انسان را به جایی برسانند که تکامل و رشد و هدف زندگی خویش را سعادت و رستگاری در گستره ابدیت بدانند و آن را در سایه عنایات بی‌کران حق تعالی جستجو کند و تمام حرکات و سکنات خود را تنها برای خدا و تسلیم و تعبد محض در برابر اراده او بدانند.» (هاشمی، ۱۳۸۸: شماره ۵۹ و ۶۰)

مفهوم کمال انسانی از منظر امام علی (ع)

مفهوم کمال انسانی در کلام امام علی (ع) به این‌گونه موارد بیان شده است:

۱. حَسْبُكَ مِنْ كَمَالِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يُحْمَدُ بِهِ؛ (حلوانی، ۱۴۰۸: ۴۴) کمال این است که انسان به جایی برسد که کاری را که بر آن ستایش نمی‌شود را ترک کند.
۲. كَمَالُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَ قِيَمَتُهُ فَضْلُهُ؛ (تصحیح رجایی، ۱۴۱۰: ۵۳۸) تمامیت مرد به عقل او و بهائش باندازه کمال و فضلش می‌باشد. (ترجمه انصاری قمی، ۱۳۳۷: ۵۷۳) یعنی عاقل باشد، عقل داشته باشد و از عقل خود به درستی بهره ببرد.
۳. مِنْ كَمَالِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يُجْمَلُ بِهِ، وَ مِنَ الْحَيَاءِ أَنْ لَا يُلْقَى أَحَدًا بِمَا يَكْرَهُ؛ (دیلمی، ۱۴۰۸: ۱۲۷) انسان باید آن چیزی را که برایش زیبا نیست را ترک کند، کمال یعنی انسان کار ناشایست انجام ندهد.

۴. كَمَالُ الرَّجُلِ بَسْتٌ خِصَالِ اصْغَرِيهِ وَ اكْبَرِيهِ وَ هَيْبَتِيهِ، فَاَمَّا اصْغَرَاهُ، فَقَلْبُهُ وَ لِسَانُهُ، اِنْ قَاتَلَ قَاتِلًا بِجَنَانٍ، وَ اِنْ تَكَلَّمَ تَكَلَّمَ بِبَيَانٍ، وَ اَمَّا اكْبَرَاهُ، فَعَقْلُهُ وَ هِمَّتُهُ، وَ اَمَّا هَيْبَتَاهُ، فَعَالُهُ وَ جَمَالُهُ؛ (ابن بابویه



۱۳۶۲: ۱/ ۳۳۸) کمال مرد به شش خصلت است: به دو عضو کوچک او و دو شیء بزرگش و دو هیئت او. دو عضو کوچک او دل و زبان اوست؛ اگر بجنگد، با دلش می‌جنگد و اگر سخن بگوید، با زبانش سخن می‌گوید. دو عضو بزرگ او، خرد و همت اوست و دو هیئت او مال و جمال اوست.

۵. لَنْ تُدْرِكَ الْكَمَالَ حَتَّى تَرْقَى عَنِ النَّقْصِ؛ (آمدی، تصنیف غرر الحکم، بی تا ۳۲۴) هرگز به کمال نخواهی رسید تا از نقص برتری گیری. (ترجمه رسولى محلاتی، ۱۳۷۸: ۲/ ۳۹۲)
۶. مِنْ كَمَالِ الْإِنْسَانِ وَ وَفُورِ فَضْلِهِ اسْتِشْعَارُهُ بِنَفْسِهِ النُّقْصَانَ؛ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۷۱) از کمال انسان و فضل افزون او است که نقصان و کمبود را همچون جامه‌ای زیرین پیوسته بر تن خود لمس کند (و همیشه خود را ناقص بداند و درصدد کمال بیشتری باشد). (ترجمه رسولى محلاتی، ۱۳۷۸: ۲/ ۳۹۲)

۷. الْكَمَالُ فِي ثَلَاثِ الصَّبْرِ عَلَى النَّوَائِبِ وَ التَّوَرُّعِ فِي الْمَطَالِبِ وَ إِسْعَافِ الطَّالِبِ؛ (تصنیف غررالحکم، بی تا: ۲۸۲) کمال در سه چیز است: شکیبایی بر سختیها؛ و پارسایی ورزیدن درخواستها؛ و برآوردن حاجت دیگران. (درایتی، ۱۳۸۱: ۳۷۵)
۸. فَإِنَّ كَمَالَ الْإِنْسَانِ إِنَّمَا هُوَ بِالْعِلْمِ الَّذِي يُضَاهِي بِهِ مَلَائِكَةَ السَّمَاءِ؛ (شهید ثانی، ۱۴۰۹ ق: ۹۱) کمال انسان به واسطه علمی است که با آن مشابهت پیدا می‌کند با ملائکه آسمان.

۹؛ و ان الله تعالی ذکر آیات تدل علی ان کمال الانسان الذی هو کونه عارفاً بالله و توحیده؛ (صدر الدین شیرازی، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۱۶) کمال انسانی که همان بودنش به عنوان عارف به خدا و توحید خداست؛ یعنی آیاتی وجود دارد که این را می‌فهماند.

۱۰. قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ وَ صِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مَرْوَتِهِ وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَنْفَتِهِ وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ق: حکمت ۴۷. ص ۴۷۷) ارزش مرد به اندازه همت اوست و راستگویی او به میزان جوانمردی اش و شجاعت او به قدر ننگی است که احساس می‌کند و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست. (دشتی، ۱۳۷۹: ص ۶۳۵)

حضرت علی (ع) در هریک از عبارات، قسمتی از کمال انسانی را معرفی نموده‌اند که با در نظر گرفتن همه آنها می‌توان کمال انسانی را از منظر امام علی (ع) بدین شرح تعریف کرد: از منظر حضرت کمال انسان به این است که انسان بفهمد نقایصی دارد و از عقل خود برای فهمیدن خوب و بد استفاده نماید و اعمال ناصالح را ترک کند، به عبارتی دیگر آنچه باعث مذمت او می‌شود انجام ندهد و اراده نماید تا نقایص خود را برطرف کند و سعی نماید اراده‌اش در بالاترین درجه باشد و به این ترتیب از نقایص مبرا گردد و در سختی‌هایی که در این زمینه برای او ایجاد

می شود صبر داشته باشد و به خواسته‌های نفسانی که موجب گناه می‌شود توجه نکند و در این راه دائماً به علم خود بیافزاید تا به این ترتیب روح و نیت او اصلاح شده و زبان او نیز در نهایت اصلاح گردد و در نتیجه پیمودن این راه به معرفت الهی و توحید برسد.

مفهوم خودتربیتی

خودتربیتی یعنی اینکه انسان به تربیت و پرورش استعدادها و توانایی‌های خود در جهت نیل به کمال انسانی خویش پردازد. خود تربیتی مقدمه ای است برای تربیت دیگران و تا انسان خود را بسازد و در اخلاق و رفتار آراسته به صفات الهی نشود، نمی‌تواند در محیط تاثیر بگذارد. بهتر است که انسان برای پیمودن این مسیر و نیز تحقق کمال انسانی خود، از کلام گهربار حضرت علی (ع) که ایشان الگوی عالی تربیتی هستند، استمداد جوید. امیرالمومنین علی (ع) در این باره می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مَعْلَمِ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبَهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مَعْلَمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ» (سید رضی، ۱۴۱۴ ق: ح ۷۳، ص ۴۸۰) «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.» (دشتی، ۱۳۷۹: ص ۶۳۹) اشاره به یک واقعیت مسلم عقلانی دارد که تا انسان خودش چیزی را نداشته باشد، نمی‌تواند به دیگران اهدا کند. اضافه بر این، مردم سخنان کسی را که به گفتار خود پایبند و آثارش در زندگی او نمایان نیست، هرگز نمی‌پذیرند و به خود می‌گویند: اگر او این سخنان را باور می‌داشت نخست خودش به آن عمل می‌کرد. (مکارم شیرازی، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۵: ۴۳۷/۱۲) بنابراین، «هر گاه انسان نخست به تعلیم و تادیب خویش پردازد، تأثیر سخنانش بیشتر و عمیق‌تر است در حالی که اگر کسی تنها به تادیب مردم پردازد و از خویش غافل بماند روزی فرا می‌رسد که مردم از این امر آگاه می‌شوند و از او روی برمی‌گردانند. در روایات نیز آمده است که این کار از نشانه منافقان است که انسان دیگران را به نیکی‌ها و ترک بدی‌ها دعوت کند و خود به این اندرز عمل ننماید.» (مکارم شیرازی، پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۵: ۴۳۸/۱۲)

خودشناسی

نخستین گام در خودتربیتی، خودشناسی است. شناخت و معرفت یافتن نسبت به نفس خود و ماهیت حقیقی خود، امری است که از همان ابتدای خلقت و بعثت انبیا به بشر توصیه شده است. زمانی که فردی نسبت به شخصیت و ماهیت خود اطلاع کافی یابد، در صدد برمی‌آید تا نواقص





وجودی خویش را رفع کرده و به کمال برساند و همچنین حسنات موجود در نفس خود را پرورش دهد. معرفت نفس یا خودشناسی سبب آزادی از قید و بند اسارت ها و پاکسازی نواقص و موانع اخلاقی می‌گردد. فردی که قصد خودتربیتی دارد ابتدا باید خود را به خوبی و کمال بشناسد و سپس به برطرف کردن عیوب و پرورش حسنات خود بپردازد. (توکل بنیزی، ۱۳۹۰: ۳۴) منظور از خودشناسی اطلاع از صفات، فعالیت ها و چگونگی تأثیر و تأثر خود از کالبد جسمانی و دنیای مادی و همچنین اطلاع از استعدادها و نیروهای آن است. (جعفری تبریزی، ۱۴ / ۷۸) (جعفری تبریزی، محمد تقی. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. ج ۱۴. ص ۷۸). امام علی (ع) انسان را از غفلت از نفس بسیار نهی کرده‌اند و فرموده‌اند: «لَا تَجْهَلُ نَفْسَكَ فَإِنَّ الْجَاهِلَ مَعْرِفَةَ نَفْسِهِ جَاهِلٌ بِكُلِّ شَيْءٍ»؛ (تصنیف غرر الحکم، بی تا ۲۳۳) «به نفس خود نادان مباش، همانا کسی که به شناخت نفس خویش نادان است به همه چیز نادان است.» (ترجمه تصنیف غرر الحکم، ۱۳۸۱: ۲۹۶)، (برای اینکه معرفت نفس اصل معارف است، کسی که آن را نشناخت گویا هیچ چیزی را نخواهد شناخت) (علی بن ابی طالب (ع)، گفتار امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۴۶۹) امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ لِمَنْ تَعَلَّمَ مِنْ أَيْنَ جِئْتَ لَمْ تَعْلَمْ إِلَى أَيْنَ تَذْهَبُ» (شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، بی تا ۲۰ / ۲۹۲) اگر ندانی از کجا آمده‌ای نخواهی دانست به کجا می‌روی. شناخت هرچه بیشتر انسان از خود، باعث رشد و رسیدن به سعادت و هدف نهایی او در زندگی یعنی کمال انسانیت می‌گردد. اگر کسی خود را نشناسد و عیوب و نواقص خود و توانمندی‌های بالقوه‌ی نفس خود آگاهی نداشته باشد، هرگز به دنبال خودتربیتی، رفع موانع و کسب کمالات انسانی نخواهد رفت و پیشرفت نخواهد کرد. چنانچه حضرت می‌فرماید: «مَنْ عَجَزَ عَنْ مَعْرِفَةِ نَفْسِهِ فَهُوَ عَنْ مَعْرِفَةِ خَالِقِهِ أَعْجَزُ» (شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، بی تا: ۲۰ / ۲۹۲) " کسی که از شناخت نفس خویش ناتوان باشد از شناخت خالقش نیز ناتوان خواهد بود." می‌توان گفت، خودشناسی این امکان را به انسان می‌دهد تا با اطلاع از خصوصیات نفس خویش، به شناخت پروردگار و بهبود حیات و نیز زندگی اجتماعی خویش کمک نماید. (توکل بنیزی، ۱۳۹۰، ۳۵) «خودشناسی به معنی این است که انسان مقام واقعی خویش را در عالم وجود درک کند، بداند خاکی محض نیست، پرتوی از روح الهی در او هست، بداند که در معرفت می‌تواند بر فرشتگان پیشی بگیرد، بداند که او آزاد و مختار و مسئول خویشتن و مسئول افراد دیگر و مسئول آباد کردن و بهتر کردن جهان است.» (مطهری. بی تا: ۲۸۳/۲)

موانع درونی خودتربیتی

«مانع در اصطلاح به معنای هر چیزی است که ایجاد سد نماید، یا بازدارندهٔ انسان برای تعالی و رشد باشد. به همین جهت هر موجود زنده برای رشد مادی و معنوی خود، به یک سری عوامل احتیاج دارد و در عین حال، باید موانع رشد را هم از مسیر راه برطرف نماید.» (تقریبی، ۱۳۹۱: ۲۳)

از نظر شهید مطهری، انسان‌های آزاد کسانی هستند که با موانعی که در مسیر رشد و تکاملشان پدید می‌آید، مبارزه می‌نمایند و تن به وجود مانع نمی‌دهند. (مطهری. آزادی معنوی. بی‌تا: ۱۳)

موانع خودتربیتی به دو قسمت تقسیم می‌گردند: قسمتی از این موانع ناشی از قصور و کوتاهی خود انسان‌هاست و در نفس انسان ایجاد می‌شوند که به آن موانع درونی می‌گویند و قسمتی دیگر ناشی از محیط و اجتماعی است که انسان در آن زندگی می‌کند و خارج از نفس انسان شکل می‌گیرد که به آن موانع بیرونی می‌گویند؛ بنابراین هر دو موانع درونی و بیرونی در خودتربیتی تأثیر می‌گذارند. باتوجه به کلام حضرت علی (ع) می‌توان با شناخت موانع، حق را از باطل تشخیص داد و راه کمال انسانی را پیدا کرد. موانع درونی شامل سه بخش است: ۱- موانع اعتقادی، ۲- موانع اخلاقی و ۳- موانع رفتاری که هر یک از این موانع به صورت جداگانه یا باهم، می‌توانند سبب انحراف اعتقادی و آلوده شدن انسان به رذائل اخلاقی گردد که در نتیجه در رفتار فرد نیز تأثیر مخرب می‌گذارند و انسان را از مسیر اصلی دین خارج می‌گردانند.

موانع اعتقادی

در این قسمت به بیان مواردی که به آن موانع درونی و اعتقادی خودتربیتی می‌گویند و منجر به انحراف اعتقادی می‌گردد، پرداخته می‌شود.

غفلت

غفلت به معنای آن است که چیزی حاضر باشد ولی انسان بدان توجه نکند و آن را فراموش کند، انسانی که هدف از خلقت او بنابر آموزه‌های قرآن و سخنان اهل بیت (ع) رسیدن به قرب الهی و رسیدن به کمال انسانیت است، نیاز است برای پیمودن این مسیر آگاهی‌های لازم را کسب کرده و در پرهیز از مواجهه با موانع، نهایت تلاش خود را به کار گیرد. غفلت بزرگترین مانع در حرکت به سوی هدف از خلقت و کمال است.

غفلت خود اقسامی دارد که لازم است انسان با شناخت صحیح، از گرفتار شدن در دام آن‌ها بگریزد و بداند که غفلت از هر کدام از این اقسام، خود موجب بیماری‌هایی می‌باشد که به حال انسان در مسیر خودتربیتی و رسیدن به کمال انسانیت مضر است.



غفلت از خداوند

ریشه تمامی بدبختی های بشر و گرفتاری های او و فساد و گناهان و... همه نشأت گرفته از یک امر بیشتر نیست و آن هم غفلت از یاد خداست. انسان مومن پس از آنکه به یقین دانست که خداوند یکتاست و در هیچ مرتبه ای از مراتب ربوبیت شریک ندارد، به حکم عقل و ایمان و در مقام اطاعت و فرمانبرداری، غیر او کسی را فرمانده خود قرار نخواهد داد و فقط او را شایسته ی اطاعت می داند و بس و سایر مخلوقات را با خود در این جهت یکسان می داند که همگان عاجز و ضعیف اند و از خود هیچ ندارند و علت اینکه بعضی از انسانها به جای خدای حقیقی خدایانی بدلی را به عنوان معمول میپرستند برای آن است که از شناخت خدای عزوجل غافل شده اند. (محمدیان، ۱۳۹۲: ۲۶) از علائم غفلت از خدا همین بس که گاهی انسان برای حل مشکلاتش به غیر از خدا پناه می برد حال آن که گره تمام مشکلات فقط به دست خداوند رحمان باز می شود و در پرتو لطف الهی رشد و تربیت می یابد. امام علی (ع) می فرماید: «مَنْ أَعْبَنُ مِمَّنْ بَاعَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بَغَيْرِهِ» (غرر الحکم) (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: ۵۹۵) «زیانکارتر از کسی که خداوند را به دیگری بفروشد، کیست؟» (درایتی، ۱۳۸۱ ه.ش: ۲۳۸) انسانی که خداوند را به دیگران بفروشد و به جای خداوند از آنها یاری جوید از زیان کاران است؛ و به طور خلاصه، غفلت از خداوند رحمان از بدترین فراموشی ها و منشأ بسیاری از گناهان و سقوط انسان در پرتگاه ضلالت است. انسانی که خداوند را می شناسد از او غفلت نمی نماید زیرا به پروردگار رغبت دارد و می داند که تنها راه نجات و قرارگیری در مسیر خودتربیتی و کمال انسانیت، در پناه بردن به خداوند متعال است. (محمدیان، ۱۳۹۲: ۲۸) یاد خداوند، زمانی در انسان مؤثر است که مستمر و بسیار باشد و تنها با زبان و گفتار نیست، بلکه در هر فکر، کار و حرکتی رضایت خداوند را در نظر داشتن است. (قرائتی، ۱۳۸۳ ه.ش: ۳۷۷-۳۷۸)

غفلت از خود

بین دو مانع درونی هم چون غفلت از خدا و غفلت از خود، رابطه ای برقرار است، به گونه ای که می توان گفت، غفلت از خود، ثمره غفلت از خداست. فراموشی پروردگار که قدم اول غفلت است، سبب می شود که انسان در لذات مادی و شهوات حیوانی فرو رود و هدف آفرینش خود را به فراموشی سپارد و در نتیجه از ذخیره لازم برای فردای قیامت غافل بماند که در این حالت از حیوانات نیز پست تر خواهد شد، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ه.ش: ۲۳ / ۵۴۰) از سوی دیگر فراموش کردن خدا همراه با فراموش کردن صفات پاک او است و هر چه غیر او است وابسته به او و نیازمند به ذات پاکش می باشد و همین امر سبب می شود که انسان خود را مستقل و غنی و بی

نیاز بشمرد و به این ترتیب واقعیت و هویت انسانی خویش و نیز ارزشها و استعدادها و لیاقتهای ذاتی خود را که خدا در او نهفته و از بقیه مخلوقات ممتازش ساخته، به دست فراموشی می سپرد و این مساوی با فراموش کردن انسانیت خویش است، در نتیجه به دلیل گرایش به پستیها استعدادهایش بلا استفاده مانده و از اطاعت الهی خارج شده و فرصت خودتربیتی را از دست می دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ه.ش: ۲۳ / ۵۴۱) امام علی (ع) می فرماید: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ نَفْسَهُ بَعْدَ عَن سَبِيلِ النَّجَاةِ وَ خَبَطَ فِي الضَّلَالِ وَ الْجَهَالَاتِ» (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: ۶۵۶) «کسی که خود را نشناسد از راه رستگاری دور شود و در گمراهی و نادانی فرو رود.» (درایتی، ۱۳۸۱ ه.ش: ۲۹۶)

انسانی که قدم در مسیر خودتربیتی می گذارد، باید هوشیار باشد و بداند که با جهالت به نفسش این مسیر (خودتربیتی) ممکن نخواهد بود و جهالت به نفس، خود انحرافی است که انسان را از رسیدن به کمال انسانیت باز داشته و خود مقدمه ای خواهد شد برای غفلت از موارد دیگر، شامل؛ خدا، معاد، دین و... و همچنین آلوده شدن به انواع گناهان و هم نشینی با شیاطین. چنانچه امیرالمومنین علی (ع) می فرماید: «لَا تَجْهَلْ نَفْسَكَ فَإِنَّ الْجَاهِلَ بِمَعْرِفَةِ نَفْسِهِ جَاهِلٌ بِكُلِّ شَيْءٍ» (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: ۷۵۵) «بنفس خویش نادان میاش زیرا کسی که خود را نشناسد بهمه چیز نادان خواهد بود.» (غرر الحکم (ترجمه انصاری قمی)، ۱۳۳۷ ه.ش: ۲ / ۸۱۴) عالم واقعی کسی است که جایگاه و ارزش خود را در این جهان هستی در برابر عظمت پروردگار بشناسد؛ بداند ذره ای ناچیز است که وابسته به وجودی است بی پایان؛ و همین وابستگی او را به خدا آشنا می سازد و در مسیر قرب الی الله حرکت می دهد؛ شبیه آنچه در تفسیر حدیث مشهور «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق: ۲ / ۳۲، حدیث ۲۲) آمده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش: ۴ / ۴۱۸) امام علی (ع) می فرماید: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ كَيْفَ يَعْرِفُ رَبَّهُ» (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: ۴۶۱) «عجب دارم از کسی که خود را نمی شناسد چگونه پروردگارش را می شناسد.» (غرر الحکم (ترجمه انصاری قمی)، ۱۳۳۷ ه.ش: ۲ / ۴۹۵)

غفلت از آخرت

فراموش کردن روز رستاخیز و حشر و بعث، یکی از موانع اعتقادی و مهم در مسیر خودتربیتی و کمال انسانیت می باشد که نتیجه ای جز طغیان و نافرمانی ندارد. گمراهی از طریق حق از فراموشی "یوم الحساب" سرچشمه می گیرد و نتیجه اش عذاب شدید الهی است. اصولاً فراموشی روز قیامت همیشه سرچشمه گمراهیها است و هر گمراهی آمیخته با این فراموشکاری



است و این اصل تاثیر تربیتی توجه به معاد را در زندگی انسانها روشن می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ه.ش: ۱۹ / ۲۶۴) فراموش کردن دادگاه عدل قیامت، منجر به دور شدن انسان از مسیر خودتربیتی و کمال انسانیت می‌شود و در این صورت است که انسان خود را در برابر قانون‌شکنی‌ها و مظالم آزاد می‌بیند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ه.ش: ۱۷ / ۱۳۹) در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است که وارد بازار بصره شد در حالی که همه حریصانه مشغول خرید و فروش بودند و از یاد خدا غافل. امام علیه السلام آن‌ها را صدا زد و فرمود: «يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا وَعَمَالَ أَهْلِهَا إِذَا كُنْتُمْ بِالنَّهَارِ تَحْلِفُونَ وَبِاللَّيْلِ فِي فُرْشِكُمْ تَنَامُونَ وَفِي خِلَالِ ذَلِكَ عَنِ الْآخِرَةِ تَغْفُلُونَ فَمَتَى تَجْهَرُونَ الزَّادَ وَتَتَفَكَّرُونَ فِي الْمَعَادِ؛ هنگامی که شما در روز (برای به چنگ آوردن ثروت بیشتر) پیوسته سوگند یاد می‌کنید و شب در بستر خود می‌خوابید و در میان این دو از آخرت غافلید پس کی می‌خواهید زاد و توشه قیامت را فراهم سازید و درباره معاد بیندیشید؟ در این میان مردی عرض کرد: ای امیرمؤمنان! ما چاره‌ای جز طلب معاش نداریم. اگر نکنیم چه کنیم؟ امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «إِنْ طَلَبَ الْمَعَاشَ مِنْ جِلِّهِ لَا يَشْغُلُ عَنْ عَمَلِ الْآخِرَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰۰ / ۳۲) طلب معاش از طریق حلال هرگز انسان را از آخرت غافل نمی‌سازد. سپس امام علیه السلام بعد از بیان نکات دیگر در پایان حدیث به این آیات استشهد فرمود: «فَأَمَّا مَنْ طَغَى * وَ أَثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى؛ اما کسی که طغیان کند و زندگی دنیا را مقدم بشمرد مأوای او دوزخ است.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق: ۱۰۰ / ۳۲، ح ۶۰)

از جمله هشدارها و تذکرات جدی که امام علی (ع) به مردم داشته‌اند، همین یادآوری روز آخرت و حساب و کتاب است، چنانچه ایشان می‌فرمایند: «اعْمَلُوا لِيَوْمٍ تَذْخِرُ لَهُ الذَّخَائِرُ وَ تَبْلَى فِيهِ السَّرَائِرُ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق: خطبه ۱۲۰، ص ۱۷۶) «مردم! برای آن روز که زاد و توشه ذخیره می‌کنند و اسرار آدمیان فاش می‌گردد، عمل کنید.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش: ص ۲۲۹) هم‌چنین در کلامی دیگر تاکید می‌فرمایند که: «إِنَّمَا خَلَقْتُمْ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا وَ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ.» (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: ۲۷۰) «به راستی که شما برای آخرت آفریده شده‌اید نه برای دنیا و برای ماندن خلق شده‌اید نه برای فانی شدن.» (غرر الحکم (ترجمه رسولی محلاتی)، ۱۳۷۸ ه.ش: ۱ / ۵۰) حضرت در ابتدای جمله چندین بار هشدار می‌دهند که مبدا از سرای آخرت غافل شوید و مبدا با پرداختن به دنیا و دلبستگی‌ها، آخرت را از یاد ببرید.

امام علی (ع) از شگفتی خویش برای غافلان می‌فرماید: «عَجِبْتُ لِعَفْلِهِ ذَوِي الْأَلْبَابِ عَنْ حُسْنِ الْإِرْتِيَادِ وَ الْإِسْتِعْدَادِ لِلْمَعَادِ» (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: ۴۶۰) «در شگفتی از بی‌خبری خردمندان از اینکه برای روز رستاخیز طلب نیکو کنند و خود را آماده نمایند.» (غرر

الحکم (ترجمه رسولی محلاتی)، ۱۳۷۸ ه.ش: ۵۸ / ۱) از متون اسلامی و سخنان گهربار حضرت علی (ع) چنین بر می آید که یکی از امور مهمی که مورد غفلت و فراموشی انسان‌ها قرار گرفته، آخرت و حسابرسی آن روز است که در صورت پرداختن به این صفت ناپسند، انسان هزینه‌ی بسیار زیادی هم در دنیا و هم آخرت متحمل خواهد شد و یکی از عواملی که سبب حسرت خوردن انسان‌ها در قیامت می‌شود، همین غفلت آن‌ها از روز حسابرسی و حضور در دادگاه عدل الهی است. (محمدیان، ۱۳۹۲ ه.ش: ۳۶) امام علی (ع) همواره در باب هوشیاری نسبت به آخرت توصیه نموده‌اند و می‌فرمایند: «تُوبُوا مِنَ الْغَفْلَةِ وَ تَنْهَبُوا مِنَ الرِّقْدَةِ وَ تَاهَبُوا لِلنَّقْلِهِ وَ تَزِدُّوا لِلرِّحْلَةِ» (تصنیف غرر الحکم، بی‌تا: ۱۴۹) «از بی‌خبری باز گردید و از خواب (غفلت) بیدار شوید و برای انتقال آماده شوید و برای رفتن، توشه بردارید.» (درایتی، ۱۳۸۱ ه.ش: ۱۹۴) توجه به آخرت و یاد آن، سبب بیداری و آگاهی انسان می‌شود و او را به انسانی عابد و فرمانبردار تبدیل می‌کند و در مسیر خودتربیتی یاری کرده و از گرفتاری در وادی گناهان و وسوسه‌های شیطان باز داشته و در نهایت به کمال انسانیت می‌رساند.

غفلت از دشمن

غفلت و بی‌توجهی نسبت به دشمن یکی از موانع مهمی است که آسیب‌های جدی به انسان و زندگی او وارد می‌کند. این ضربه‌ها می‌تواند یا مادی باشد و یا معنوی و یا هر دو. بیشتر شکست‌هایی که در طول تاریخ رخ داده ناشی از غفلت از دشمن بوده است. انسان در طول زندگی دشمنانی دارد که در پی آن هستند تا دین و دنیای انسان را بربایند و نگذارند رشد کند و به کمال برسد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «لَا تَسْتَصْرِغَنَّ عَدُوًّا وَ إِنِّ ضَعْفٌ» (آمدی، بی‌تا: ۳۳۴) «هیچ دشمنی را کوچک مشمار هر چند ضعیف و ناتوان باشد.» (علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۸ ه.ش: ۲ / ۹۰۹) روایت دلالت دارد بر اینکه از دشمن غافل نشوید و مبادا بخاطر غفلت از دشمن او را دست کم بگیرید که به شما ضربه خواهد زد. (محمدیان، ۱۳۹۲: ۴۰)

شیطان

اولین و مهمترین دشمن انسان، شیطان است. انسان دشمنان سرسختی دارد؛ دشمنانی قسم خورده، مثل شیطان. شیطان به عنوان کسی که با سرکشی از فرمان‌های خداوند در مسیر تکاملی دیگران قرار می‌گیرد، دشمن واقعی انسان است، او برای دشمنی با انسان و گمراه نمودن آدمی سخنان باطل و ناروای خود را هرگز به طور مستقیم بیان نمی‌کند، بلکه آن را آراسته و با بهره‌گیری از همه‌ساز و کارهای روان‌شناسی و آرایه‌های ادبی در بهترین و زیباترین شکل عرضه می‌کند. (رحیم زاده، ۱۳۹۶ ه.ش: ۵۵) مبارزه حق و باطل در طول تاریخ وجود داشته و



تمام پیامبران، دشمنانی از شیاطین انس و جن داشته‌اند. خداوند انسان را آزاد آفریده و به او قدرت اختیار داده است تا در این درگیری‌های میان حق و باطل، رشد کند و تربیت یابد. (قرآنی، محسن. ۱۳۸۳ ه.ش: ۳/ ۳۳۳) امام علی (ع) در نهج البلاغه به انسان از دشمنی شیطان هشدار می‌دهند و می‌فرمایند: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي ... حَذَرَكُمْ عَدُوًّا نَفَذَ فِي الصُّدُورِ خَفِيًّا وَ نَفَثَ فِي الْأَذَانِ نَجِيًّا فَأَصْلَ وَ أَرْدَى وَ وَعَدَ فَمَنَى وَ زَيْنَ سَيِّئَاتِ الْجَرَائِمِ وَ هَوْنَ مُوْبِقَاتِ الْعِظَائِمِ حَتَّى إِذَا اسْتَدْرَجَ قَرِينَتَهُ وَ اسْتَغْلَقَ رَهِيئَتَهُ أَنْكَرَ مَا زَيْنَ وَ اسْتَعْظَمَ مَا هَوْنَ وَ حَذَرَ مَا أَمِنَ» (سیدرضی. ۱۴۱۴ ه.ق: خ ۸۳/ص ۱۱۲) «سفارش می‌کنم شما را به پروا داشتن از خدا، خدایی که ... شما را پرهیز داد از دشمنی شیطانی که پنهان در سینه‌ها راه می‌یابد و آهسته در گوش‌ها راز می‌گوید، گمراه و پست است، وعده‌های دروغین داده، در آرزوی آنها به انتظار می‌گذارد، زشتی‌های گناهان را زینت می‌دهد، گناهان بزرگ را کوچک می‌شمارد و آرام آرام دوستان خود را فریب داده، راه رستگاری را بر روی در بند شدگانش می‌بندد و در روز قیامت آنچه را که زینت داده انکار می‌کند و آنچه را که آسان کرده، بزرگ می‌شمارد و از آنچه که پیروان خود را ایمن داشته بود سخت می‌ترساند.» (نهج البلاغه (ترجمه دشتی)، ۱۳۷۹ ه.ش: ۱۳۷)

در این بخش از خطبه، امام علیه السلام به یکی از خطرات بسیار مهمی که سعادت انسان را تهدید می‌کند، اشاره می‌فرماید و آن خطر، وسوسه‌های شیطان و توطئه‌های او است که برای فریب آدمی از مؤثرترین وسایل بهره می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش: ۳/ ۴۱۸) شیطان گمراه کننده است؛ یعنی مردم را از پیمودن راه حق باز می‌دارد و با وعده‌های دروغ و آرزوهای دور و درازی که به آنها می‌دهد همه را وارد دوزخ می‌کند. بدیها را در نظر آنها می‌آراید، زشتی گناهان را برای مردم زیبا جلوه می‌دهد. گناهان مهلک را برای مردم کم اهمیت نشان می‌دهد. بدین توضیح که آرزوی توبه را در دلها فزون می‌سازد و از حکم عقل که خداوند آمرزنده و بخشنده است برای چنین آرزویی کمک می‌گیرد، این وسوسه‌های شیطانی همچنان ادامه دارد تا این که بتدریج نفس ناطقه انسانی را فریب داده آن گاه او را گروگان می‌گیرد. (ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، ۱۳۷۵ ه.ش: ۲/ ۵۵۰) بنابراین انسانی که قدم در راه سعادت و کمال می‌گذارد، باید با هوشیاری دشمنان خود را بشناسد و با آگاهی و دوری از غفلت، موانع خودتربیتی را یکی پس از دیگری پشت سر گذارد. می‌توان گفت درواقع وجود همین موانع و جدالی که میان حق و باطل است، باعث رشد و ترقی انسان خواهد شد و فرصت تربیت خود و شکوفایی استعدادها و توانایی‌ها را به انسان می‌دهد.

شیاطین منحصر به «ابلیس» و لشکر پنهانی او نیستند، بلکه گروهی از انسانها نیز شیطان نامیده شده‌اند. چرا که کار آنها عینا همان کار شیاطین است که باید مراقب وسوسه‌های همه آنها بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش: ۱ / ۴۶۷) امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد شناخت دشمن می‌فرماید: «مَنْ كَانَ نَفْعُهُ فِي مَضْرَتِكَ لَمْ يَخْلُ فِي كُلِّ حَالٍ مِنْ عَدَاوَتِكَ» (آمدی، بی تا صفحه: ۴۸۲) کسی که سود و نفع او در زیان زدن به تو باشد، در هیچ حالی از دشمنی تو بیرون نخواهد بود. (غرر الحکم (ترجمه رسولی محلاتی)، ۱۳۷۸ ه.ش: ۲ / ۹۹)

کسی که قدم در راه سعادت و کمال گذاشته و هدف او رشد و تربیت خود است باید مراقب باشد و از کسانی که با خدا، دین و راه راست بیگانه‌اند، دوری کرده و همواره در زندگی هوشیار و بیدار باشد؛ زیرا بعضی از انسان‌های شرور در لباس دوستی و مودت با فرد برخورد می‌کنند و رفته رفته دین و دنیای او را با مکر و حيله تباه می‌گردانند. چنانچه امیرالمؤمنین علی ع می‌فرماید: «جَمَاعُ الْغُرُورِ فِي الْاِسْتِنَامَةِ اِلَى الْعَدُوِّ» (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: ۳۴۰) «مجموعه فریب خوردن در آرامش خاطر نسبت به دشمن است.» (غرر الحکم (ترجمه رسولی محلاتی)، ۱۳۷۸ ه.ش: ۲ / ۲۳۸) قدر جامع روایات اشاره دارد به این مطلب که هر کسی در هر لباسی و در هر کجا که باشد اگر قصد دارد دین و ایمان انسان را هدف قرار دهدو آنها را از انسان بریاید دشمن او به حساب می‌آید. گاهی این دشمن، نفس خود انسان است، گاهی نزدیکان او هستند، گاهی بدخواهان او و یا گاهی شیطان است و... (محمدیان، ۱۳۹۲ ه.ش: ۴۱)

موانع اخلاقی

انسان برای رسیدن به عالی‌ترین درجات کمال انسانی و کسب فضائل اخلاقی، نیاز دارد تا با شناخت رذائل اخلاقی که از جمله موانع اخلاقی به شمار می‌روند و دوری از آنها، راه کمال را با استعانت از پروردگار، برای خود هموار سازد تا امکان خودتربیتی برای وی حاصل گردد و در پرتو آن رشد یابد. از جمله موانع رفتاری خودتربیتی به شرح زیر است:

۱- پیروی از هوای نفس

دشمن گاهی از درون و گاهی از بیرون حمله می‌کند، هوای نفس دشمن درونی همیشه بیدار است که در خانه دل لانه گزیده و همه‌جا همراه انسان است و پیوسته او را وسوسه می‌کند و به آلودگی‌ها دعوت می‌نماید. یکی از عمده‌ترین موانع درونی خودتربیتی، پیروی از هوای نفس است که مانع سعادت انسان و عامل سقوط او می‌باشد. (زالی مقصودلو، ۱۳۹۰). انسان عاقل قبل از مبارزه با دشمن بیرون باید با تهذیب نفس، دشمن درون را مهار کند. (احمدیان سیاهکل، ۱۳۹۴. ص ۶۷) امام علی (ع) می‌فرماید: «فَأَمَّا اِتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق:





خطبه ۴۲. ص ۸۳) «اما پیروی از خواهش نفس، انسان را از حق باز می‌دارد.» (دستی، ۱۳۷۹ ه.ش: ص ۹۵)

خداوند به انسان قدرت اختیار و آزادی داده است که می‌تواند با تن دادن به کشش‌ها و تمایلات نفس به جایگاه حیوانیت تنزل کرده و به خوی حیوانیت متخلق گردد و یا با مدیریت هوای نفس و خواهش‌ها و تمایلات آن و بهره‌گیری از قوه عقل و وجدان عقلی و گوش دادن به ندای فطرت به ارزش‌های والای انسانی دست یابد. امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «الْهُوَى عَدُوٌّ مَتَّبِعٌ» (آمدی، بی‌تا: ۳۰۶) «هوای نفس، دشمن پیروی شده است.» (درایتی، ۱۳۸۱ ه.ش: صفحه: ۴۰۹) هوای نفس دشمن سرسخت انسانیت است. چنان‌چه امام علی (ع) می‌فرماید: «الْهُوَى أَعْظَمُ الْعَدُوِّينَ» (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: صفحه ۸۹) «هوای نفس، بزرگترین دشمنهاست.» (غرر الحکم تصحیح رجایی، ص ۴۰۹).

پس انسانی که همت را بر خودتربیتی بنا نهاده است باید بداند که اگر می‌خواهد متخلق به صفات الهی و ارزش‌های والای انسانیت شود و استعدادهای نهفته خود را شکوفا سازد و به کمال انسانیت دست یابد، تنها با غلبه بر هوای نفس می‌تواند رشد کند و مطیع و فرمانبردار خداوند گردد؛ که اگر چنین نکند، عاقبت خوشی نخواهد داشت. حضرت می‌فرماید: «هُوَ أَكْبَرُ عَدُوِّكَ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ فَاعْلِبْهُ وَ اِلَّا اَهْلَكَ» (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، صفحه: ۷۴۰) «هوای نفس از هر دشمنی با تو دشمن‌تر است، بر آن چیره شو و گرنه تو را هلاک می‌کند.» (غرر الحکم (ترجمه رسولی محلاتی)، ۱۳۷۸ ه.ش: ۱/ ۶۰۰) چنین فردی دچار سقوط اخلاقی و انحطاط معنوی می‌گردد. چنان‌چه حضرت می‌فرماید: «مَا اَهْلَكَ الدِّينَ كَالْهُوَى» (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: ۶۸۹) «چیزی مانند هوای نفس، دین را تباه نمی‌کند.» (درایتی، ۱۳۸۱ ه.ش: ۴۱۰) در کلامی دیگر فرمودند: «الْهُوَى هُوَ اِلَى اَسْفَلِ السَّافِلِينَ» (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: ۷۱) «هوای نفس سرنگون کننده است آدمی را در اسفل سافلین (پست‌ترین جاهای پست دوزخ).» (غرر الحکم (ترجمه رسولی محلاتی)، جلد: ۲، ص ۵۸۹).

بین تمام پیکارهای خونین و جنگ‌های طاقت فرسا، مجاهده با نفس سرکش و طغیانگر از همه سنگین‌تر و مقهور ساختن هوا و تمایلات نفسانی از غلبه بر هر دشمن نیرومندی سخت‌تر است. به همین جهت اولیای گرامی اسلام، مجاهده با نفس را جهاد اکبر خوانده‌اند. (باقری طاقانکی، ۱۳۹۰ ه.ش: ص ۴۰). پس انسان کامل باید جهاد اصغر را مقدمه‌ای برای جهاد اکبر بداند. (احمدیان سیاهکل، ۱۳۹۴ ه.ش: ص ۶۸) امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «طُوبَى لِمَنْ غَلَبَ نَفْسَهُ وَ لَمْ تَغْلِبْهُ وَ مَلَكَ هَوَاهُ وَ لَمْ يَمْلِكْهُ» (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: ۸۲۰) «خوشا به

کسی که بر نفس خود غلبه کند و نفس او بر او غلبه نکند و خواهش خود را به فرمان آورد و خود به فرمان او در نیاید.» (درایتی، مصطفی، ۱۳۸۱ ه.ش. صفحه: ۳۱۲)

انسان عاقل باید همواره نسبت به نفس خویش هوشیار باشد، چرا که دشمن درون، همیشه در حال آماده باش است. انسان امیال گوناگونی دارد که گاهی اوقات این امیال از مسیر اصلی خود خارج شده و سر به طغیان می‌گذارد، در نتیجه با زایل کردن عقل، بر وجود انسان حاکم می‌گردد که این حالت انسان را از کمال انسانیت باز می‌دارد. (احمدیان سیاهکل، ۱۳۹۴ ه.ش: ص ۶۷-۶۹) مطابق با کلام نورانی امام علی (ع) درباره کمال انسانی که می‌فرماید: *كَمَالُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَ قِيَمَتُهُ فَضْلُهُ*؛ (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق. صفحه: ۵۳۸) تمامیت مرد به عقل او و بهائش باندازه کمال و فضلش می‌باشد. (غرر الحکم (ترجمه انصاری قمی)، ۱۳۳۷ ه.ش. جلد: ۲، صفحه: ۵۷۳) یعنی انسانی که در زندگی عاقلانه رفتار کند، می‌تواند با قرار گرفتن در مسیر خودتربیتی، رشد یابد؛ بنابراین، هرچقدر به کمال و درجات عالی انسانیت نزدیک‌تر گردد، ارزش و بهائش بیشتر است. همچنین در کلامی دیگر می‌فرماید: *كَمَالُ الرَّجُلِ بِسِتِّ خِصَالٍ اصْغَرِيَهٍ وَ... فَاَمَّا اصْغَرَاهُ، فَقَلْبُهُ وَ لِسَانُهُ، اِنْ قَاتَلَ قَاتِلَ بَجَنَانٍ*؛ (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ه.ش: ج ۱/ ص ۳۳۸) کمال مرد به شش خصلت است: به دو عضو کوچک او... دو عضو کوچک او دل و زبان اوست؛ اگر بجنگد، با دلش می‌جنگد؛ یعنی انسانی که با خواهش‌های نفسانی خود در جهت تربیت و رشد خود مبارزه نماید به اعلی درجات کمال انسانیت می‌رسد.

۲- حب نفس و عجب

«عجب» یعنی بزرگ شمردن عمل صالح و زیاد شمردن آن و مسرور شدن به آن و خود را از حد تقصیر خارج دانستن. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱، ص ۶۱) حضرت علی علیه السلام از اینکه انسان گرفتار عجب و خودپسندی شود، او را باز می‌دارد، زیرا اینکه انسان به خوبی‌های خود اطمینان کند و ستایش را دوست داشته باشد، گرفتار حملات شیطان می‌شود و چه بسا انسان خودپسند با همان اعمال نیکی که انجام داده است به هلاکت می‌رسد. حضرت می‌فرماید: چه بسا کردار نیک، نیکوکاران (خودپسند) را نابود می‌سازد. (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش: نامه ۵۳، ص ۵۸۹) پس فرد باید متوجه باشد که کمالات و فضایی که خداوند به انسان می‌دهد نعمت‌هایی از جانب اوست و اگر بزرگی وجود دارد، برای منعم است. (تهامی، سال ۱۳۸۸. ص ۸۸) حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: *«وَأَوْحَشَ الْوَحْشَةَ الْعُجْبُ»*؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق: حکمت ۳۸، ص ۴۷۵) و ترسناک‌ترین تنهایی خودپسندی است. (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش: ص ۶۳۳) افراد خودبزرگ بین دوستان خود را به زودی از دست می‌دهند، زیرا مردم حاضر نیستند زیر بار چنین افراد خودبین و



خودخواهی بروند و به این ترتیب در زندگی تنهای تنها می‌مانند. چراکه لازمه خودپسندی، خودبرتری و فخرفروشی است و این چیزی است که مردم آن را تحمل نمی‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش: ۱۳، صفحه: ۳۵۶)، در واقع این صفت ردیله تاثیر مخربی روی تربیت فرد می‌گذارد و فرصت خودتربیتی، رشد و شکوفایی و رسیدن به کمال را از او می‌گیرد.

امام علیه السلام در حکمت ۱۶۷ اشاره به یکی از مهم‌ترین آثار سوء اعجاب به نفس کرده می‌فرماید: «خودپسندی مانع (بزرگ) ترقی است»؛ (الْإِعْجَابُ يَمْنَعُ الْإِزْدِيَادَ) (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق، حکمت ۱۶۷، صفحه ۵۰۰) عجب از مهمترین موانع موجود بر سر راه خودتربیتی است، زیرا فرصت درک نقاط منفی اخلاق را از انسان می‌گیرد و فرد خودپسند می‌پندارد که اعمال و رفتارش درست است و آنها را نیک می‌پندارد. درحالی که آن صفات جزء رذائل است و اگر کوشش برای اصلاح آن صفات نکند، صفات و اعمال بد در نهادش تثبیت می‌شود که از فرصت‌های شیطان است تا کارهای نیک نیکوکاران را محو و نابود گرداند و چون کارهای خود را بزرگ می‌بیند، طالب ثناخوانی و مداحی است و در نتیجه در زندگی مرتکب اعمال ریایی و همینطور در بلند مدت دچار گناهان کبیره می‌گردد. چنین فردی فرصت بندگی را نیز از دست می‌دهد و چون تلاشی برای رهایی از این رذائل انجام نمی‌دهد، گوهر رشد و ترقی و شکوفایی استعدادهايش را از دست داده و از مسیر کمال منحرف می‌گردد. چنانچه گفته شد، مِنْ كَمَالِ الْإِنْسَانِ وَ وَفُورِ فَضْلِهِ اسْتِشْعَارُهُ بِنَفْسِهِ النُّقْصَانَ؛ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ه.ش: ۴۷۱) کمال انسان یعنی اینکه انسان بفهمد که نقص دارد و نیز به این است که انسان کاری انجام ندهد که با عجبش کارهای نیک او از بین برود، «كَمَالِ الْمَرْوَةِ تَرْكُهُ مَا لَا يَجْمَلُ بِهِ» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق. ص ۱۲۷) زیرا این جزء کارهای زیبا نیست، «كَمَالِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يُحْمَدُ بِهِ» (حلوانی، ۱۴۰۸ ق. ص ۴۴) بلکه جزء کارهایی است که انسان به واسطه آن دیگر مورد تحسین دیگران قرار نخواهد گرفت و در نتیجه به کمال انسانی نخواهد رسید؛ بنابراین عجب از موانع مهم و درونی خودتربیتی و نیل انسان به کمال انسانیت می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش. جلد: ۱۱، صفحه: ۱۳۱)

۳- آرزوهای طولانی

آرزوهای دور و دراز و یا کاذب عبارت است از خواسته‌هایی غیرضروری و دور از توانایی فعلی انسان که ممکن است این ناتوانی برای آینده نیز ادامه پیدا کند. می‌توان گفت که انسان آرزوگرا در فرداهایی موهوم زندگی می‌کند که منجر به گسیختن او از واقعیات فعلی و منطلق صحیح زندگی می‌شود که این موارد خود نوعی خیالات است و فرد را درگیر خود می‌کند و فرصت رشد

و تربیت را از او می‌گیرد و مانع وصول انسان به درجات کمال می‌گردد. (حق‌شناس پشکه، ۱۳۹۰، ص ۲۰۸) یکی از راه‌های شناخت آرزوهای پست و ناچیز، رجوع به کلام نافذ مولا علی علیه السلام در نهج البلاغه است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ إِثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ»؛ (سیدرضی. ۱۴۱۴ ه.ق، خطبه ۴۲، ص ۸۳) «ای مردم! وحشتناکترین چیزی که از آن بر شما می‌ترسم، دو چیز است: پیروی از هوای (نفس) و آرزوی طولانی!» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۹۵) با توجه به این که «هوی» همان تمایلات نفس‌آماره به لذات دنیوی در حد افراط و بدون قید و شرط است، به خوبی روشن می‌شود که چرا مانع از وصول به حق می‌شود، زیرا هوی پرستی حجابی در برابر دیدگان عقل می‌افکند که انسان را از مشاهده چهره حق محروم می‌سازد و باطل را که در مسیر هوی و هوس او است چنان توجیه می‌کند که از هر حقی قابل قبولتر جلوه کند و به عکس حقی را که بر خلاف هوای نفس می‌باشد چنان تخریب می‌کند که از هر باطلی بدتر نمایان می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش. جلد: ۲، صفحه: ۴۶۲)

«هوی پرستی» و «طول امل» با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند، هوا پرستی سرچشمه طول امل است و طول امل نیز سرچشمه هوا پرستی مجدد و سرانجام طول امل سبب غفلت از خدا و سرای دیگر می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش: جلد: ۲، ص ۴۶۳). حضرت علی (ع) درباره آثار نامطلوب آرزوهای طولانی می‌فرماید: «وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخِرَةَ»؛ (سیدرضی. ۱۴۱۴ ه.ق. خطبه ۴۲، ص ۸۴) «و اما آرزوی دراز موجب فراموشی آخرت می‌شود.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۹۵) زمانی که انسان تمام قوا و نیروی خود را برای رسیدن به آرزوهای طولانی و مختلف خود صرف می‌نماید، دیگر توانی برای پرداختن به امور اخروی نخواهد داشت زیرا توان انسان محدود است و آرزوها نیز تمامی ندارد و انسان با رسیدن به یک آرزو، آتش عشق آرزوی دیگری در دل او زبانه می‌کشد، همچنین باتوجه به اینکه عمر انسان محدود می‌باشد، فرصتی برای پرداختن به آخرت نمی‌یابد و آخرت را به دست فراموشی می‌سپارد و در نتیجه چنین انسانی انگیزه خود را برای پرداختن به تربیت خود از دست داده و از رشد و ترقی و رسیدن به کمال انسانی باز می‌ماند. (همان ص ۴۶۱).

حضرت با تعبیر بسیار گویایی به همه انسانهایی که طالب سعادت و کمال اند، هشدار داده است و می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يُسْهَى الْعَقْلَ وَ يُنْسِي الذِّكْرَ فَأَكْذِبُوا الْأَمَلَ فَإِنَّهُ غُرُورٌ صَاحِبُهُ مَغْرُورٌ!» (سیدرضی. ۱۴۱۴ ه.ق. خطبه ۸۶، ص ۱۱۸) بدانید که آرزوهای دور و دراز عقل را غافل و یاد خدا را به فراموشی می‌سپارد آرزوهای ناروا را دروغ انگارید که آرزوها فریبنده اند و



صاحبش فریب خورده. (دشتی. ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۱۴۵) امیرالمؤمنین علی علیه السلام به انسان‌ها هشدار می‌دهند و می‌فرمایند: **وَلَا يَغْلِبَنَّكُمْ فِيهَا أَلَمَلٌ** (سیدرضی. ۱۴۱۴ ه.ق. خطبه ۵۲. ص ۸۹) مبدا آرزوها بر شما چیره گردد. (دشتی. ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۱۰۵) در این کلام، آرزوها و خواسته‌هایی که غیرمنطقی، خارج از توانایی و عمر محدود بوده و با موازین شرعی و عقلی در تضاد باشد به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. چنین آرزوهایی که اغلب بر اثر غفلت و از روی نادانی و انس به لذات زودگذر دنیا به وجود می‌آید، مانع خودتربیتی و رشد و شکوفایی انسان و رسیدن او به کمال می‌شود و در نتیجه او را از رسیدن به هدف خلقتش باز می‌دارد.

۴- ضعف اراده

خداوند انسان را مختار و دارای اراده آزاد آفریده است. دستیابی انسان به سعادت و کمال انسانیت، در گرو به کارگیری اراده در عملکرد اوست که اختیاری است و خودتربیتی زمانی راه خود را به درستی می‌پیماید که انسان اراده و همت کند و نفس خود را از رذائل و پستی‌ها دور نگهدارد. چگونگی به کارگیری اراده هر فرد با کمال او پیوند تنگاتنگی دارد؛ زیرا اراده هم در اصل تحقق عمل او و هم در کیفیت عمل او تأثیر بسزایی دارد. انسان سست اراده و ضعیف، مالک سرنوشت خویش نیست و دنباله‌روی اراده، تصمیم و نظر دیگران می‌باشد. (جهان پناه، ۱۳۹۸: ص ۲) امام علی ع می‌فرمایند:

«وَأَنَّ مِنْ أَبْغَضِ الرِّجَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لِعَبْدًا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ جَائِرًا عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ سَائِرًا بَغَيْرِ دَلِيلٍ إِنْ دُعِيَ إِلَى حَرْثِ الدُّنْيَا عَمِلَ وَإِنْ دُعِيَ إِلَى حَرْثِ الْآخِرَةِ كَسَلَ كَأَنَّ مَا عَمِلَ لَهُ وَاجِبٌ عَلَيْهِ وَكَأَنَّ مَا وَنَى فِيهِ سَاقِطٌ عَنْهُ» (سیدرضی. ۱۴۱۴ ه.ق. خطبه ۱۰۳. ص ۱۴۹) «دشمن روی‌ترین افراد نزد خدا کسی است که خدا او را به حال خود وا گذاشت تا از راه راست منحرف گردد و بدون راهنما برود، اگر به محصولات دنیا دعوت شود تا مرز جان تلاش کند، اما چون به آخرت و نعمتهای گوناگونش دعوت شود، سستی ورزد، گویا آنچه برای آن کار می‌کند بر او واجب و آنچه نسبت به آن کوتاهی و تنبلی می‌کند، از او نخواستند.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۱۹۱)

انسانی که تن به سستی و تنبلی می‌سپارد، نه قدر خود را در برابر عظمت خدا می‌داند و نه قدرت خود را در برابر اجتماع و نه در برابر خودش؛ و آن کس که قدر و پایه خویش را نشناسد، در میان امواج جهل و بدبختی سرگردان خواهد شد و سرانجام خدا او را به حال خودش وامی‌گذارد و جز مواهب مادی را به رسمیت نمی‌شناسد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش. جلد: ۴، صفحه: ۴۲۱) در نتیجه راه رسیدن به کمال را گم کرده و از رشد، ترقی و تربیت خود باز مانده و به انواع رذائل اخلاقی آلوده می‌گردد.

ضعف اراده و دامن زدن به سستی و تنبلی، منجر به ضایع شدن حقوق خالق و مخلوق می‌گردد. در کلام نورانی امام علی (ع) آمده است: «مَنْ أَطَاعَ التَّوَانِي ضَيَعَ الْحُقُوقَ»؛ (سیدرضی. ۱۴۱۴ ه.ق: حکمت ۲۳۹. ص ۵۱۰) «هر کس تن به سستی دهد، حقوق را پایمال کند.» (دستی. ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۶۸۱) «کلام حضرت بیان می‌دارد که اگر انسان در کارهای خود تنبلی کند و اموری را که لازم است به موقع انجام گیرد انجام ندهد و تدبیر و مدیریت صحیح در کارهای خود نداشته باشد حقوق مربوط به آن امور را ضایع نموده است. سستی در انجام کارها در موقع مناسب سبب تراکم آنها می‌گردد و تراکم آنها سبب ضایع شدن بخشی از آن می‌شود. به یقین چنین کسی هم حق خالق را ضایع می‌کند و هم حق مخلوق را.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش.: جلد: ۱۳، صفحه: ۸۱۵) امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: التَّوَانِي إِضَاعَةٌ. (غرر الحکم (ترجمه رسولی محلاتی)، ۱۳۷۸ ه.ش. جلد: ۲، صفحه: ۵۷۹) سستی و کاهلی ضایع کردن عمر است. انسان سست اراده، چون غرق در لذت‌های دنیوی شده است، علاوه بر اینکه فرصت هدایت الهی را از دست می‌دهد، فرصت طلایی زندگی و کشف استعدادها و توانایی‌ها و همچنین پرداختن به اعمال صالح و توجه به آخرت را از دست داده و به سرعت از مسیر خودتربیتی فاصله گرفته و گمراه می‌گردد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «التَّوَانِي فِي الدُّنْيَا إِضَاعَةٌ وَ فِي الْآخِرَةِ حَسْرَةٌ» (، غرر الحکم (ترجمه رسولی محلاتی)، ۱۳۷۸ ه.ش. جلد: ۲، صفحه: ۵۷۹) «سستی و کاهلی کردن در کارها، در دنیا موجب از دست دادن فرصت‌ها و در آخرت موجب افسوس و حسرت است؛ بنابراین کاهلی در مهمات دنیا، ضایع کردن آنهاست و با از دست دادن فرصت خودتربیتی، رشد و شکوفایی استعدادها همراه است و در امور آخرت سبب حسرت و ندامت است.» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶ ه.ش. جلد: ۲، صفحه: ۴۱)

ضعف اراده نتیجه‌ای جز عدم امکان رشد و پرورش و موفقیت در زمینه خودتربیتی ندارد و پیامدی که عاید انسان می‌گردد تلف شدن عمر او و رسیدن انسان به مرحله‌ای از زندگی است که حسرت گذشته را می‌خورد. در فرمایش امام علی (ع) درباره مفهوم کمال انسانی آمده است: الْكَمَالُ فِي ثَلَاثِ الصَّبْرِ عَلَى النَّوَابِ وَ ... (آمدی، بی‌تا: ۲۸۲) کمال در سه چیز است: شکیبایی بر سختیها؛ و ... (درایتی، ۱۳۸۱ ه.ش.: ۳۷۵) به این معنا که انسان برای دستیابی و نیل به سعادت و موفقیت در امر تربیت خویش و همچنین کسب جایگاه رفیع و ارزشمند نیاز دارد تا با تلاش و کوشش و صبر بسیار، بر سختیها غالب آید، چرا که با صبر و بهره‌گیری از عقل، امکان تحقق کمال انسانیت ممکن می‌گردد، چنان‌چه می‌فرماید: كَمَالُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَ قِيَمَتُهُ فَضْلُهُ؛ (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق.: صفحه: ۵۳۸) تمامیت مرد به عقل او و بهائش باندازه



کمال و فضلش می‌باشد. (غرر الحکم (ترجمه انصاری قمی)، ۱۳۳۷ ه.ش: جلد: ۲، صفحه: ۵۷۳) چون انسان عاقلانه از لحظات زندگی بهره می‌گیرد، در این صورت امکان برخورداری از نعمت هدایت الهی را نیز بدست خواهد آورد و خودتربیتی حاصل می‌گردد. در نهج البلاغه آمده است: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق. حکمت ۴۷، ص ۴۷۷) «ارزش مرد به اندازه همت اوست.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۶۳۵) «منظور از همت، تصمیماتی است که انسان برای انجام کارهای مهم می‌گیرد، اراده می‌کند و به دنبال آن تلاش می‌کند. هر اندازه این تصمیمات والاتر و این تلاش‌ها گسترده باشد همت انسان بلندتر است و این که امام می‌فرماید: ارزش هر کسی به اندازه همت اوست برای آن است که اشخاص والا همت معمولاً تلاش می‌کنند تا به مقامات عالی برسند پس نباید ارزش وجودی ظاهری آنها را امروز ملاحظه کرد بلکه آن نیروی نهفته در درون آنها که نامش همت است باید مقیاس و معیار شمرده شود.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش: ۱/ ۳۰۹) همچنین در توصیف کمال انسانی ایشان فرمودند که: کَمَالُ الرَّجُلِ بِسِتِّ خِصَالٍ... و أَمَّا أَكْبَرَاهُ فَعَقْلُهُ. (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ه.ش. ج ۱. ص ۳۳۸) کمال مرد به شش خصلت است... و دو عضو بزرگ او، خرد و همت اوست. پس انسان اگر عاقلانه تصمیم گیرد و همت و اراده داشته باشد، رشد کرده و کمال انسانی تحقق می‌یابد؛ بنابراین یکی از مهمترین موانع خودتربیتی در تحقق کمال انسانی، سستی و کاهلی انسان می‌باشد.

۵- گناه کردن

گناه به معنی خلاف است و در اسلام هر کاری که برخلاف فرمان خداوند باشد، گناه محسوب می‌شود.

گناه هر چند کوچک باشد چون نافرمانی خداست، بزرگ است. (قرائتی، ۱۳۸۶ ه.ش: ص ۷) اینکه انسان در تمام امور زندگی خداوند را محور قرار ندهد و توجه به فرامین الهی نداشته باشد، از مسیر حق تغییر مسیر داده و گمراه می‌گردد، زیرا تبعیت نکردن از پروردگار، امکان هدایت، رشد و خودتربیتی را از انسان می‌گیرد و منحرف می‌گرداند که همین فرصتی برای نفوذ شیطان در نفس انسان و آلوده ساختن او به انواع گناهان است. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «لَا وَجَعَ أَوْجَعُ لِلْقُلُوبِ مِنَ الذُّنُوبِ» (کلینی، ۱۴۲۹ ه.ق. ج ۳. ص ۶۸۲) «دردی بالاتر از گناه برای قلب نیست.» (مجلسی، ۱۳۷۸ ه.ش. ج ۲. ص ۶۴۲)

گناه، باطن انسان را مریض می‌گرداند و امکان رشد و تربیت را از او می‌گیرد و نمی‌گذارد که با خودتربیتی و پرورش استعدادها، رشد نماید. بنابر فرمایش حضرت که می‌فرماید: «مِنْ كَمَالِ الْمُرُوءَةِ تَرْكُهُ مَا لَا يَجْمَلُ بِهِ، وَ مِنْ الْحَيَاءِ أَنْ لَا يَلْقَى أَحَدًا بِمَا يَكْرَهُ» (دیلمی، ۱۴۰۸ ه.ق. ص ۱۲۷)

انسان باید آن چیزی را که برایش زیبا نیست را ترک کند، کمال یعنی انسان کار ناشایست انجام ندهد، حال آنکه گناه یک عمل زشت و ناپسند است و موجب سقوط آدمی در پرتگاه ضلالت و گمراهی از حق می‌گردد.

حضرت علی (ع) به نکته مهمی در ارتباط با گناهان اشاره کرده، می‌فرماید: «أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَهَانَ بِهِ صَاحِبُهُ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق. حکمت ۳۴۸، ص ۵۳۵) «سخت‌ترین گناه، آن که گناهکار آن را کوچک بشمارد.» (دستی، ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۷۱۱) انسانی که طالب خودتربیتی است، باید مدام نفس خود را زیر نظر قرار دهد و لحظه به لحظه زندگی خود را مراقبت داشته باشد، زیرا خودتربیتی به یکباره حاصل نمی‌گردد بلکه نیاز به مراقبه و محاسبه نفس دارد تا در بلندمدت نتیجه مطلوب حاصل گردد. می‌توان گفت بنابر فرمایش حضرت علی (ع) در مورد کمال انسانی که فرمودند؛ لَنْ تُدْرِكَ الْكَمَالَ حَتَّى تَرْقَى عَنِ النَّقْصِ؛ (آمدی، بی‌تا: ۳۲۴) هرگز انسان به کمال نمی‌رسد تا از نقص برتری گیرد؛ به این دلیل است که به نقاط ضعف و منفی اخلاقی خود، اشراف کامل داشته باشد و در صدد رفع و اصلاح آن برآید، زیرا اگر آن نقاط منفی در باطن فرد قوت گیرد، انسان را به سمتی می‌کشاند که عقلانیت او را زایل می‌کند، چنان که حضرت فرمودند؛ كَمَالَ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَ قِيَمَتُهُ فَضْلُهُ؛ (غرر الحکم تصحیح رجایی، ۱۴۱۰ ه.ق. صفحه: ۵۳۸) تمامیت مرد به عقل او و بهائش باندازه کمال و فضلش می‌باشد. (غرر الحکم ترجمه انصاری قمی، ۱۳۳۷ ه.ش: ۲ / ۵۷۳) و در نتیجه، گناهان کوچک در نظر و عقل او اهمیت خود را از دست می‌دهد و به آسانی انسان را به خود مبتلا می‌سازد و او آن‌قدر آن رذیله را تکرار می‌کند که به عادت تبدیل می‌گردد و دیگر انسان آن را صفت زشت و پست به حساب نمی‌آورد و به عنوان گناه به آن نمی‌نگرد، حال آنکه گناه هرچه باشد، سرپیچی از فرمان پروردگار است و «عصیان پروردگار هرچه باشد بزرگ و مهم است. به عکس هرگاه انسان برای گناهی اهمیت قائل باشد، از آن فاصله می‌گیرد و خود را حفظ می‌کند و کمتر آلوده آن می‌شود؛ یعنی ابهت گناه، سدی در برابر آلودگی به آن است. درواقع انسان ضربه را از جایی می‌خورد که به آن اهمیت نمی‌دهد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش. ۱۴ / ۷۷۵-۷۷۶) در خطبه ۸۳ نهج البلاغه حضرت مردم را از پرداختن به انواع گناهان نهی فرموده و می‌فرماید: «احذروا الذنوب المورطه»؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق. خطبه ۸۳، ص ۱۱۴) «ای مردم! از گناهایی که شما را به هلاکت افکند، پرهیزید.» (دستی، ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۱۴۱) در نتیجه، گناهان از موانع درونی و مهم در مسیر خودتربیتی انسان می‌باشند و فرصت شکوفایی و تحقق کمال انسانیت را از انسان می‌گیرند.



موانع رفتاری

انسان برای تحقق هدف از خلقت و کمال انسانیت خود، نیاز دارد تا موانع رفتاری موجود و مهم را بشناسد تا بتواند در مواجهه با آنها، تصمیم درست و عاقلانه را اتخاذ نماید؛ زیرا موانعی در مسیر خودتربیتی و کمال انسانیت موجود است و این انسان است که با اراده و خواست خود، به سمت آن موانع گرایش یافته و تغییر مسیر می‌دهد که نتیجه‌ای جز انحراف از مسیر حق و گمراهی او ندارد. از جمله موانع رفتاری مهم عبارتند از: تلاش برای رسیدن به دنیا، آفات زبان و ریا که با ذکر کلامی از امیرالمؤمنین علی (ع) به آن پرداخته می‌شود.

تلاش برای رسیدن به دنیا

تلاش برای رسیدن به دنیا یعنی انسان تمام زندگی را در همین دنیا خلاصه کند و به جای وسیله قرار دادن دنیا آن را هدف خود قرار دهد، در نتیجه فریب دنیا را می‌خورد. فریفته به دنیا، پرخور و پرخواب است و هرگز باطن دنیا را نمی‌فهمد «فَصَارَ حَيْفَةً بَيْنَ أَهْلِهِ» و مانند مردار می‌شود. (رجبعلی کاشانی: ۱۳۹۵، ص ۱۱) امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنَّهُ لَا يُعْصَى إِلَّا فِيهَا وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا»؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق. حکمت ۳۸۵، ص ۵۴۴) «از خواری دنیا نزد خدا همان بس که جز در دنیا، نافرمانی خدا نکنند و جز با رها کردن دنیا به پادشاه الهی نتوان رسید.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۷۲۳) «دنایای نکوهیده» مانع اصلی رسیدن آدمی به کمالات انسانی و ارزشهای الهی و پادشاهای اخروی است و جز با ترک آن نمی‌توان به حقیقت خود روی کرد و مربای تربیت فطری شد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴ ه.ش: ص ۳۹)

دنیاطلبی آن است که انسان همه توان و استعداد خویش را برای به دست آوردن متاع دنیا به کار بندد بنابراین تلاش و کوشش‌هایی که انسان برای بهبود وضع زندگی خویش چه از نظر اقتصادی و یا از نظر اجتماعی انجام می‌دهد، دنیاطلبی و دنیاگرایی نیست. بلکه تلاش متکثرانه‌ای که تنها برای جمع‌آوری مال، ثروت و مقام است، دنیاگرایی است. (رجبعلی کاشانی، ۱۳۹۵، ص ۱۱) اصولاً خودتربیتی با وارستگی، ربوبیت و رهاشدن از ماده و غیرخدا همراه است، (علوی، ۱۳۹۳ ه.ش: ص ۳۷۷) در نتیجه انسانی که اصل را بر مادیات می‌داند و برای آن ارزش قائل است، رشد و تربیت نیافته و از توانایی‌هایش در جهت مطلوب استفاده نکرده و در نهایت از مسیر رشد و کمال انسانیت خارج می‌گردد. امام علی (ع) می‌فرماید: «فَإِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ عَنْ غَيْرِهَا وَ لَمْ يُصَبِّ صَاحِبُهَا مِنْهَا شَيْئًا... وَ لَنْ يَسْتَعْنِيَ صَاحِبُهَا بِمَا نَالَ فِيهَا عَمَّا لَمْ يَبْلُغْ مِنْهَا وَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ فِرَاقٌ مَا جَمَعَ وَ نَقْضٌ مَا أْبْرَمَ»؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق. نامه ۴۹، ص ۴۲۳) «همانا دنیا

انسان را به خود سرگرم و از دیگر چیزها باز می‌دارد... کسی که به دنیای حرام برسد از آنچه به دست آورده راضی و بی‌نیاز نمی‌شود و در فکر آن است که به دست نیاورده، اما سر انجام آن، جدا شدن از فراهم آورده‌ها و به هم ریختن بافته شده هاست.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش: ص ۵۶۱)

دنیایی هم که امیرالمؤمنین علی (ع) سه طلاقه می‌کند، همان تفاخر و تکاثرهایی است که باطن آن مردار است و ستم‌کاران مانند سگان، به جان این مردار بدبو می‌افتند، چنان‌که حضرت می‌فرماید: «يَتَنَافَسُونَ فِي دُنْيَا دُنْيَاهُ وَ يَتَكَالَبُونَ عَلَى حَيْفَةٍ مُرِيحَةٍ»؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق. خطبه ۱۵۱، ص ۲۱۰) «آن‌ان در به دست آوردن دنیای پست بر هم سبقت می‌گیرند و چونان سگ‌های گرسنه، این مردار را از دست یکدیگر می‌ربایند.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش: ص ۲۷۹) پس بهترین راه برای تربیت درست دور گزیدن از دل‌بستگی‌ها و وابستگی‌های دنیایی است. چنان‌چه امیرالمؤمنین می‌فرماید: «فَقَطِّعُوا عِلَاقَةَ الدُّنْيَا وَ اسْتَظْهِرُوا بِرِزَادِ التَّقْوَى»؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق. خطبه ۲۰۴، ص ۳۲۱) «پس پیوندهای خود را با دنیا قطع کنید و از پرهیزکاری کمک بگیرید.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش: ص ۴۲۷) «منظور از قطع علائق دنیا، وابستگی شدید به مال و مقام و همسر و فرزند است؛ آن‌گونه وابستگی که انسان را از حق دور می‌گرداند و ارتکاب گناه را برای رسیدن به دنیا آسان می‌سازد و زرق و برقها را در نظر جلوه می‌دهد؛ که در این سفر پرخوف و خطر بهتر است انسان از تکیه‌گاهی محکم به نام تقوا کمک گیرد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش: ۷۵ / ۸)

دنیاجویی چون انسان را به زر و زیورهای دنیایی مشغول می‌کند، او را از پرداختن به خودتربیتی باز می‌دارد و فرصت رشد و تحقق استعدادهايش را می‌گیرد و در نتیجه به نهایت انسانیت خود نخواهد رسید. طبق آنچه که گفته شد، امام علی (ع) کمال انسان را به عقل او دانسته‌اند، کَمَالُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَ قِيَمَتُهُ فَضْلُهُ؛ (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق. صفحه: ۵۳۸)، یعنی انسان عاقل می‌داند که در زندگی باید عاقلانه رفتار کند و از امکانات دنیوی عاقلانه استفاده نماید و نیز در کلامی دیگر آمده است: مِنْ كَمَالِ الْمَرْوَةِ تَرْكُهُ مَا لَا يَجْمَلُ بِهِ، وَ مِنَ الْحَيَاءِ أَنْ لَا يَلْقَى أَحَدًا بِمَا يَكْرَهُ؛ (دیلمی، ۱۴۰۸ ه.ق. ص ۱۲۷) یعنی انسان طالب کمال نباید کار ناشایست انجام دهد و در جایی دیگر حضرت می‌فرماید: الْكَمَالُ فِي ثَلَاثٍ الصَّبْرِ عَلَى النَّوَائِبِ وَ التَّوَرُّعِ فِي الْمَطَالِبِ وَ إِسْعَافِ الطَّالِبِ؛ (آمدی، صفحه: ۲۸۲) کمال در سه چیز است که یکی از آن‌ها: ... پارسایی ورزیدن درخواستها... (درایتی، ۱۳۸۱ ه.ش. صفحه: ۳۷۵)، می‌باشد، یعنی انسان در برآورده کردن نیازهایش باید تقوا داشته باشد؛ بنابراین، چنین انسانی به کمال انسانیت دست خواهد یافت. «بهترین زمینه تربیت کمالی، دریافتی درست از دنیا و تصحیح رفتار آدمی نسبت بدان و گسستن



از پستیها در زندگی این جهانی و پیوستن به والاییها در زندگی این جهانی است؛ یعنی انسان بیاموزد که با هر امری از امور این عالم نسبتی اخروی برقرار کند و نه نسبتی دنیایی و زندگی این جهانی را وسیله بداند و چنین عمل نماید و در عین زندگی و کار و تلاش و بهره‌مندی، از دنیای نکوهیده و بندهای آن آزاد باشد.» (دلشادتهرانی، ۱۳۹۴ ه.ش: ص ۴۹) کسی که تلاش و کوشش می‌کند تا از تمام ظرفیت وجودی که خداوند در وجودش بنا نهاده است بهره‌مند گردد و استعدادها و توانایی‌های خود را شکوفا سازد و همچنین تلاش دارد تا عمل خودتربیتی را به فعلیت برساند، پس چنین شخصی در مسیر کمال انسانیت قرار دارد و دنیاطلب نامیده نمی‌گردد.

آفات زبان

زبان به همان اندازه که اهمیت فراوانی دارد و منافع بی‌شماری بر آن مترتب است، همان مقدار در معرض تسلط شیطان است و در صورت غفلت، لغزش‌های بسیاری از آن سر می‌زند. گناهایی که به وسیله زبان انجام می‌شوند بسیار زیاد و متنوع‌اند، (پیمبرپور، ۱۳۹۴. ص ۲۱) انسانی که قدم در مسیر خودتربیتی گذاشته، می‌تواند با درک آفات زبان که از موانع مهم خودتربیتی است، راه کمال را برای خود هموار سازد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَاً وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَآكاً...، وَ نَطَقَ بِالسِّتِّهِمْ فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلَلَ وَ زَيْنَ لَهُمُ الْخَطَلَ فِعْلَ مَنْ قَدْ شَرِكَهُ الشَّيْطَانُ فِي سُلْطَانِهِ وَ نَطَقَ بِالْبَاطِلِ عَلَى لِسَانِهِ»؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق: خطبه ۷. ص ۵۳) «منحرفان، شیطان را معیار کار خود گرفتند و شیطان نیز آنها را دام خود قرار داد و... با زبان‌های آنان سخن می‌گفت. پس با یاری آنها بر مرکب گمراهی سوار شد و کردارهای زشت را در نظرشان زیبا جلوه داد، مانند رفتار کسی که نشان می‌داد در حکومت شیطان شریک است و با زبان شیطان، سخن باطل می‌گوید.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۵۳)

اگر زبان را از کنترل عقل آزاد کنند، سخنی خواهد گفت که مانند درنده‌ای یله و رها، باعث نابودی صاحبش می‌گردد. (ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، ۱۳۷۵ ه.ش: ۴۶۰/۵) چنین فردی به نهایت انسانیت خود دست نمی‌یابد، زیرا امام علی (ع) کمال انسان را در بهره‌گیری از عقل ذکر فرموده‌اند؛ کَمَالُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَ قِيَمَتُهُ فَضْلُهُ؛ (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: ۵۳۸) تمامیت مرد به عقل او و بهائش باندازه کمال و فضلش می‌باشد. (غرر الحکم (ترجمه انصاری قمی)، ۱۳۳۷ ه.ش: ۵۷۳ / ۲) بنابراین، با داشتن این ویژگی، امکان رشد و خودتربیتی و همچنین رسیدن به کمال انسانیت ممکن می‌گردد. امیرالمؤمنین علی (ع) در حکمت ۶۰ نهج البلاغه می‌فرماید: «اللِّسَانُ سَبْعُ اِنْ خُلِيَ عَنْهُ عَقَرٌ»؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق: حکمت ۶۰ ص ۴۷۸) «زبان تربیت نشده، درنده‌ای است که اگر رهایش کنی می‌گزد.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش: ص

۶۳۷) این کلام حضرت، اهمیت و ضرورت کنترل زبان را می‌رساند که آفات و پیامدهای نامطلوبی دارد. بهترین وسیله برای محفوظ ماندن از این خطر، آن است که انسان آن را حفظ کند. چنانچه ایشان می‌فرمایند: «وَ اللَّهُ مَا أَرَى عَبْدًا يَتَّقِي تَقْوَى تَنْفَعُهُ حَتَّى يَخْزَنَ لِسَانَهُ»؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق: خطبه ۱۷۶، ص ۲۵۳) «به خدا سوگند، پرهیزکاری را ندیده‌ام که تقوا برای او سودمند باشد مگر آن که زبان خویش را حفظ کرده بود.» (دستی، ۱۳۷۹ ه.ش: ص ۳۳۵) «این تأکید امام علیه السلام که با سوگند به ذات پاک خدا مقرون شده، اشاره به آن چیزی است که همه پویندگان راه حق و ارباب سیر و سلوک قائل‌اند که نخستین گام در این راه را اصلاح زبان می‌شمارند و تا کسی از این گردنه صعب العبور نگذرد، هرگز به حقیقت خودتربیتی و قرب الی الله و کمال انسانیت نخواهد رسید.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش. ۶/ ۵۷۶)

یکی از مهمترین آفات زبان، دروغ است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْكَذِبُ زَوَالُ الْمُنْطِقِ عَنِ الْوَضْعِ الْإِلَهِيِّ.» (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق. ۸۳)، «دروغ زائل شدن گفتار است از وضع الهی (و سنت آفرینش).» (غرر الحکم (ترجمه رسولی محلاتی)، ۱۳۷۸ ه.ش: ۲/ ۳۶۸) بستر هدایت الهی را باید انسان در خود فراهم کند و دروغ و کفران، انسان را از قابلیت هدایت می‌اندازد، نه تنها مانع خودتربیتی است بلکه دروغ می‌تواند مقدمه انحراف دائمی و مانع رسیدن به کمال انسانیت شود. (قرائتی ۱۳۸۳ ه.ش: ج ۱۰، ص ۱۴۲) چنانکه در مفهوم کمال انسانی آمده است: قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ وَ صِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مَرْوَعَتِهِ؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق: حکمت ۴۷، ص ۴۷۷) ارزش مرد به اندازه همت اوست و راستگویی او به میزان جوانمردی اش. (دستی، ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۶۳۵) به این معنا که انسانی ارزشمند و محترم است که راستگویی را پیشه خود سازد و در این صورت به کمال انسانیت خواهد رسید. حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ای، انسان را از پرداختن به این رفتار ناشایست باز می‌دارد، می‌فرماید: «جَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ الصَّادِقِ عَلَى شَفَا مَنْجَاهٍ وَ كَرَامَةٍ وَ الْكَاذِبُ عَلَى شَرَفِ مَهْوَاهٍ وَ مَهَانَةٍ»؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق. خطبه ۸۶، ص ۱۱۷) «از دروغ بر کنار باشید که با ایمان فاصله دارد راستگو در راه نجات و بزرگواری است، اما دروغگو بر لب پرتگاه هلاک و خواری است.» (دستی، ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۱۴۵) حضرت علی علیه السلام الگوی انسان‌ها برای رسیدن به کمال هستند، ایشان خود را درست تربیت کرده بودند که توانستند به چنین جایگاه و مقامی دست یابند و درواقع لحظه به لحظه زندگیشان برپایه صدق و راستی بوده است. چنانچه در نهج البلاغه می‌فرماید: «مَا كَذَّبْتُ وَ لَا كُذِّبْتُ وَ لَا ضَلَلْتُ وَ لَا ضَلَّ بِي»؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق: ح ۱۸۵، ص ۵۰۲) «هرگز دروغ نگفتم و به من دروغ نگفتند و هرگز گمراه نشدم و کسی به وسیله من گمراه نشده است.» (رحیم



زاده، ۱۳۹۶. ص ۲۸) دروغ نگفتن و گمراه نبودن آن بزرگوار، به خاطر تربیت او از کودکی به راستگویی و اخلاق پسندیده است به حدی که این رفتار برای ایشان ملکه شده و ایشان را از آلوده شدن به دروغگویی و گمراهی باز می‌دارد. (ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، ۱۳۷۵ ه.ش ۵/ ۵۷۶) انسانی که قدم در راه خودتربیتی گذاشته است و هدف خود را رسیدن به کمال در نظر گرفته است، آگاه است که در گفتار و تعامل خود با دیگران هر سخنی را نباید به زبان آورد زیرا انسان به مقداری از آگاهی های خود اطمینان دارد، در همین راستا حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ فَكَفَىٰ بِذَلِكَ كَذِبًا»؛ (سیدرضی. ۱۴۱۴ ه.ق: نامه ۶۹. ص ۴۵۹) «و هر چه شنیدی باز گو مکن، که نشانه دروغگویی است.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش: ص ۶۱۱)

دروغ گویی آثار نامطلوبی به همراه دارد، نه تنها مانع تربیت فرد است، بلکه اعتماد را هم از بین می‌برد و در واقع شخص دروغگو اعتماد و اعتبار خود را در میان مردم از دست می‌دهد و نیز زیانهای اجتماعی به همراه دارد؛ زیرا اگر دروغ آن فرد نزد دیگران فاش شود، ارزش اجتماعی‌اش از بین می‌رود. چنانچه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ بِالْكَذِبِ قَلَّتِ الثَّقَةُ بِهِ»؛ (آمدی، بی‌تا: صفحه: ۲۲۰) «کسی که به دروغ شناخته شد، اعتماد و وثوق به او کم شود.» (غرر الحکم (ترجمه رسولی محلاتی)، ۱۳۷۸ ه.ش: جلد: ۲، صفحه: ۳۷۱) در جای دیگر نیز می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ بِالْكَذِبِ لَمْ تُقْبَلْ صِدْقُهُ»؛ (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: صفحه: ۵۹۱) «کسی که به دروغ شناخته شد، سخن راست او هم پذیرفته نشود.» (غرر الحکم (ترجمه رسولی محلاتی)، ۱۳۷۸ ه.ش: جلد: ۲، صفحه: ۳۷۱) یکی از مواردی که به عنوان کمال انسانی مطرح می‌گردد این است که انسان‌ها به واسطه اعمال صالحی که انجام می‌دهند، مورد ستایش دیگران قرار می‌گیرند اما زمانی که انسان مرتکب اعمال ناشایستی می‌شود، اعتماد دیگران را از دست می‌دهد و از آن طرف دیگر با او ارتباط برقرار نمی‌کنند، به این معنا که مورد ستایش و حمد دیگران قرار نمی‌گیرد و دیگر او را دوست ندارند، پس انسان با انجام این اعمال به کمال نمی‌رسد. امام علی (ع) می‌فرماید: حَسْبُكَ مِنْ كَمَالِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يُحْمَدُ بِهِ؛ (حلوانی، ۱۴۰۸ ه.ق. ص ۴۴) کمال این است که انسان به جایی برسد که کاری را که بر آن ستایش نمی‌شود را ترک کند؛ بنابراین در این صورت است که کمال انسانیت برای او محقق می‌گردد؛ بنابراین دروغ یکی از مهمترین موانع درونی و رفتاری خودتربیتی می‌باشد.

ریا

ریا، از ماده «رؤیت» به معنای «تظاهر و خودنمایی و نشان دادن عمل خویش به دیگران» است و در لغت به معنای دورویی و نفاق است. (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۴۲۵) اگر سیر تربیت با ریاکاری و فریبکاری همراه شود ناکامی در هدف را در پی دارد، زیرا ریاکاری یک عمل ناشیستی است که در خودتربیتی مانع جدی ایجاد می‌کند. ناهماهنگی گفتار و کردار و به گونه‌ای فکرکردن و به گونه‌ای دیگر عمل کردن، خود از مصادیق ریا و فریب کاری است که ناشی از حقارت نفس انسان است. (حصامی، ۱۳۹۲، ص ۶۲) امیرالمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «نِفَاقُ الْمَرْءِ مِنْ ذُلِّ يَجِدُهُ فِي نَفْسِهِ»؛ (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: صفحه: ۷۲۲) «نفاق آدمی، از خواری و ذلتی است که در نفس خود می‌یابد (و از آنجا نشأت گیرد)». (غرر الحکم (ترجمه رسولی محلاتی)، ۱۳۷۸ ه.ش: جلد: ۲، صفحه: ۵۱۷) هدف فرد ریاکار، این است که با تظاهر به عبادت و کارهای نیک، نظر مردم را به سوی خود جلب کند. چنین کسی در حقیقت مشرک است، زیرا عزت و آبرو و عظمت خود را به دست مردم می‌داند و نه خدا، لذا اعمال خویش را به انگیزه جلب نظر مردم انجام می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش: جلد: ۲، صفحه: ۵۴) در واقع هدف از عبادات، جلب رضایت پروردگار است و هر انگیزه‌ای غیر از این هدف، مذموم و ناپسند است. در کلام نورانی حضرت علی (ع) آمده است: «أَفَةُ الْعِبَادَةِ الرِّيَاءُ»؛ (غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱۴۱۰ ه.ق: صفحه: ۲۷۸) آفت خداپرستی خود نمائی است. (غرر الحکم (ترجمه انصاری قمی)، ۱۳۳۷ ه.ش: جلد: ۱، صفحه: ۳۰۴) در جای دیگری می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ يَسِيرَ الرِّيَاءِ شُرْكٌ»؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق: خطبه ۸۶، صفحه ۱۱۷) «آگاه باشید ریاکاری و تظاهر و هر چند اندک باشد شرک است.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش: ص ۱۴۵) شخص ریاکار به خاطر دوگانگی ظاهر و باطن، در زمره منافقان است و این نفاق سبب می‌شود که اعمالش بی‌روح و تهی از محتوا و بی‌اثر باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ه.ش: جلد: ۳، صفحه: ۵۳۴) حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَإِنَّ الْعَالِمَ الْعَامِلَ بغيرِ عِلْمِهِ كَالْجَاهِلِ الْحَائِرِ الَّذِي لَا يَسْتَفِيقُ مِنْ جَهْلِهِ لِأَلْحَجَّةِ عَلَيْهِ أَعْظَمُ بَوَّالْحَسْرَةِ لَهُ الزَّمُّ وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَلْوَمٌ»؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق. خطبه ۱۱۰، ص ۱۶۴) «همانا عالمی که به غیر علم خود عمل کند، چونان جاهل سرگردانی است که از بیماری نادانی شفا نخواهد گرفت بلکه حجت بر او قویتر و حسرت و اندوه بر او استوارتر و در پیشگاه خدا سزاوارتر به نکوهش است.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش.

ص ۲۱۱)



انسانی که به ریاکاری و تفاخر عادت کند مظاهر زندگی اش توخالی، بی محتوا و بی مغز خواهد شد و چون از مقدار توانایی های خود احساس رضایت می کند و به آن ها می بالد دیگر تلاشی برای رشد و ارتقای خود به سطوح بالاتر نکرده و از زندگی به خیالات و اوهام و از سعادت و خوشبختی تنها نام و از دین و مذهب فقط به تشریفات قناعت می کند و در نهایت بهره ای فقط در حد ظواهر خواهد برد. (اکبری، ۱۳۹۲ ه.ش. ص ۱۰۱) چنین انسانی از رشد و ترقی باز مانده و فرصت شکوفایی استعدادهایش را از دست داده و از مسیر کمال انسانیت دور می گردد. حضرت علی علیه السلام از این ردیله اخلاقی به خداوند پناه برده و می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تَحْسِنَ فِي لَامِعَةِ الْعُيُونِ عَلَانِيَتِي وَ تَقْبِحَ فِيمَا أُبْطِنُ لَكَ سِرِّيَّتِي مُحَافِظًا عَلَي رِثَاءِ النَّاسِ مِنْ نَفْسِي بِجَمِيعِ مَا أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيْهِ مِنِّي فَأَبْدِي لِلنَّاسِ حُسْنَ ظَاهِرِي وَأَفْضِي إِلَيْكَ بِسُوءِ عَمَلِي تَقَرُّبًا إِلَي عِبَادِكَ وَ تَبَاعُدًا مِنْ مَرَضَاتِكَ»؛ (سیدرضی، ۱۴۱۴ ه.ق. حکمت ۲۷۶، ص ۵۲۴) «خدایا به تو پناه می برم که ظاهر من در برابر دیده ها نیکو و درونم در آنچه که از تو پنهان می دارم، زشت باشد و بخواهم با اعمال و رفتاری که تو از آن آگاهی، توجه مردم را به خود جلب نمایم و چهره ظاهرم را زیبا نشان داده با اعمال نادرستی که درونم را زشت کرده به سوی تو آیم تا به بندگان نزدیک و از خشنودی تو دور گردم.» (دشتی، ۱۳۷۹ ه.ش. ص ۶۹۷)

شخص ریاکار هرگز گامی در جهت تربیت خود برداشته است، زیرا انسانی که در مسیر خودتربیتی قدم بگذارد می داند که ریاکاری یکی از گناهایی است که انسان را از توجه، پاداش و عنایت پروردگار دور کرده و از مسیر هدایت خارج می گرداند. در واقع این رفتار ناپسند، تاثیر نامطلوبی در خودتربیتی می گذارد، به این صورت که باعث می شود تا فضائل اخلاقی در باطن فرد هضم نگردد و فقط نمود ظاهری پیدا کند، زیرا فرد تنها بخاطر منافع خود و جلب توجه دیگران، اظهار اخلاق مداری می نماید، در نتیجه فرد فقط به ظاهر اعمال توجه کرده و تلاشی برای رشد فضائل در باطن خود انجام نمی دهد و تنها در همان مرحله یعنی ظواهر می ماند و سیرت وی آلوده به خودنمایی می شود. به طور کلی تا خصلت و صفتی در نهاد انسان رشد نکرده باشد، در اعمال و رفتار او تغییری حاصل نمی شود و مسیر خودتربیتی و رشد استعدادها در انسان شکل نمی گیرد و همچنین چنین شخصی نمی تواند تاثیر مطلوبی در دیگران ایجاد کند. حضرت علی (ع) در مورد کمال انسانی فرمودند که: «كَمَالُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَ قِيَمَتُهُ فَضْلُهُ» (غرر الحکم) (تصحیح رجایی)، (۱۴۱۰ ه.ق. صفحه: ۵۳۸) تمامیت مرد به عقل او و بهائش باندازه کمال و فضلش می باشد. (غرر الحکم) (ترجمه انصاری قمی)، (۱۳۳۷ ه.ش: جلد: ۲، صفحه: ۵۷۳) یعنی معیار انسان کامل، میزان بهره او از عقلش می باشد و هرچه از عقل خود بهتر بهره برد، بیشتر رشد

می‌یابد، همچنین حضرت می‌فرماید؛ مِنْ كَمَالِ الْمَرْوَةِ تَرْكُهُ مَا لَا يَجْمَلُ بِهِ، وَ مِنْ الْحَيَاءِ أَنْ لَا يَلْقَى أَحَدًا بِمَا يَكْرَهُ؛ (دیلمی، ۱۴۰۸ ق. ص ۱۲۷) انسان طالب کمال باید آن چیزی را که برایش زیبا نیست را ترک کند، ریاکاری یک عمل ناشایست است که انسان باید از آن دوری نماید و در این صورت است که کمال انسانیت محقق می‌گردد.

نتیجه

طبق آنچه بیان شد، خودتربیتی مورد بحث با تربیت در غرب که در معنای علمی و آموزشی است تفاوت دارد، همچنین خودتربیتی با علم اخلاق که فقط در حیطة خودسازی و اخلاقی صورت می‌گیرد دارای تفاوت است، زیرا خودتربیتی، هر سه حیطة اعتقادی، اخلاقی و رفتاری را شامل می‌گردد و فقط منحصر به تربیت در اخلاق نیست بلکه انسان در حیطة اعتقادی نیز نیاز به تربیت خود دارد، به گونه‌ای که بدانند غافل نبودن از خدا، یک خودتربیتی است، همچنین دشمن شناسی و بصیرت داشتن یک خودتربیتی محسوب می‌گردد. قرار بر این است که انسان بفهمد نه تنها در اخلاق خود نقص دارد بلکه در اعتقادات و رفتار خود نیز دارای نقایصی می‌باشد که باید در صدد اصلاح آن برآید.

انسان با اراده راسخ خود می‌تواند نقایص را اصلاح کرده و نیز با موضع‌گیری در مقابل دشمن، از انجام اعمال ناشایست دوری کند که به این ترتیب مورد ستایش دیگران قرار گرفته و با معرفت به خداوند به سمت تحقق کمال انسانیت نیل خواهد کرد.

خودتربیتی در هر سه حیطة اعتقادی، اخلاقی و رفتاری دارای موانعی است که لازم است انسان با بهره‌گیری از کلام نورانی امام علی (ع) به شناخت آن موانع نائل گردد.

از جمله موانعی که انسان در مسیر خودتربیتی با آن مواجه است، موانع درونی می‌باشد. این موانع از درون و باطن انسان منجر به انحراف او می‌گردد و اگر مورد غفلت، عدم توجه و شناخت قرار گیرد و نیز اگر قوت گیرد، مانعی جدی در مسیر خودتربیتی ایجاد کرده و انسان را از مسیر کمال انسانیت و تقرب به خداوند خارج می‌گرداند. انسان با غفلت از خداوند، خود را به ورطه ضلالت و گمراهی می‌کشانند و از دست یاری پروردگار در مسیر تربیت خود محروم می‌مانند، همچنین انسان با غفلت از خود و عدم شناخت صحیح نفس خود، نمی‌تواند امر خودتربیتی را به فعلیت برساند و همچنین با غفلت از مرگ و آخرت، اصالت را به امور دنیوی داده و از معنویت و تربیت خود در جهت اهداف الهی غافل می‌ماند، گاهی انسان با غفلت از دشمن، از جمله شیطان که مهم‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن انسان است از تحقق استعدادها و استفاده از توانایی‌ها باز می‌ماند، همچنین تبعیت از شیطان، شکست‌هایی را برای انسان رقم می‌زند که منجر به اشتغال بیش از حد انسان



به امور دنیوی شده که در نتیجه جلوی رشد و تربیت انسان را گرفته و منجر به اتلاف وقت و عمر انسان می‌گردد.

به طور کلی هر آنچه که دین و ایمان انسان را هدف قرار دهد و آنها را از انسان برباید، دشمن او محسوب می‌گردد. گاهی نفس خود انسان، دشمن اوست و به گونه‌ای در انسان نفوذ می‌کند که تأثیر منفی می‌گذارد و منجر به آلوده شدن انسان به رذائل اخلاقی می‌گردد. گاهی نیز انسان آن قدر نفس خود را بزرگ می‌پندارد که آلوده به صفت عجب و خودپسندی می‌گردد و می‌پندارد که نفس‌اش نقاط ضعفی ندارد، در نتیجه تلاشی برای رفع نقاط ضعف خود نمی‌نماید. این فرد آن قدر سرگرم ظواهر دنیا و آرزوهای طولانی خود گشته است که اهمیتی به تربیت نفس خود در جهت الهی و کمال انسانی نمی‌دهد، زیرا پرداختن بیش از حد به این موارد، اراده انسان را سلب کرده و نمی‌گذارد تا انسان خود را از بند و اسارت هوس‌ها و خواهش‌های نفس رها سازد. به بیان بهتر، انسان تا نخواهد، رشد و تربیتی حاصل نمی‌گردد. چنان‌که با قوت یافتن و ادامه پیدا کردن موانع درونی ذکر شده در نفس انسان، رفتار او نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و منجر به بروز رفتاری از جمله؛ تلاش بیش از حد برای رسیدن به دنیا، دروغ‌گویی و ریاکاری از جانب انسان می‌گردد؛ بنابراین، بدیهی است کسی که در جامعه اسلامی به این موانع توجه داشته باشد و از آنها دوری کند، جامعه اسلامی پیشرفت چشمگیری خواهد کرد.



فهرست منابع

قرآن کریم

سید الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه. تحقیق صبحی صالح، قم: ناشر مؤسسه دارالهیجره، ۱۴۱۴ ه.ق.

منابع فارسی

۱. آیت الله خامنه‌ای، سید علی. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. چاپ اول. تهران. انتشارات انقلاب اسلامی. ۱۳۹۷ ش
۲. اکبری، محمود. بیماری‌های اخلاقی و درمان‌های قرآنی. چاپ دوم، بی‌جا: فتیان، ۱۳۹۲ ش.
۳. آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین. شرح غرر الحکم (خوانساری). تهران: دانشگاه تهران؛ مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۶۶ ه.ش.
۴. باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. چاپ ۴۳، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۷.
۵. جعفری، محمدتقی. شرح نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۶. خمینی، روح الله. چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
۷. درایتی، مصطفی. ترجمه تصنیف غرر الحکم. مشهد: ضریح آفتاب، ۱۳۸۱ ه.ش.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، ماه مهرپرور. تهران: انتشارات دریا، ۱۳۹۴.
۹. علوی، حمیدرضا. تربیت در قرآن و نهج البلاغه. کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۳.
۱۰. علی بن ابی طالب (ع)؛ امام اول. ترجمه شرح نهج البلاغه (ابن میثم). مشهد: آستان قدس رضوی؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۱. _____ غرر الحکم. ترجمه انصاری قمی، تهران: علی الانصاری القمی، ۱۳۳۷ ه.ش.
۱۲. _____ غرر الحکم. ترجمه رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۳. _____ گفتار امیرالمؤمنین علی (ع) (غرر الحکم). قم: ناشر انصاریان، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۴. _____ نهج البلاغه. ترجمه دشتی، قم: مشهور، ۱۳۷۹ ه.ش.



۱۵. فولادوند، محمد مهدی. ترجمه قرآن. تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. قرائتی، محسن. تفسیر نور. چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۱۷. _____، گناه‌شناسی. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۶.
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. ایمان و کفر (ترجمه کتاب الإیمان و الکفر بحار الأنوار؛ جلد ۶۴). ترجمه عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران: انتشارات عطارد، ۱۳۷۸ ش.
۱۹. محمودیان. حسین و همکاران. دانش خانواده. چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷ ش.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی. به سوی خودسازی. به نگارش کریم سبحانی. چاپ چهارم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱۳۸۴ ش.
۲۱. مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا، بی تا.
۲۲. _____، انسان کامل. تهران: صدرا، بی تا.
۲۳. _____، آزادی معنوی. تهران: صدرا، بی تا.
۲۴. معین، محمد. فرهنگ فارسی معین. چاپ پنجم، تهران: انتشارات سرایش، ۱۳۸۲.
۲۵. مکارم شیرازی. ناصر. تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۷۴.
۲۶. _____، پیام امام امیرالمؤمنین (ع). تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ه. ش.

منابع عربی

۲۷. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبئه الله. شرح نهج البلاغه (ابن ابی‌الحدید). قم - ایران: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی بی تا.
۲۸. ابن بابویه، محمد بن علی. الخصال. مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین ۱۳۶۲ ش.
۲۹. ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاییس اللغه. مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. ابن منظور. محمد بن مکرم. لسان العرب. مصحح: جمال الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر و الطباعة و النشر و التوزیع؛ دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد. تصنیف غررالحکم. مصحح: مصطفی درایتی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی. مرکز النشر، بی تا.

۳۲. _____، غررالحکم (تصحیح رجایی). قم: دارالکتب الإسلامی، ۱۴۱۰ ه.ق.
۳۳. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر. قم: مدرسه الإمام المهدي ۱۴۰۸ ق.
۳۴. دیلمی، حسن بن محمد. أعلام الدين في صفات المؤمنين. قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۳۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ قرآن. مصحح: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دارالقلم. دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۳۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی. منیة المرید. مصحح: رضا مختاری، قم: مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۳۷. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. شرح أصول الكافي (صدرا). مصحح: محمد خواجوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۳۸. الطریحی، فخرالدین بن محمد. مجمع البحرین. تحقیق احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران: نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. الكافي (ط - دارالحدیث). مصحح: دارالحدیث، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۴۰. _____ الكافي. مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه. ۱۴۰۷ ق.
۴۱. لیثی واسطی، علی بن محمد. عیون الحکم و المواعظ (الیثی). مصحح: حسین حسینی بیرجندی. قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۴۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. بحار الانوار. مصحح: جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- پایان نامه ها**
۴۳. احمدیان سیاهکل. سوری. موانع رشد اخلاقی از منظر نهج البلاغه. کارشناسی ارشد رشته هیات گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور دانشکده هیات و علوم اسلامی: ۱۳۹۴ ش.
۴۴. باقری طاقانکی، رقیه. هواپرستی از دیدگاه نهج البلاغه. کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین: ۱۳۹۰ ش.
۴۵. پیمبرپور، جابر. شیوه مقابله حضرت امیرالمؤمنین (ع) با آفات زبان در نهج البلاغه. کارشناسی ارشد رشته معارف نهج البلاغه، دانشگاه کاشان: ۱۳۹۴.



۴۶. تقریبی. منصوره. موانع پرورش فضایل اخلاقی در نهج‌البلاغه. کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث گرایش نهج‌البلاغه، دانشکده‌ی علوم حدیث: ۱۳۹۱ ش.
۴۷. توکلی بنیری، مه‌ری. خودشناسی و خودسازی و نقش آن دو در اخلاق فردی و اجتماعی با تأکید بر نهج‌البلاغه. کارشناسی ارشد رشته نهج‌البلاغه گرایش اخلاق و تربیت فردی و اجتماعی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی: ۱۳۹۰ ش.
۴۸. حصامی، مینا. خط قرمزها در تربیت از منظر نهج‌البلاغه. کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث: ۱۳۹۲.
۴۹. حق‌شناس پشکه، صغرا. بررسی آرزو در نهج‌البلاغه. کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم حدیث گرایش نهج‌البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث: ۱۳۹۰ ش.
۵۰. رجبعلی کاشانی، عادل. آسیب‌شناسی دنیاطلبی از دیدگاه امیرمؤمنان امام علی(ع). کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی - نهج‌البلاغه، دانشگاه کاشان: ۱۳۹۵.
۵۱. رحیم زاده، زهرا. عوامل و موانع انحراف اعتقادی از دیدگاه نهج‌البلاغه. کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مذاهب اسلامی: ۱۳۹۶.
۵۲. زالی مقصودلو، غفار. خودشناسی و خودسازی از منظر امام علی (ع) با تأکید بر غررالحکم. کارشناسی ارشد رشته‌ی معارف اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم: ۱۳۹۰.

مقاله‌ها

۵۳. آریان، حمید. محمدعلی جهان پناه. «عوامل مؤثر بر اراده‌ی انسان و تقویت آن در راستای انجام عمل صالح از نظر قرآن». ماهنامه معرفت ۲۵۷ (۱۳۹۸).
۵۴. تهامی، رحیمه السادات و اکبر صالحی. «بررسی و تحلیل عوامل و موانع مؤثر بر تربیت دینی بر مبنای سخنان حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه». فصلنامه علمی و پژوهشی تربیت اسلامی پاییز و زمستان (۱۳۸۸).
۵۵. هاشمی، حسین. «چیستی و اهداف تربیت». پژوهش‌های قرآنی ۵۹ - ۶۰ (۱۳۸۸).

studies of tradition

Bi-Quarterly specialized-scholarly journal.

Proprietor: Al Mustafa International University

Publication Place: Quran and Hadith Specialized University,
Vol.6, No.12, , Fall & winter 2022

Editorial secretary: Dr. Seyed Haidar Tabatabai

Editor-in-chief: Mohammad Nazir Erfani

Editorial board

- Seyed Haidar Tabatabai, Al Mustafa International University
- Mohammad Ejaz Negari, PHD, (Hadith)
- Mohammad Javad Eskandar Lou, Al Mustafa International University
- Hossein Alavi Mehr, Al Mustafa International University
- Mohammad Ilya Yaghoubi, Student of PHD
- Seyed Mohammad Hossein Naghavi , Student of PHD
- Amel Hassan Mazaheri , Student of PHD
- Zulfiqar Ali Fassihi , Student of PHD
- Ali Aqa Safari, PHD, (Quran & Management)
- Mohammad Nazir Erfani , Student of PHD, (Social Sciences)

Production Editor: Mohammad Ilya Yaghoubi

Internal Manager: Zulfiqar Ali Fassihi

English Translator: Seyed Mohammad Hossein Naghavi

Address: Qom, Jihad Circle, Imam Khomeini Colleges for advanced
Studies College Association Of Quranic and Scieces Researchers.

Tel: 025-37110535

P.O.Box: 37191-64391

Email: mna8181@yahoo.com

Price: 200000 IRR